ژوندون

LIBRARY OF CONGRESS
6
JUN 6 - 1981

دافغانستان دخلك دموکراتیک‌ګوند دمرکزی‌کمیټی عمومی منشی، دانقلابی شورا رئیس اوصدراعظم ببرك کارمل په هغه پرتمین‌میتنګ‌کی ویناکوی چی دخواجه رواش په‌کارنیزیون کی چی د هـوایی او مدافع هـوایی قـواودقوماندانی او دکابل کـارنیزیون دقطعاتو دافسرانو وپو ضابطانواوسربازانوله خوا جوړشوی ؤ .

اختصار وقایع مهم

تحت ر یاست ببرك کار مل منشی عمومی کمیته مر کزی حزب د مو کرا تیك خـلق افغانستان رئیس شورای ا نقلابی‌وصدراعظم جمهوری دمو کراتیك افغانستان شو ر ا ی وزیران روز چهار شنبه ۲۳ ثور درمقرشورای انقلابی ارگ جلسه نمود .

در آ غاز جلسه ببرك کار مل ا عضا ی شورای و زیران را به مسئولیت های‌سنگین شان در قبال جا معه و مردم و تبـد یـل دستگاه اداره دولتـی بیـك دستگـاه واقعـا خدمت گذار برای مردم وپیشرفت اجتماعی واقتصادی کشور متو جه سا ختند .

° ° °

سلام های گرم و تمنیات نیك ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب‌دموکراتیك خلق‌افغانستان ر ئیس شورای ا نقـلا بی وصدراعظم جمهوری دموکراتیك ا فغا نستان را بارق شفیعی عضو علی البدل‌کمیته‌مرکزی حزب و عضو شورای ا نقلابی روز ۲٤ ثـور طی محفلی به‌مردم ز حمتکش ولسوالـی شیندند ولایـت هـرات رسانید که از طرف صد ها نفر از مردم آنجـا با شور و شعف انقلابی ا ستقبال گردید .

° ° °

دافغانستان د خلك د مو کراتیك گـوند دمر کزی کمیتی د عمو می منشی دافغانستان د د موکراتیك جمهوریت دانقلابی شورا د رئیس او صدراعظم ببرك کارمل لـه خوا ـ

فرانسی د جمهور ر ئیس په تو ګه‌دجلاتماب فرانسوا میتران د تاکلی کیدو له‌امله‌پاریس ته د ده په نامه د مبارکی تیلگرام مخا بره شویدی .

° ° °

بجواب تلگرام های تبریکیه ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مر کزی حزب‌دموکراتیك خلـق افغـانستان ، رئیس شـورای انقـلابی وصدراعظم جمهوری د مو کراتیك‌افغانستان بمناسبت سی و ششمین سالگرد آ زادی مردم مجارستان تلگرام های ا متنانیه از طـرف یانوش کا دار منشی اول کمیته مر کز ی حزب سو سیالیست کار گری مجا رستـان پال لو سینزی ر ئیس هیات رئیسه‌جمهوری مردم مجارستان و گیور گـی لازار ر ئیس شورای و زیران آ نکشور بکابل موا صلت نموده است .

...کزی‌کمیتی عمومی منشی، دانقلابی شورا رئیس اوصدراعظم ببرك کارمل دیوافسرپه سینه دمدال ...لیقولوپه حال کی .

دافغانستان دخلك د مو كراتيك گوند دمركزي كميتي عمومي منشي دانقلابي شورا رئيس او صدر اعظم ببرك كار مل د ثور ۲۱ نيه له غرمي مخكي د خواجه ر و ا ش په گارنيزيون كي د افغانستان د ديموكرا ـ تيك جمهوريت د و سله وال پوځ د وسلي وسايطو او تجهيزاتو نندار تون وكوت‌اوور پسي‌يي په‌هغه غونډه كي گډون وكړ چي د هوايي او هوايي مدافعي پوځ دافسرانوسر ـ تيرو او منسو بينو او دكابل گارنيز يونډ قطعاتو او موسسو داستازو له خوا شوي وه .

• • •

عنواني ببرك كار منشي عمومي كميته مركزي حزب د مو كراتيك خلق افغانستان رئيس شورای انقلابي و صدر اعظم‌جمهوري دموكراتيك افغانستان تلگرام تبر يكيه به مناسبت سو مين سالگرد انقلاب شكو همند ثور از طرف صدام حسين ر ئيس جمهور عراق بكابل موا صلت كرده است .

رئيس جمهور عراق طي اين تلگرام تبريكات گرم و صميمانه مردم عراق‌رابمردم افغانستان تقديم نموده صحت و سلا مت شخص ببرك كار مل را باپيروزي هاي‌مزيد مردم ا فغانستان تمنا كرده است .

• • •

په كابل كي د چكو سلواكيادسوسياليستي جمهوريت لوی سفارت دثور ۱۹ نيته غرمه دخپل هيواد ملي ورځ دميلمستيا په ترڅ كي و نمانځله .

په د غه ميلمستيا كي چي د چكوسلواكيا د سفير په گوركي شوي وه دافغانستان غړو دانقلابي شورا د رئيسه هيات، خينو او دصدراعظم مرستيال سلطانعلي كشتمند غړو دانقلابي شورا او د وزيرانو د شورا يوشمير غړو خينو گوندي كدرو نودوسله‌وال دخلك د يمو كراتيك گوند د مر كزي‌كميتي دسياسي بيرو غړي دانقلابي شورا مرستيال دگوند د سياسي بيرو او مركزي كميتي‌خينو پوځ سترو افسرانو دو لتي لوړ ر تبه كار كو و نكو او په كابل كي د دو ستو هيوادو سفيرانو او پو ځي آ تشو گون كړي وو .

دافغانستان د خلك دمو كراتيك گو ند دمركزي كميتي د سياسي بيرو دغړي‌دمولي اړ پيوستون د ساز مان او له بهر نيوهيوادو سره دافغانستان ددوستي دټولنو داتحاديي د رئيس ډاكتري ا نا هيتا راتبزاد له خوا پرهتلري فاشيزم باند د بر يالتوبدشپږ ـ ديرشمي كاليزي له امله له بهرنيو هيوادو سره د شوروی اتحاد دوستي او كلتوري اړيكو دټولنو داتحاديي د رئيس اودشوروی اتحاد او افغانستان د دو ستي د ټو لني د رئيس ا نتو نوف په نامه مسكوته‌دمبارگي تيلگرام مخابره شويدي .

• • •

د ثور ملي او دموكراتيك انقلاب او په‌تيره بيا دهغه نوی پړاو دهيواد مليوني او زيار ـ ايستونكي پرگني د فيوډالي وراسته نظام داستبداد او ظلم له جغ څخه خلاص كړل او دټولو هيوادپالو خلكو او په تيره بيادهيواد دمبارزو خوانانو رسالت دی چي دانقلاب د بشپړتيا او دهغه دارزښتونو ددفاع په لارگي زړوره مبارزه وكړي .

دسياسي بيرو غړي دانقلابي شورا مرستيال‌او دصدراعظم مرستيال سلطانعلي كشتمندكله‌چي دچكوسلواكياكي‌دملي ورځي‌په‌مناسبت دهغه هيواد لوی سفير ته مبارگي وايي .په عكس كي دگوند دمركزي كميتي دسياسي‌بيروغړي دستگيرپنجشيري هم ليدل كيږي .

يوشمير هغه دانقلاب سپاهيان چي دانقلابي‌هدفونو دتوضيح له پاره خينو ولاياتوته لاړل.

پیک ثور وثلاثاء

واقعیت اینست که امپریالیست های امریکایی با ارتجاع داخلی منطقه و رهبران چین سخت درزدو بند اند تادرراه انقلاب ملی ودموکراتیک ضد فیودالی وضد امپریالیستی خلق افغانستان سنگ اندازی کنند ، شهر، دهات، مکاتب ومساجد رادر آتش بکشد، زنان اطفال وپیرمردان مارا وحشیانه به قتل برسانند ودست آورد های انقلاب ثور را از میان بردارند .

«ببرک کارمل»

شنبه ۲۶ ثور ۱۳۶۰ـ۱۶ می ۱۹۸۱

سی وششمین سالگرد پیروزی بر فاشیزم

نهم ماه می به مثابه بزرگترین پیروزی تاریخی انسان وانسانیت ، برفاشیزم هتلری این طفل کثیف سرمایداری امپریالیستی ست،

نهم ماه می روز فتح و غلبه نهایی برفاشیزم این پدیده ملعون زاییدهٔ نظام استبداد وستم انسان بالای انسان میباشد .

غلبه برفاشیزم نتیجه تلاش ومبارزه مشترک همه نیروهای ضدفاشیستی است امانیرو های آزادی خواه ، انسان دوست ومترقی درین نبرد نقش قاطع داشتند که سهم اتحاد ـ شوروی در ین زمینه خیلی برجسته وبرازنده است .

زیرا این روز با خون رشید ترین وبرومندترین فرزندان اتحاد شوروی رنگین شده است که همه جهان بشریت مرهون قهرمانی و فداکاری ارتش سرخ شوروی این پاسداران آزادی ، انسان وانسانیت میباشد.

بتاریخ ۲۲ جون ۱۹٤۱ فاشیست های آلمانی جنگ اعلان ناشده یی را علیه کشور شوراها براه انداختند وباپنج میلیون سرباز و نیروی های مسلح به اتحاد شوروی حمله ورشدند وزندگی صلح آمیز و سازنده آنها را برهم زدند .

بعدازیکسال روز نبرد رویاروی و مسلحانه دربرابر اردوی سرخ شوروی به جنگ افروزان تاب مقاومت ونبرد نماند ودر تحت نبرد غلبه ناپذیر ارتش شوروی خوردوخمیرشدندناگذیر به تسلیم بلاقید وشرط گردیدند وخلق های جهان وبه ویژه خلق قهرمان اتحاد شوروی دوست صدیق خلق هارا که در جنگ کبیر میهنی بیش ازبیست میلیون پیروبرنا وکودک خودرا ازدست داده بودند اندکی آرامی بخشید.

مگر تاهنوز هیولای فاشیزم را مردم جهان از یاد نبرده اند و هنوز کوره ها ی آدمسوزی واردو گاه های مرگ آفرین فاشیستان مانند آشویتس وجدان هرانسان با احساس را می‌آزارد ، وآنها با تمام گوشت وپوست خویش احساس نموده‌اندکه فاشیزم باصلح ودوستی وترقی وتحول دشمن آشتی ناپذیر بوده و هر جا که مشعلی از نهضت وتحول روشن میشود فاشیست های هتلری به «استریک» وحشتناک دچارشده وباتمام هیله ونیرنگ و بکار بردن اعمال غیر انسانی متوسل می‌شوند ازکشت وکشتارفجیعانه گرفته تاآتش سوزی وغیره اعمال تروریستی رو گردان نیستند.

فاشیزم با منافع انسانی و حیاتی توده های مردم وخلق های سراسر جهان دشمنی عمیق وبنیادی دارد در آن عده از کشور های جهان که این نظام اختناق وترور و آدمکشی ولو برای مدت محدود هم مستقر بوده بدترین وفجیع ترین شکنجه های روحی و جسمی را بر باشندگان آن تحمیل نموده ومینماید وباندهای فاشیستی ونیوفاشیستی بامشتعل نمودن آتش اینجاو آنجا میخواهند امنیت ، صلح و حیات روز مره انسان هارا به خطر اندازد و با این عمل خود جنبش‌های آزادی بخش ملی خلق های آسیا ، افریقا و امریکای لاتین را خفه نماید اما باید ملتفت بود که تصمیم این رزمنده مردان و زنان قاطع وشکست ناپذیر استوآنهاییکه پاسدار صلح ودوستی وعاشق نهضت و تحول اند درامراعاده صلح ودموکراسی وتامین دیتانت از هیچ گونه مبارزه دست نمی‌گیرند .

اگر کشور های مترقی و صلح دوست جهان از روزنهم ماه می تجلیل وبزرگداشت به‌عمل می‌آورند ازین جهت نیست که آتش انتقام جویی را در نزد انسان ها شعله و رسازند.

بلکه از سبب آنست که جراحات خونین ووحشیگری های فاشیزم هتلری در خاطره‌ها محو نشود وبشریت انسان دوست وعقل‌های سلیم اجازه ندهد که فاشیزم جهان خوار که نظام های ترور و اختناق و ظلم واستبداد زاینده آنست به شکل نیوفاشیزم ویا باتغییر قیافه بشریت را بار دیگر سو گوار سازد .

زیرا جنگ دوم جهانی که فاشیزم این طفل نااهل سر مایداری آنرا براه انداخت ویک عده زیاد انسان ها را برای همیشه داغدار و ماتم دار ساخت به یقین که نسل های بعدی نیز خاطرات جان کای آنرا از یادنمی بردوتاجهان است قصه های از قصه های این کشتار بی رحمانه و غیر انسانی فاشیزم نقل مجالس و محافل خواهد بود .

مردم‌ماکه ازکشتاروآدم‌سوزی، ظلم و بی عدالتی و ترور واشغالگری فاشیزم و نیو فاشیزم آگاه اند لازم است تا همراه‌باهمه خلق های صلح دوست جهان علیه فاشیزم این دانه سرطانی برزمند وتا آخرین قطره خون برای دور نمودن این سایه شوم در مجاهده و مبارزه باشند .

پیروز باد صلح

نابود باد فاشیزم ونیو فاشیزم .

در این شماره

سره میاشت از شما و برای شما

° ° °

گئورگی دیمتروف فرزند قهرمان بلغاریا .

° ° °

زنده باد صلح ، مر گ بر جنگ‌وجنگ افروزان .

° ° °

چهره وا قعی زن در آ ئینه تمام نمایی اندیشه پرو لتری

° ° °

کار گران جهان روز اول می راباشکوهمندی خاصی تجلیل می نما یند

° ° °

اعتیاد با ادویه مخدره ، بحیث یک سرطان اجتماعی

° ° °

زبان وسیله پیوند عاطفی انسان .

° ° °

شرح پشتی : اول وپشتی چارم ، همچنان صفحات متن رادر صفحه ۲۲ مطالعه فرمایند .

تصحیح ضروری

در صفحه ۳ ستون سوم سطر سوم بجای سطر دوم خوانده شود .

تبصره

یکسال از پیشنهادات صلح ۱۴ ماه می گذشت

مادر شماره گذشته ا علامیه و زارت‌امور خارجه جمهوری د مو کراتیک ا فغانستا ن بمناسبت سپری شدن یك سال از ا را ئـه پیشنهادات مشهور صلح آمیز مو رخه ۱٤ ماه می دو لت ج.د.ا. را به‌نشر سپردیـم اعلا میه جدید وزارت ا مور خارجـه ج.د.ا باتاکید صریح و صادقانه روی اصل‌جستجوی راه های حل مسالمت آ میز او ضاع ا یجاد شده پیرا مون کشور ما یکبار د یگر کشور های همجوار ی را که در برابر راه حـل مسالمت آ میز و ضع کنونی منطقه بخصوص در ارتباط با او ضاع کشور ما سنگ اندازی می نمایند به مسوولیت سنگین شان‌دربرابر تاریخ و سر نوشت خلق های منطقه متوجه ساخته و یکبار دیگر نیات صادقانه د و لت انقلابی ما را در جهت یافتن یك راه حـل منطقی مسالمت آ میز و به نفع توده هـای مردم کشور های منطقه مطرح سا خت .

درواقع‌کشورمابه‌صلح‌بمثابه نیازمبرم‌زمان، نیاز عاجل مردم ما در جهت اعمار جا معه نـوین ونیاز انسانی توده ها عمیقا علاقمند بوده و درین جهت از هیچگونه تلاش لازم د ر یغ نورزیده ا ست . و لی هستند نیرو هـایی در منطقه ما که واقعیت انقلاب ا فغانستان و پیامد های اجتناب ناپذیر دو جـونب آنرا به نفع توده های ملیونی ز حمتکش نمی ـ پذیرند واز هیچگونه ا مکانی جهت افزایش تشنج تحریك و تفتین و تو طئه علیه مادست بردار نیستند .

تمام پیچیدگی های و ضع کنونی و تمام ضایعاتی که ازان بر می خیزد ناشی‌ازهمین نیات ما جراجو یانه وانتقام جویانه‌وسیاست غیر واقعبینانه همین محافل و نیرو هـای ار تجاعی منطقه ما می باشد .

ما بتاریخ ۱٤ ماه می ۱۹۸۵ به صراحت اعـلام داشتیـم کـه حـاضـر هستیم تمام معضلات عمده کنونی را کـه باعث‌ـ کشیدگی او ضاع پیرا مون ا فغا نسـتان گردیده ا ست در پشت میز مذا کره‌بادولت های کشور های همجوار حل نماییم .

ما به صراحت مطرح سا ختیم که طی‌این مذاکرات درصورت ارائه تضمین قابل اعتبار در جهت ختم تجا وزات از ین سر ز مین ها علیه کشور ما و عدم تکرار مجدد آ نها مساله برگشت نیرو های محـدود نظـامـی اتحادشوروی که‌بنا به در خواست مقا مـات قانونی و صلاحیتدار کشور ما بخاطر طـرد ودفع تجاوز خارجی به کمك مردم ما شتافته اند حل خوا هد گردید .

بعدا این پیشنهادات در مواقع مختلـف شکل مکملتری را بخود گر فته و بیکی از واقعیت های سر سخت و انکارناپذیرمناسبات جاری بین المللی نه تنها در سطح منطقـه ما بلکه در مقیاس جهانی مبدل گردید .

دولت انقلابی افغانستان با احساس‌مسوو‌ـ لیت عمیق و شرافتمندانه باطرح ا یـــن پیشنهادات و ظیفه ا نسانی صلح جو یانه خودرا در برابر مر د مان منطقه و جهـــان ایفا نموده است . طرح این پیشنهادات‌فاقد روحیه صر فا تاکتیکی و عوامفریبانه بوده واز سرشت عمیـــق سیاست دولت انقلابی ما منشاء می گیرد . مادر جهت بکـــرسی نشاندن این پیشنها دات که ظا هراغیچکس آنرا صریحا رد ننموده است بارهاکوشیده‌ایم یکی دوبار دو لت پاکستان با ا ظهارات‌مبهم وسردرگم که بعد ها معلوم شد ر یاکارانه بوده است اظهار آ مادگی خود را در جهت انجام مذاکرات اعلام داشته ولی متا سفانه هیچ گام عملی یی در جهت آ غاز مذاکرات ویاکوشش در راه تهیه مقد مات آن، بـــر نداشته و کو ر کو رانه بدر گاه قصر سفید چشم دو خته و سیاست ما جرا جو یانه آنرا تعقیب نمود .

هر بار یکه پاکستان با همین ا ظها رات مبهم و مغشوش هم تمایل خـود را در بن جهت تبارز داده است ، مقا مات ذیصـلاح قصر سفید با د ستپا چگی د ست بکـــار شد ه اند تا درین ز مینه موانع را ایجاد نمایند .

ما آنچه را می بایست ا نجام د هیم انجام دادیم اگر دو لت های همجوار واقعا خواهان حل مسالمت آ میز معضلات کنو نی پیرا مون او ضاع افغانستان هستند بایست‌پیشنهادات مشخص معقول و واقعبینانه ما را که بدون تحمیل قید و شرط قبلی مطرح گر دیده است بپذیرند در غیر آن نخوا هند توانست‌تمایلات ناسالم جنگ طلبانه وآتش افرو زانه خودرا در زیر پرده پرد و دو غبار اتها مـــات و ابهامات بپو شا نند .

سر مقاله حقیقت انقلاب ثـور

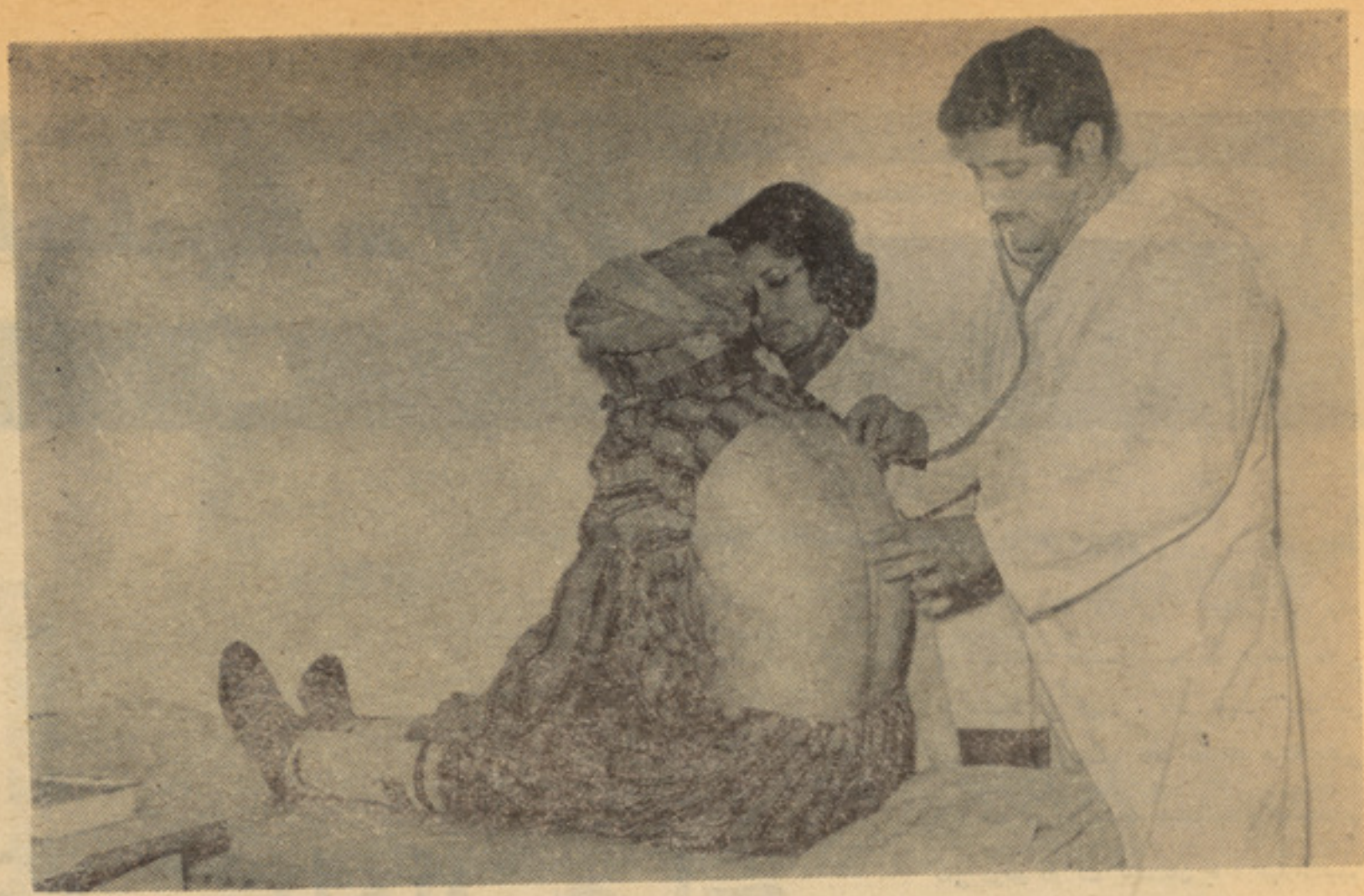

دکتوران موظف سره‌میاشت همیشه در خدمت هموطنان کم بضاعت ما هستند .

نوشته : س . ر . ها شمیار

سره‌میاشت از شما و برای شما

• درسال گذشته بیش از یک ملیون و هشتصدو هزار هموطن مریض ما از طریق کلینیک ها و شفاخانه های سره میاشت زیر تداوی قرار گرفته اند.

• • •

هشتم می که مصادف است با هجده هم ثور روز جهانی سره - میاشت هاهمه‌ساله زیرعنوان وشعاری جداگانه به‌وسیله همه کشور های عضولیگ جهانی‌ودر میان همه ملت های گیتی تجلیل وبزرگداشت میگردد ویک‌بار دیگر دراین روزازیکسو به خدمات فراموش نشدنی ابرمرد بزرگ با عاطفه تاریخ هانری دونانت بنیان‌گذار موسسات صلیب سرخ، هلال احمروسره‌میاشت ها ارج گذاشته میشود واز سوی‌دیگر وسایل‌ارتباط جمعی میکوشند بانشا ندهی شرایط وبررسی از وا قعات و حوادث طبیعی و غیر طبیعی که منجر به بی خانمان شدن ، آوا ره گشتن ، صد مه د یدن از جنگ ، قحطی و گرسنگی و ده ها مشکل د یگر از این‌مانند برای توده های و سیع ا نسانی می گر دد زمینه های تازه را برای به و جود آ و ری امکانات گسترده تر کمك ر سانی به انسان درمانده در هر کجایی که است و بدون در نظر داشت‌تبعیض های‌نژادی ویامسایل سیاسی فراهم آورند .

سره میاشت ها از آ غاز تا سیس خود تاکنون بر اساس مشی بشر خوا ها نه‌وصلح طلبانه یی که دارند در سطح جهانی نقش عمده‌یی در جبران نا بسامانیهای ناشی‌ازجنگ ها، قحطی ، گرسنگی ، زلزله ، سیلاب و حوادث د یگر از این مانند داشته و دارند .

این ساز مان ها که در پر نسیپ های جهان شمول خود ، بشر دو ستی ، عدم تعلق ، بیطرفی ، ا ستقلال ، شفقت ووحدت را پذیرفته و بر اساس آن کار می کنند هدف عمده آ نان را خدمت گذاری وا قعی و راستین به نیاز مندان تشکیل می دهد.

در کشور ما نیز سره میاشت به عنوان یك‌ساز مان خیر یه در سطح ملی و جهانی نقش ار زشمند در تحقق آ رزو های‌انسانی داشته و باالخصوص بعد از پیروزی انقلاب ثور و مر حله نوین تکا ملی آن نه تنهاتمام نابسا مانیها و نا هنجا ری های مو لود شرایط گذشته را از دا مان خود بر چیده است بلکه هر روز ساحهٔ کار و خد ما ت اجتماعی خودرا گستر ش بیشتر داده وتوانسته است اعتماد مردم را به خود جلب و ساحهٔ امداد آ نان را و سعت بخشد .

چنانکه این مو سسه‌در جریان سال۱۳۵۹ نزدیك به یکصد میلیون افغانی رااز طریق مرکز جمعیت ، کلینیك های صحی ، مرستونها و نمایندگی های سره میا شت محدود می باشد در نزده کلینیك و د و شفا خانه مر بوط به این ساز مان که‌دکتوران به گونه داو طلب در آن فعالیت می کنند بیش از یك میلیون و هشتصدو چهل هزار نفر از همو طنان ما به مصرف ا دا فه از پنج میلیون و دو صدو هفتاد هزار افغانی ، تداوی ، پانسمان ، پیچکاری گردیده وادویه نیز برای شان تو زیع شده است .

در و لایات و هم از راه لاتری به مصیبت رسیدگان و محتا جان کمك نقدی ویا جنسی داده است که این ا مداد شا مل معا دل هفتاد و نه میلیون افغانی ، بیش از چها ر هزار و ششصد تن گندم ، پنجصد و سی تن آرد ، بیست و پنج تن برنج ، اضافه‌از سه‌صد و بیست وهشت تن روغن، پنجاه و سه‌تن شیر پودری ، شصت تن بوره، یك تن چای و هشتاد وچهار تن حبو بات‌دیگر می گردد .

در بخش خدمات لاتری بیش از دو ازده‌ونیم ملیون افغانی برای بیش از یکصد و نه هزار نفر بر ندگان جوایز گو ناگون‌مدد رسانی شده و در ساحه مسایل صحی‌باتوجه به پائین بودن سطح آ گا هی و دانش صحی، فقر مسلط در جا معه عدم شرایط‌حفظ‌الصحه فردی و محیطی که در مجموع خود منجر به بروز انواع بیماری های مسری و غیر مسری در میان جامعه می گردد و نظر داشت ا ین نکته که ا مکا نات و زارت صحت عامه نیز برای ر سیدگی به همه این نا بسا ما نیها

مستحقینیکه از کمك ها ی سره میاشت برخوردار شده اند .

جمعیت افغانی سره میاشت در سال گذشته معادل بیش از نود و هفت میلیون افغانی کمک نقدی و جنسی به هموطنان نیازمند ما داده است

سره میاشت در ساحه خد مات ا جتماعی وصحي خود که جمعاً شامل بیش از هشتا د وچهار میلیون افغـانی می شود در جـریان یکسال گذشته تلاش به عمل آ ورد تانحوۀ ارائۀ خدمات خـود را مثمـرتر ساخته و شرایطی را کار سازی کند که در زود ترین فرصت ممکن حد اکثر کمك لازم را برا ی مستمندان و محتا جان و نیاز مندان درسطح کشور انجام شده بتواند کـه بـه همیـن اساس در پهلوی و زارت صحت عا مه‌نقش عمده در جهت ر سا ندن خد مات صحی بـه مردم داشته است مر ستون های چهار گا نه کابل ، ننگر هار ، هرات و قند هار نیـز باپیروی از مشی انسان خوا هانه جمعیت افغانی سره میاشت خدمات شان با تحول و دگرگونی چشمگیـری به همراه بوده و نه‌

صحنه‌یی از قرعه کشی تکت‌لاتری سره‌میاشت

تنها برای بیش از چهار هزار نفر که دراین کانون ها جمع آ وری و ا باته و ا عا شه می گردند شرایط کا ملا انسانی مهیا آمده بلکه با زمینه سازی های تازه تر بیوی و تعلیمی و انکشاف روز افزون شعب صناعتی آن تلاش گردیده تا این جمع بی خانواده‌که در اثر حوادث کانون های پر مهر فا میل خودرا از دست داده اند در فضای پر مهرو عطو فت ز ندگی کرده کمبود های شان رفع وبرای تامین ز ندگی آ ینده شان ا قداماتی سود مند به عمل آ ید .

باتو جه به همه این خد مات و آ ر ما ن های وا لای ا نسانی افغانی سره میا شتو همه سره میاشت های جهان ا ست که در می یابیم شعار سره میاشت با شما و برای شما چه مفهوم وسیع و معنوی انسانی دارد و چگونه این ساز مان ها در مواقعی کـه خانواده‌یی همه دار و ندار خود را از د ست می دهد ، قصبه‌یی و یران می گردد آ تش سوزی به و قوع مـی پیوندد و محـلی را در کام شعله هائی سو زان خود فرو می کشد، کوهی آ تشفشان می شود و شهروروستایی را با خاك یکسان می سازد ، سیلا بـی بیرحمانه جمعی خانواده را بی پناه می‌گرداند ویاجنگی صد ها زخمی ومصدوم را از خو د به جای می گذا رد و یا قحطی و گرسنگی تهدید تازه‌یی برای مرگ عده‌یی نا ا میـد فراهم مـی آورد ، دست کمك از آستین بر میکشد و به داد همه این محتا جان می‌رود وزندگی ساز دو باره آ نها می گردد ، بـر همین اساس ا ست که باید این ساز مان هارا مورد حمایت مادی و معنوی خود قرار دهیم تا به این تر تیب آ نها توانایـی گسترده ساختـن هر چـه بیشتـر ساحـۀ خدمات ا نسانی را بیا بند و گر نه‌درصورتی کـه ما در برابر آنها بی تفاوت بمـانیـم طبیعی است که قدرت کمك ر سانی و مدد دهی آ نها نیز در اثر کمی بود چوناتوانایی های پولی رو به ضعف می گذا رد بیا ییم به این نکته بیند یشیم که حا دثه ا نسان را خبر نمی کند و در هر آن وهر لـحظه ا مکان وقوع واقعه نا مطلوب غیر متر قبه وویرانکن زندگی برای همه ما و جود دارد و با ید این نکته را از یاد نبریم که انسان در بـرابر همنوع خود و جایبی دارد و ر سا لتی که باید به انجام آ ید و گر نه

توکز محنت د یگران بی غمی
نشاید که نا مت نهـند آ دمی

با خرید یك قطعه تکت لاتری باهمنوع معیوب خود کمك میکنید .

حبیب الله فرهمند

گئورگی دیمتروف فرزند قهرمان مردم بلغاریا

سال ۱۹۱۸ مصادف به‌یك هزاروسه صد مین سالگرد ایجاد دولت بلغاریا و نودمین سالگرد تاسیس‌حزب‌کمونست بلغاریا وبیست‌وششمین سالگرد قیام توده یی ضد فاشیستی سپتامبر وبیست وپنجمین سالگرد عظیم ترین پلینوم ۱۶ اپریل۱۹۵۶حزب‌کمونست بلغاریا است• در کشور محبوب مابنابه‌رهنمایی حزب‌دموکراتیك خلق افغا نستان وتجویز دولت کمیته ملی انسجام بر گزاری جشن یك‌هزاروسه صدمین سالگرد تاسیس دولت بلغاریا در افغا نستان ایجاد گردیدتا مراسم برپا داشتن‌جشن ملی زحمتکشان بلغاریا رادر افغانستان انقلابی ، سازمان بدهد •

در این مقاله بدین مناسبت فرزند قهرمان‌خلق بلغاریا گئورگی دیمتروف بانی جبهه وسیع پدر وطن بلغاریا معرفی میشود •

هجدهم جون سال ۱۹۱۸ در روستای کوهستانی «رادومیر»شمال‌غربی بلغاریا،کودکی روستایی دریك‌خانواده‌فقیر وتهیدست‌به جهان آمد که بعدا در دورهٔ زندگی اش در سرنوشت میهن خود و جنبش کار گری جهان ، نقش عظیمی ایفاء نمود پدرش پیشه ور کوچکی بود که در گیر ودار زندگی ، سرمایه ناچیز خود را از دست داده بحیث یك کارگر ساده در کارگاه ها، زحمت ورنج میکشید وآخرهم عواید ش ،مصارف زندگی‌خانواده اش راتکافو نمی‌کرد • این وضع ناگوارزندگی و فشار روز افزون فقر اقتصادی باعث گردید که گئورگی کوچك بحیث فرزند ارشد خانواده درسن دوازده سالگی از تحصیل دست بکشد وبا- انرژی جسمی خود بتواند در جهت تهیه سد جوع خانواده همکاری نماید . اودرچاپخانه کوچکی بکار پرداخت • همان دوران ، دوران آغاز مطالعهٔ آثار مترقی وایدیالوژی طبقه کارگر برای گئور گی بود •

دراثر زحمتکشی وتلاش وی، دراندك زمان نویسنده و فلمزن توانا گردید و بحیث یك انقلابی بر جسته و دور اندیش دارای جهان بین مترقی شناخته شد •

مادردیمتروف ، میرمن باراشکه وادیمنروا یکی از زنان بر جسته روز گار خود بود درآن زمان که کابوس فقر و محرومیت و همسایهٔ مخوف ترور پولیسی وفشار و اختناق که طبقات زحمتکش و اکثریت خلق بلغاریا را تهدید بمرگ می‌کرد و خانواده ها بچشم سر می دیدند که چگونه شیره‌جان‌شان به‌یغمابرده میشود ، این مادر قهرمان با روحیه انقلابی ودلیری خود رایار و مشوق فرزندان خود می‌دانست و آنها رابه پیکارو پایداری توصیه می‌کرد. زمانیکه دیمتروف به اتهام شرکت در آتش زدن «رایشتاك» بزندان سیاه افتاد، مادر نامه ای رقم کرد واورا به‌استقامت و پایداری- تشویق کرد و گئورگی به پاسخ نامه مادر نوشت که بی امان مبارزه را ا دامه خوا هد داد و تا پا یان عمر خدمتکار طبقه ز حمتکش‌باقی خوا هد ماند . باید بخاطر داشت که این مادرقهرمان این زن مبارز و د لیر به هنگام نو شتن این نا مه به گئورگی سه تن از جگرگوشهٔ خود را از دست داده بود . «کنسا نتین » جوان فعال و مبارز که بحیث مدیر اتحادیه کارگران چا پخانه کار می کرد در اثرتوطئه و شانتاژ ، بخد مت ز یر بیرق ا حضار و بعدا در جبهه جنگ بالکان سالهای ۱۹۱۲- ۱۹۱۳ فرستاده شد و در آنجا ، سر به نیست شد ودیگر خانم پاراشکدوا دیمتروا فرزند د لبندش را ندید و حتی نمی دانست که درکدام نقطه‌درکدام‌قتلگاه جان‌داده است.

نیکلای ، یکی از برا دران گئور گی دیمتروف ، مقارن با انقلاب ۱۹۰۵ به روسیه رفت و به عضویت حزب سو سیال د مو - کرات در آمد ، سه سال بعد ، پو لیس تزاری او را دستگیر و بسر زمین سرد و یخبندان سایبریا فرستاد ا ما در ا ثرضعف روز افزون مزاج ، سر مای شدید و عدم موجودیت و سایل لازم معیشت در آن سر زمین دور افتاده وافسانوی بدرود حیات گفت .

سرنوشت «تودور» برادر دیگر دیمتروف از این هم درد ناکتر ا ست ، « تو دور » عضو فعال حزب کمو نیست بلغاریا، بجرم داشتن جهان بینی علمی و فعا لیت‌انقلابی، از طرف دژخیمان دستگیر و تحت شکنجه غیر انسانی قرار گرفت تا مگروی رفقای مبارز اش را معرفی نماید ، ا ماین انقلابی کلیه درد و رنج و شکنجه را متحمل‌گردید اما احدی از عمقطا ران رز منده اش‌را بگیر محافل ددمنش حا کمه نداد ،تو دور بشکل بربرمنشانه بقتل ر سید و جسد او را بجای نا معلو می ، مد فون سا ختند . ز مانیکه مادرداغدیده به‌سراغ پسرش رفت و جویای احوال د لبندش گردید ، پو لیس گفت «تو محل و مخفی گاه د خترت « لنا» را بما روشن کن و ما هم گور پسرت را نشا ن می د هیم . » مادر د لیر ، مادر فر زندان صدیق و مبارز خلق بلغاریا با جرات صدا زد، هر جنایت از دست شما ساخته است حتی خیانت به بلغاریا ، تو دور کجاست ؟ چراوی را بدون محاکمه، شکنجه دادید ؟ شما چه اصراری در کشتن و نابود کردن فرزندان صدیق وطن روامی دارید ؟، شما به دخترم لنا ، د ست نخوا هید یافت ، هم دیمتروف را نخواهید یافت ، ا گر آنهاراهم بچنگ آورید بمانند فرزند دیگرم تودور بشما یك کلمهٔ نخوا هد گفت وقطعا رفقا و همرز مان خود را بشما معرفی‌نخواهد کرد . گئورگی د یمتروف در زیر د ست این چنین مادر قهر مان تر بیت یا فته وروحیهٔ پیکار انقلابی را کسب کرد .

کودکی و جوانی د یمتروف :

گئورگی کو چك ، در کو دکی هشیار و آگاه بود ، کتاب مطالعه می کرد ، به ر موز نویسندگی پی برد و بزودی درصف‌نویسندگان انقلابی بلغاریا قرار گرفت . گئورگی بمطالعه تاریخ و طن خود و اینکه چطور کشورش ا سیر پنجهٔ ظلم و تعدی امپراتوری عثمانی قرار گرفت و چگونه ، مرد مان شجیع همو طنش بخاطر ر هایی از یوغ امپراتوری عثمانی پیکار نمودند ، علاقمندی زیادی داشت و خو د را از تاریخ وا قعی میهن اش آ گاه سا خت ، وی خود رافرزند زحمتکشان بلغاریامی دا نست و به سر زمین آبایی اش ، عشق ودل بستگی فراوان داشت و در هر جا با غرور وافتخار بی پایان از ا نتساب به چنین مردم پیکار جو ، داد سخن می داد . سلطهٔ پنجصد ساله‌امپراتوری عثمانی عقب گرا ، جلو انکشاف ا قتصا دی واجتماعی بلغاریا را سد نمود و بلغا ریا را بیك کشور عقب مانده با قی گذاشت .

هنگامیکه گئورگی هنوزهفده بهارزندگی را ندیده بود بحیث مدیر سند یکای کار گران مطبعه انتخاب شد و سه سال بعد بعضویت حزب سو سیال د مو کرات در آمد، همینکه این حزب ا نشعاب کرد و به جناح ا نقلابی واپورتونیستی ، تقسیم گردید ، بلادرنگ گئورگی راه جناح ا نقلابی حزب را تحت رهبری د یمتر بلا کویف ، ا نقلابی نا می بلغاریا در پیش گرفت . با پیش گیری اصول تر قی ، رهبری آگاه و خرد مندانه دیمتر بلاکویف و همرز مان وی ، جناح راست که از ا صو لیت ا نقلابی انحرا ف نموده بود به انزوا کشانیده شد و کلیه زحمتکشان بلغاریا ، از آن تنفر نشان‌دادند. در اینگونه فعالیت های خلاق ، دیمترو ف بحیث عضو فعال جناح ا نقلابی حزب ، نقش برازنده و تاثیر زیادی داشت. دراثر همین کار و پیکار ا نقلابی بود که دیمتروف بعضویت کمیته مر کزی حزب سو سیا ل دمو کرات که پسانتر به حزب کمو نیست بلغاریا تکا مل یافت ، ا نتخاب گر دید . روز تاروز در جمع غفیری از پیکار جو یان شهرت می یافت و محبو بیت بیشتر کسب می کرد .

در سال ۱۹۱۳ و هم در سال ۱۹۲۳ مردم صوفیه گئورگی را بصفت نمایندهٔ شان به پارلمان بلغاریا ، ا نتخاب نمودند و ی همچنان در انجمن شهر صو فیه راه یافت ووی از تمام این فرصت ها جهت‌گسترش اندیشه های ا نقلابی ، استفاده مطلوب و وسیع نمود .

گئورگی دیمتروف که از سال ۱۹۰۶ با کارگران و ز حمتکشان بلغاریا بصورت پیگیر کار نموده ا عتصا بات کار گران «پرنیك» کارگران نساجی شهر ا سلیویا ، اعتصاب کارگران فا بریکه گوگرد سازی و سا یر اعتصابات و تظا هرات ز حمتکشان‌رابخوبی رهبری و ساز مان داد . وی اعتصا بات

گئورگی دیمتروف فرزندقهرمان مردم بلغاریا

تظا هرات و نا را می های کار گران ر ا بصورت علمی مو رد بر رسی قرار داد و درس های گرا نبهای کسب کرد و باشاره حزب خود به تشکیل زحمتکشان بلغاریا بدور ا تحادیه های صنفی سرا سری‌بلغاریا، مبادرت نمود وخودش در راس این اتحادیه مرکزی کار گران و ز حمتکشان قرار گرفت.

درسال ۱۹۲۰ که کنگره دوم کمنتر ن ، گشایش می یافت ، د یمتروف به همرا هی واسیل کو لاروف و سایر ر هبران انقلابی بلغاریا ، بصورت مخفی ، عازم کشور شورا ها گردیدند ا ما در نزدیکی سواحل‌رومانیا، کشتی آ نان بو سیله مو ظفین ا منیتی آن کشور توقف یافت و سر نشینان کشتی به اتهام جاسوسی ، بزندان ا ندا خته شدند. اندکی بعد که خبر ز ندانی این مبا رزان‌راه مردم بلغاریا به جهان پخش گر دید ، بنابر تظا هرات و سیع و پر دا منه مردم بلغاریا، در اثر فشار ا فکار عمومی جهان و خلق رومانیا ، گئورگی با ر فقایش از ز ندان رهایی یافتند و از سرزمین رومانیا اخراج شدند .

گئورگی د یمتروف توانست در سومین کنگره کمنترن ، اشتراك نماید ، در آ ن کنگره بعضویت کمیته اجرائیه کمنترن‌انتخاب گردید ، از همان و قت ، سا حه فعا لیت ومبارزه این قهرمان ازمرزهای بلغاریاخارج‌شد وخاصیت جهانی یافت و بحیث یکی ازرهبران برجسته کمنترن ، معر فی گردید .

هنگا میکه در سال ۱۹۲۳ بورژوازی‌بزرگ بلغاریا بکمك ار تش بکو د تای فا شیستی دست زد و دو لت ملی ا لکساندر ا سلا ـ بولیسکی ، رئیس اتحادیه کشاورزان بلغاریا را که از سال ۱۹۲۰ حکو مت را در دست داشت ، واژگون ساخت . این‌دوران بلغاریا ، می‌تواند برای بسیاری از احزاب یك درس آ موزنده و تجربه گرا نبها باشد. حزب کشاور زان بلغاریا که بسر کر د گی اسلا بو لیسکی قدرت را بدست گر فت ، فکر می‌کرد که بورژوازی ، سر کوب شده و بیماری آنتی کمونیزم اعضای آن حزب ر ا گمراه ساخته بود و برای سر کوب حزب کمونیست بلغاریا چشم دو خته بود.ازاین گیرودار ، بورژوازی ا ستفاده نمودباتقویت نیروی های فاشیستی کو د تای را براه انداخت و حکومت ا سلا بو لیسکی را سر نگون ساخت . در آن ز مان سازمان نظامی نظم نیرو های ا نقلابی کمو نیست ها بدون استفاده باقی ماند و د لیل آن هم این بود که رهبری حزب دستور بیطرفی کمو نیست ها را صادر نموده بود و به آن عده از کمو نیستان که با اعضای ا تحا دیه توده ای کشاور زان بلغاریا در تعرض به حکومت فاشیستی همکاری می کردند دستور داده شد که به مبارزه مسلحانه پایان‌دهند. کودتا موفق شد ، قصا بان فا شیست ، اسلا بو لیسکی را مثل گو سفند سربریدند وحکومت ا ختناق و استبداد و فا شیستی را برقرار کردند . نیرو های سالم و انقلابی حزب بکمك کمنترن به اشتباه خود پی‌برد واشتباه را تصحیح نمودند . کمیته مر کزی در جلسهٔ تاریخی ا گست ۱۹۲۳ مشی‌تدارك عصیان مسلح را اتخاذ کرد ، نقشه‌طرزعمل وتکتیك عصیان هم تهیه شد وهم کمیته عالی نظامی انقلابی تحت ر هبری حز ب کمونیست بلغاریا ، تشکیل شد . تلا ش و سیع د رراه تشکل مردم در جبهه وسیع واحد ضد فاشیستی مبذول گردید.گئورگی‌ـ دیمتروف ، در این مو رد مساعی فرا وان بخرج داد و مقا لات متعدد بر شتهٔ تحر یر آورد که هنوز هم ا ین مقا لات اعتبار خودرا از دست نداده است .

حزب کمو نیست بلغاریا قیام را به فاشیستان اعلام کرد. حزب در جلب اتحادیه کشاورزان پرداخت وتااندازهٔ موفق شددرسال ۲۳ ستامبر ۱۹۲۳ حزب کمونیست بلغاریا قیام را ساز مان ، ر هبری و آغاز کرد ا ما این قیام با خشو نت و بیر حمی از طر ف دشمن ، سر کوب شد ، حزب کمو نیست درسهای از قیام گرفت و از جمله ضعف امور نظا می ، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده شد و تجارب و نتایج از آن بد ست آمد . در آن و قت اتحاد بین کار گران و دهقا نان تحکیم نیا فته بود ، عملیا ت بصورت نا هم آ هنگ صورت می گرفت ، کمبود اسلحه ا حساس می شد و تدا رکات نظا می هم بقدر کا فی بد سترس نبود .

دو لت فاشیستی پس از سر کوب‌قیام ، به اعمال د د منشانه و کشتار های و سیع دست زد ، تلفات سنگینی به جبهه خلق‌وارد کرد . گئورگی د یمتروف و عده ازهمکارانش ناگزیر ، جلای وطن اختیار کردند . آنزمان عده‌ای کثیری از زحمتکشان ، عناصر ملی ومترقی ، در شکنجه گاه ها، بقتل‌رسیدند، زندانها پر از وطنپرستان شد و تعداد کثیری از انقلابیون بدست دژخیمان فاشیست شر بت مرگ چشیدند .

پیکار قهر ما نانه با فاشیزم :

شرایط ناگوار ز ندگی خلق‌های بلغاریا، مرگ فا جعه آ میز برا دران وی ، ظلم و استبداد و فشاربر گردهٔ زحمتکشان بلغاریا همه و همه دیمتروف را با اهداف

بقیه در صفحه ۲۸

گئورگی دیمتروف ، در سال ۱۹٤۷

گورگی و دیمتروف در سال ۱۹۳٤

چند صحنه ازنبرد دلیرانه سربازان شوروی برفاشیزم .

الف ـ میهن فدا

سی وششمین سالگردپیروزی برفاشیزم !

زنده باد صلح ، مرگ بر جنگ

وجنگ افروزان

آوانیکه نیرو های ز مینی و هوائی وبحری آلمان هتلری تحت پلا ن ((بـار باروس)) (نیرو های فاشیزم‌هتلری به‌هر کشوری‌تحت یـك پلان حمله ور می شدند) بشکـــل ناجوانمردانه و بدون ا طلاع و اعلان قبلی‌به سرزمین اکتوبرکبیر حمله‌ور شد همه محافل ارتجاعی بخصوص د ستگاه های حا کمـــهٔ کشور های ا مپر یالیستی نزد خود چنیـــن سنجیده بودند که اتحاد جما هیر شورو ی سوسیالیستی در زیر این ضربهٔ نا گها نی قدراست کرده نمی تواند . ولی آ نطو ر یکه تاریخ شهادت می د هد دو لتی که‌پشتوانهٔ آن کار گران ، د هقا نان ودیگر ز حمتکشان باشد چون کوه پا یدار و چـــون صخره استوار ا ست و اتحاد جما هیر شو ر وی سوسیالیستی به پا یمردی مردم و ار د و ی قهر مان خو یش توانست ازین ا متحـــان مشکل و بزرگ سر فراز بدر آ ید .

فاشیزم که می توان آ نرا فرزند خـــلف امپریالیزم خواند شکل د یگری از هیولای امپر یالیزم ا ست که باآتش زدن جـــنگ هولناك وضدانسانی یعنی جنگ دوم جهانی بشریت را سو گوار و دا غدار سا خت . برای آ شنائی بهتر با چگو نگی آ غـــا ز جنگ جهانی دوم کمی به عقب بر می گردیم وتاریخ دههٔ دوم و سوم و چارم قرن بیست را بخصوص در مورد ارو پا ورق می زنیم: پس از جنگ جها نی اول (۱۹۱٤ـ۱۹۱۹) کـه طی آن آلمـان ومتحدیـن آن شکســـت خوردند فصل نوینی در تاریخ بشریت آغاز یافت . کنفرانس صلح پا ریس یکبار دیگر جهان را تقسیم نمود ، این مو ضوع یعنی تقسیم مجدد جهان علت وهدف مهم‌امپریالیزم برای آغاز جنگ جهانی اول و دوم بـــود . سرزمین های تحت استعمار آ لمان‌که اضافه از سه ملیون کیلو متر مساحت دا شت‌بین کشور های فاتح چون انگلستان ، فرانسه ، جاپان ، بلجیم و دیگر ان تقسیم شد . این جنگ یعنی جنگ جهانی اول خسا را ت و تلفات زیادی ببارآوردوبحران جهانی‌سرمایه‌ـ داری را عمیق تر سا خت وا قعهٔ بزرگ و دو رانساز د یگر که طی جنگ جهانی ا ول بوقوع پیوست همانا پیروزی ا نقلاب کبیر اکتوبر بود که در اکتوبر سال ۱۹۱۷ یعنی دربحبوحهٔ جنگ جهانی اول به پیرو ز ی رسید و این پیروزی نخستین دو لت‌زحمت‌ـ کشان را در جهان بمیان آ ورد که ا یـــن حـادثه در پهلـوی آنکـه رهـگشای آزادی کامل ز حمتکشان جهان ا ست ضربهٔ مهلکی بر پیکر ا مپر یالیز ما ست و هم چنـــا ن رهگشای رهـائی خلـق های در بند استعمار نیز شد .

عقد معا هدهٔ صلح پاریس تضاد میـــان کشور های ا مپر یالیستی را وارد مر حلهٔ نوینی نمود . این تضاد بین فا تحین جنگ ومغلوب جنگ یعنی انگلستان ، فرا نسه ، ایالات متحده و جا پان از یکطرف و آلمان ازطرف د یگر را تشدید نمود . و لی‌طوریکه قبلا گفتیم ا نقلاب سو سیا لیستی بمثا به دشمن شماره یك ا مپر یالیزم سبب شدکه تضاد میان کشور های ا مپر یالیستی بـــه صورت مو قتی فرو کش کند .

حملهٔ آ لمان نازی او لین حملهٔ کشو ر های ا مپر یالیستی بر اتحاد شوروی نبود بلکه پس از پیروزی ا نقلاب بین سال۱۹۱۸ و۱۹۲۰ چهار ده دو لت ا مپر یالیستی که فرانسه ، انگلستان ، جا پان و آ لمان در صف مقدم قرار داشتند برکشورجوان شوراها

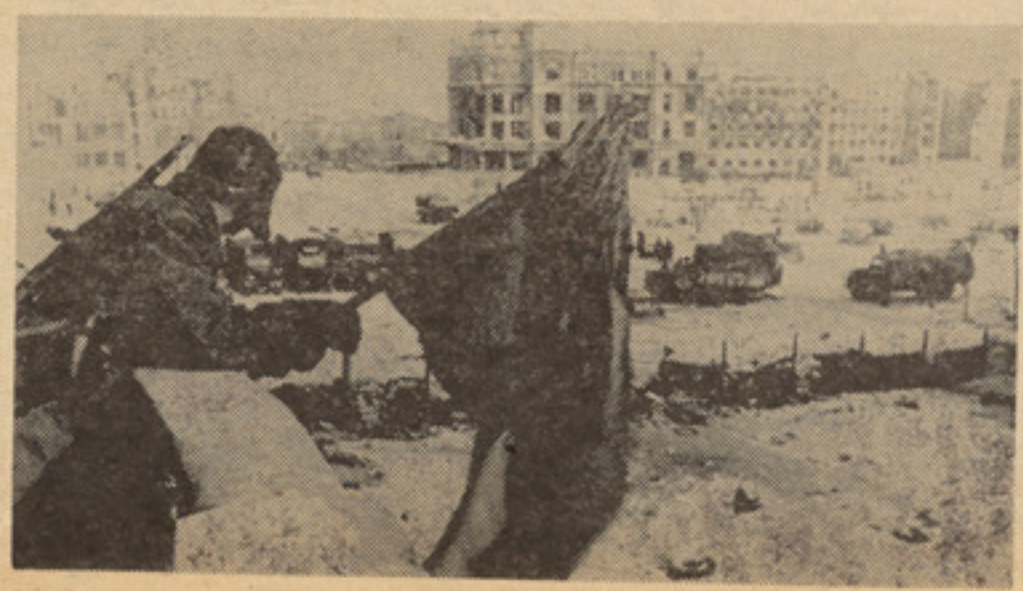

صحنه یی از پیروزی سربازان اتحاد شوروی برفاشیزم .

ژوندون

حمله ور شدند . پلان آنها این بودتانخستین کشور سو سیالیستی را خفه و نا بـود سازند و لی این پلان آ نها به پا یمر د ی مردم د لیر شو ر وی‌وتانید معنوی هـمه زحمتکشان جهان به نا کا می ا نجا مید. پس از آن‌در طی د هۀ سوم ا سا سات‌سوسیالیزم در اتحاد شوروی روز تا روز مستحکمـتر گردید . ولـی در مقابل، امپریالیزم نیز با تلاش فرا وان می کوشید تا کشور کـبیر شورا ها را بهر و سیله ای که با شد از پا در آورد و لی چون باطل هر گز حق‌رامغلوب کرده نمی تواند ا مپر یالیزم نیز نتوا نست به هدف خود بر سد . با و جود آ نهـم امپریالیزم ا مریکا با کمك های ز یاد بـه آلمان شکست خورده می خواست ا ز یـن کشور بر علیه اتحاد شوروی غیر مستقیم استفاده نماید . چون در پـر تو پـیروزی انقلاب اکتوبر اتحاد شوروی روز تا ر وز قدرتمند می شد ومواضع صلح و سوسیا- لیزم بسویۀ سراسر جهان رو به تکا مـل وبسط بود ، امپر یالیزم برای مقا بله به‌آن به تقویۀ فاشیزم در آ لمان پر دا خت .

بتاریخ ۳۰ جنوری سال ۱۹۳۳ به کمك مستقیم ا نحصا رات بزرگ داخلی وخارجی قدرت را در آلمان هتلری بد ست گر فت و این چنین دورۀ سیاه و هو لناك تاریخ‌آلمان وجهان آ غاز گر دید . از همان اولین روز های به قدرت ر سیدن نازیزم در آ لمـان جوانه های جنگ طلبی و تجاوز کاری د ر سیاست آ ندو لت هویدا بود تا آنکه بـه همکاری همتای خویش در ایتالیا (موسیو - لینی) ، هتلر به هسپانیا حمله ور شد واز آدم کش دیگر ی بنام فرانکو دفا ع‌بعمـل آورد . هکذا متحد و فا دار آ لمان نازی‌یعنی ایتالیا در سال ۱۹۳۵ به ایتوپی حمله ور شده آن کشور را تصرف نمود . در مـاه اکتوبر ۱۹۳۶ اتحاد بین آلمان و ا یـتا لیا بنام محور (روم و بر لین) بمیان آ مد و در ماه نوا مبر همان سال جاپان نیز به آنها پیوست و محور (بر لین ، روم ، تو کیو) بمیان آ مد . در سال ۱۹۳۸ ار دوی آ لمان آسترا لیا را اشغال کرد . ا مپر یالیزم‌جهانی درین گیر و دار متو جه عملی شدن نقشۀ ا صلی خویش یعنی سوق فا شیزم‌ونازیزم برای حمله بر اتحاد شوروی بود . کشور ها ی ا مپر یالیستی غر بی نه تنها علیـه اعمال تجاوز کارانۀ دول محور ا عتراض‌نمی- کردند بلکه برای تقویۀ آ لمان دل ها یشا ن ذوق می زد ، غافل ا زینکه این حیوا ن وحشی بعضی فاشیز م‌هتـلر ی بر خی ا ز آنها را نیز گو شمالی خوا هد داد . به این معنی که تضاد میان کشور های ا مپریالیستی بر سر تقسیم جهان و هکذا تصاحب منابع مواد خام بشدت خود مو جود بود ولی همین کشور های امپر یالیستی در یك جهت موضع گیری و هدف وا حد داشتند و آن از بین

زمانیکه بیرق شوروی به فراز یکی از عمارات دولتی برافراشته میشود .

بردن واز پا در آوردن کشور سو سیالیستی واحد جهان یعنی اتحـادجماهیر شوروی بود هتلر این فر زند سر کش ودیوانۀامپریالیزم فکر سیادت بر جهان را داشـت و به شکل هستریك به این کار دیوانه وار پرداخـت ونقشۀ شر کای خود (ایالات متـحده و انگلستان) را مبنی بر قلع و قمع ا تحـاد شوروی درقدم اول بر هم زد . ا ز ین رو هتلر توانست در طی سه سال ۱۹۳۸-۱۹۴۱ بر ۱٤ کشور ارو پائی مسلط شود . آ ری شعله های تباه کن جنگ سراسر اروپا را دربرگرفت . حملات هتلر به شکل برق آسا صورت می گرفت و کمتر مجال د فاع‌بحریف می داد .

آلمان هتلری با اتکاء به ماشین و سیـع جنگی خویش بدون ا علان جنگ بشکـل وحشیانه صبح ۲۲ جون ۱۹٤۱به دژشکست ناپذیر صلح و سو سیا لیزم یعنی ا تحاد جما هیر شوروی حمله ور شد . خلق اتحاد شوروی در آن ایام مصروف سا خـتما ن سوسیالیزم بودند و لی در هر ز مان‌آمادۀ حراست از مرز های میهن سو سیا لیستی خود نیز بودند و بسر عت برق آ مادۀ دفاع از میهن شدند و جنگ شدیدی در مرزهای غربی اتحـاد شوروی بین مهـاجمین و خلق شوروی در راس اردوی قهرمان لیننی آغـاز گردید . د شمن که از سا لها آ ما دگی حمله بر کشور شوروی را گرفته بـو د توانست در مراحل اول بصورت موقت بـه پیشروی در داخل خاك شوروی مو فق شود ولی نباید فرا موش کرد که درین پیشروی هر و جب خاك اشغال شده را خون و طن- پرستان مدافع ر نگین می سا خت . آ لمان هتلری جهت حمله به خاك شوروی وسیعا تدارك دیده بود . آ وا نیکه حمله به‌شوروی را آ غاز کرد دارای ار دوی در حدود هفت ونیم ملیون نفر مجهز با مدرن ترین سلاح آنوقت را در ا ختیار داشت . این ا ر د و توسط اضافه از پنج هزار و شش‌صد تانك وده هزار طیاره تقویه می شد . بتار یـخ ۲۲ جون دو صد لشکر یاپنج ونیم ملیـون نفر از ین اردو با ٤۳۰۰ تانك و یکهـزار طیاره سر حدات اتحاد شوروی را عبورکردند متحدین آلمان چون فنلند ، مجا رستان ، رومانیا وایتالیا درین حمله آ لمان‌را یاری می رسانید .

لطفا ورق بزنید

ستراتیژی حرب دوم طوری بود که هیچ نیروئی در مقابل آ لمان مقا ومت کـــرده نمی‌توانست ز یرا ار دوی نازی ها عـلاوه از طرز حمله و غیره از زراد خانه عظیمی با جمعیت ۲۹۰ ملیون نفر (بشمول‌متصر فات ومتحدین اش) بر خوردار بود . انگلستان که قدرتمند ترین کشور ا مپر یا لیستی آن زمان بود در محاصره آ لمان نازی قـــرار داشت و ایالات متحدهٔ امریکا د ست ز یـر زنخ ناظر مبارزهٔ حر یفان بود . درین کارو درین پیکار تنها اتحاد شوروی قادر بـــود علیه این طاعون یعنی نازیزم و فـاشیـــزم دلیرانه برزمد . باید یك مو ضوع د یگررا نیز در نظر داشت و آن تهدید جاپان ا ز طرف شرق علیه اتحاد شوروی بود . لـذا شوروی علاوه از د فع تجاوز آ لمان مجبـور بود یك مقدار نیروی نظا می خو یش ر ا برای مبارزه با تهدید جا پان در شرق‌نگـه دارد . جنگ کبیر میهن که با حملهٔ بـــرق آسای آلمان آغـاز گشت و تا نابودی و قلع وقمع کـامل فاشیزم ونازیزم درگهواره اش (نهم می ۱۹٤٥) خاتمه پذیرفت برای خلـق شوروی میهن سو سیالیستی شان و سو - سیالیزم یك آ ز مون مشکل و بزرگ بود . هکـــد ا ا یـــن جنـگ ا تحـــا د خلق شوروی واتحاد میان ملیت‌های‌مختلف را در زمان خطر بوجه عالی آن نشان داد. دشمن می خواست با ایجاد دشمنی و تفرقه میان ملیت های مختلف از یکطـرف و میان خلق وار دو از جانب د یگر به آ مال پلید خویش د ست یابد . و لی این محا سبـــهٔ دشمن ابلهانه بود . تمام مردم شو روی‌از تمام ملیت ها یکصدا و یکدل و متحـــد بمقابل د شمن متجاوز شو ر یدند . بـرای مثال در نبرد ماسکو هر روز مقدار ز یـــاد مواد خوراکه ، ا سلحه و مهمات و سر باز توسط د هها قطـار آهـن از آسیای میانه وقزاقستان و دیگر جمهوریت ها برای دفاع مرکز کشور شو را ها به ماسکو گسیل‌می- شد . هکذا در نبرد ستا لینگراد صد ها وطن پرست از ملیت های مختلـف با نشان دادن رشادت بی نظیر در راه دفاع از میهن سوسیالیستی خو یش جان سپر د ند . اتحاد خلل ناپذیر میان ار دو مردم ا یجاد شد . که در نتیجه همه قوای مهاجم را بـه عقب نشینی و تسلیم وا دار نمود واندیشه های باطل هتلر و دو ستان آ شکاروپنهانش را که محو اتحاد شوروی را حدس می زدند همه نقش بر آب ساخت چنانچه فرماندهی عمومی ار دوی ا مریکا در ماه جولای سال ۱۹٤۱ (بقـرار نوشتـهٔ ویلیام شایرردرکتاب رایش سوم) به مدیران مسئول روز نامه های ا مریکائی ا طلاع داد که دو یا سه‌هفته بیشتر به سقوط ا تحاد شوروی نـما نـده است . لذا به گفتهٔ همین مو لف گفته‌های انگلستان وامریکا در مورد شکست شوروی عجولانه تر از هتلر بود ، خلق شو ر وی در پر تو نظام عدل و داد سو سیالیستی علاوه از نشان دادن رشـادت و دلیـــری و وطن پرستی ، سجیه عالی ا نسانی را نیز خود تبارز دادند ، نیرو های نازی پس از تسخیر سر زمینی علاوه از بدست گر فتن قدرت به انواع ظلم و جبر که قلم ازیاد- آوری اش شرم دارد نیز د ست می ز دند ولی آ وانیکه لشکر سرخ فا تحانه وا رد برلین شد بجز موا ر د ی که د شمن‌مقاومت لجوجانه می نمود همه ر فتار و گر دا رش انسانی و حتی غیر کینه توزانه بود. درماه اکتوبر سال ۱۹٤٤ ار تش سرخ هتلری‌ها را کا ملا از سر زمین خویش بیرون‌راندند وحالت قبل از حملهٔ آلمان (به استثنـای ویرانی ها و تلفات) اعاده شد . از همیـن روز ما موریت بزرگ و انسانی د یگری را اردوی سرخ به عهده گرفت و آن نجـا ت سر زمین های دیگر ا شغالی از چنگـــال خونریز فاشیزم بود .

صبحگا هـــان روز اول مـــاه می ۱۹٤٥ اردوی فاتح شوروی بیرق سرخ را بر فراز رایشتاك (قصر صدارت آ لمان)به اهتزاز در آورد و در نیمه شب هشتم ماه می آلمان نازی بلاقید و شرط تسلیم شد و صبح‌همان روز دیگر محاربه ای را که هتلر به منظور تسلط بر جهان و بخصوص قلع وقمع اتحاد شو ر و ی سو سیا لیستی آ غا ز کر د ه بود با خود کشی خودش و سقوط دو لتش خاتمه پذیرفت .

جنگ جهانی دوم باآنکه در قدم‌اول‌پیروزی وقدرتمندی اردوی سو سیا لیزم را براردوی امپریالیزم در عمل ثابت ساخت داغ های التیام ناپذیری در دل بشریت گذا شت . درینجا نظر گذرانی به تلفات مالی و جا نی

لبخند پیروزی درسیمای سربازان دیـده‌میشود .

درآن روز های سخت سربازان شوروی بارشادت خاصی با فاشیست ها جنگیدند .

ناشی از جنگ دوم جهانی و ا تحاد شوروی می افگنیم خوانندهٔ محترم حدس ز ده می ـ تواند که واقعا طاعونی بابه قدرت ر سیدن هتلر و تحریك د یگر نیرو های امپریالیستی

آلمان در ظرف چار سال بیست ملیون‌انسان خودرا از دست داد یکهزار و هفتصد و ده شهر ویران شده بجا ماند . هفتاد هـــز ار روستا در شوروی غارت و ویران شدشش

ویران گردید . چهل و سه هزار کتا بخانه منهدم گردید ، سی و یکهزار و هشتصد و پنجاه واحد صنعتی ٦٥٠٠٠ کیلو متر راه‌آهن، ((٤١٠٠)) ایستگاه راه آ هن و هفتا د یک

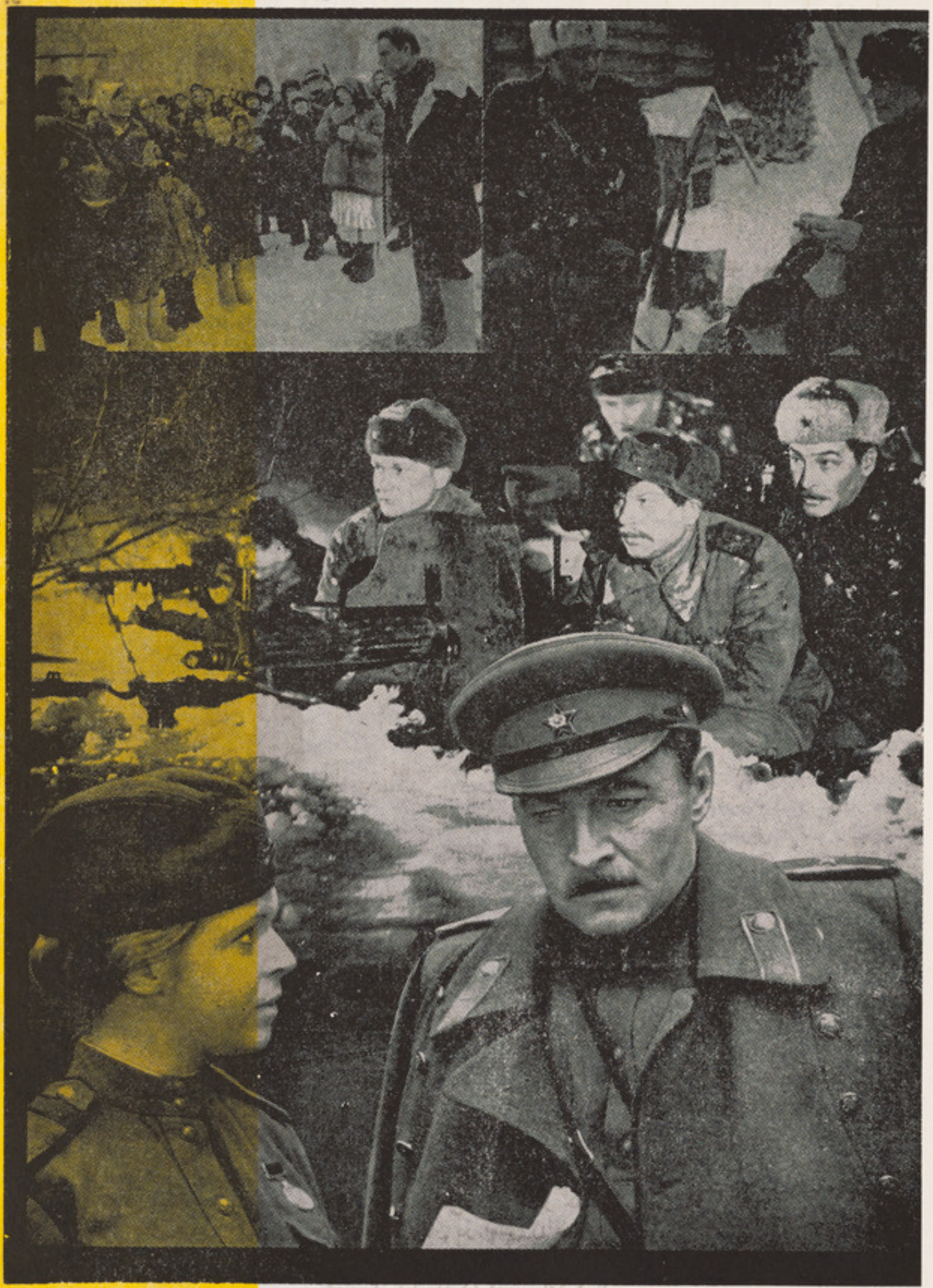

اعمال خشونت آمیز وغیرانسانی فاشیست‌ها، بصورت گسترده ووسیع درسینما هـــم پیاده گردید .

شیوع یافته بود که طبیب حاذقی چـــو ن سوسیالیزم و دژ تسخیر ناپذیر آن یعنـــی اتحاد جما هیر شوروی سو سیا لیستی‌قادر به محوآن بود خلق شوروی در نتیجهٔ حملهٔ

ملیون خانهٔ مسکونی با خاك یکسان گشت چهل هزار شفا خانه و آ سایشگاه و یـــران گردید . هشتاد و چار هزار مر کز تعلیم و تربیه اعم از مکتب و کو دکستان و پوهنتون

ملیون حیوان از بین رفـــت . جمعا ٢٥٦٩ ملیارد روبل ا تحاد شوروی د ر نتیجهٔ‌جنگ دوم خساره مند گردید . لذا بشریت مترقی و همه نیرو های صلح طلب حـــق

دارند باشور و شعف و فر ستادن نفرین‌های بی پایان بر جنگ افرو زان نهم می این‌روز نجات بشریت از طاعون جنگ و فا شیز م را جشن بگیرند .

نباید ناگفته بگـذریم کـه در شکست وقلع وقمع نازیزم و فاشیزم مردمان‌نقاط مختلف جهان بخصوص نیرو های چریکی سر ز مین های اشغال شده و دیگر مو تلفین ضـــد فاشیستی سهم بسزائی ادا کرده اند . و لی سهم‌اتحاد شوروی د رین نبرد ضد د شمنان بشریت قاطع و تعین کننده بود .

اینـك کـــه سی وشش سال از شکست نازیزم و فاشیزم سپری شده است سیارهٔ‌ما یکبار د یگر باجنگ ا حتمالی کـــه محر ك وآتش ا فروز آن همانا همان ا مپر یا لیزم وفا شیزم عصر حاضر خوا هد بود ، تهدید می شود . مشاوران سیاسی ا مپر یالیـــزم بدون اینکه پند های ناشی از نتائـج جنگ جهانی دوم را در نظر گیرند ، سخت د ر تلاش اند تا در نقاط مختلف جهان برخلاف

ارادهٔ خلق های آ ن مناطق ، مناطق نفـــوذ برای خود تدارك بیند وباجا بجا سا ختـــن انواع اسلحه منجمله سلاح کشتار د سته ـ جمعی به سر نوشت بشر یت بازی می‌کنند. مثال زندهٔ رو حیهٔ جنگ طلبانهٔ ا مپر یالیزم در قدم اول تشکیل پیمان تجا و ز کا را نه ناتو (٤ اپریل ١٩٤٩) می باشد . بیشرمانه‌تر اینکه منابع و محافل ا مپر یالیستی‌درحالیکه اعمال تحریك آ میز و تجاوز کا رانه‌را در نقاط مختلف گیتی مر تکب می شود اصطلاح بدون چسپ وغیر حقیقی خطـــر شوروی !؟ را برای اعمال تجاوز کارا نه خود رو پو ش قرار می د هند ولی آ نانیکه جر یا نـــات سیاسی جهان را تعقیب می کنند بخو بـــی می دانند که بر خلاف اد عا ی‌پوچ امپریا لیزم این امپر یالیزم ایالات متحدهٔ ا مریکا ست

که بر خلاف ارادهٔ و خواست مردمان سا کن در منطقهٔ خلیج فارس قوت های نظا می وبه اصطلاح نیرو ی تمر کز سریع و غیره را در آن منطقه متمر کز می سازد و خلق های منطقه را مورد تهدید و تجاوز قرار می ـ دهد . آری خطر ی که خلق های آ سیا ، افریقا وامریکای لاتین را تهدید می کنـــد خطر شوروی نیست ایجاد و تو سعهٔ پایگاه های نظامی و جا بجا کردن نیرو های‌نظامی وانواع ا سلحه در نقاط مختلف‌جهان است که از طرف ا مپر یالیز م‌در راس امپر یالیزم جنگ فر اوز یا نکی صـــورت می گیر د . می اشد .

مردم صلح جو ، حماسه آ فرین وآزادهٔ افغانستان در حالیکه سی و ششمین سالگرد پیروزی صلح را بر جنگ که به پا یمردی اردوی قهر مان سرخ و دیگر نیرو هـــای ضد ا مپر یالیستی به پیروزی ر سیدگرامی می دارند . یکبار د یگر شعار می د هنـــد که زنده باد صلح مرگ بر جنگ .

نیم نگاهی بر :

تتبع و نگارش ع.م. اسکندری

چهرهٔ واقعی زن در آیینهٔ تمام‌نمای اندیشه پرولتری

...وبا گسیختن مرا حل ا و لین نظام اشتراکی ا و لیه و ا نقـرا ض اقتصاد کو چك خا نوادگی ، آ ن مقامی راکه ما در درفامیل دا شت که بر حق شایستهٔ مقام ار جمندزن بود برزواق فرا موشی سپرده شد. مالکیت شخصی‌بنابرپیشرفت وسایل تولید بمیان می آید ، که‌این مالکیت شخصی در قبضه مرد است . مـرد را سالار می سازد و ادارهٔ امـور منزل از شکل د سته جمعـی‌آ ن کشیده شده و به یك مشغو لیـت خصوصی و کسل کنندهٔ برا ی ز ن مبدل می گردد . تا آنکه زن‌ازپروسهٔ اجتماعی تو لید بدر زده می‌شود . این دیگر سر آ غا زیست بـرای محرو میت کامل زن . با و جودآنکه گذار از مادر سالاری به پدر سالاری نتیجهٔ رشد نیرو های مو لده‌وانقلابی است بخاطر بر قرار توازن میـان مناسبات تو لیدی با نیرو های مولده جامعه . ولی این خود شکستی است بس بزرگ برای زن . ف . ا نگلس درین باره چنین می نویسد کـه سرنگونی حقوق ما دری شکست تاریخی جهانی زن‌بود. شو هر زمام رهنمائی خا نه را غصب کرد و ز ن از مقام پر افتخار خود محروم‌گردیده تحت اسارت و فرمانبرداری شوهر فقط و سیلهٔ و لادت گردید .

ساخت ا قتصادی ، ا جتما عـی بردگی نیز ،بردگی‌درخانه‌رابرای‌زن به ارمغان‌آورد ،چون‌اوعملا بـرده مردیست که خود اسیر د یگری‌بود نظام فیو دالی در اسارت زن گامهای فراخ تری بر میدارد واین نیمـه پیکرهٔ جا معه را به « ضعیفـه » ، « سیاه سر » که باید درپناه‌دیگری به زیست خود ادامه د هد تـبدیل میکند وبرای آنکه این کتله هرچـه بیشتر در انقیاد مردان‌با شنـد ، « ایدئو لوگ های فیو دالی» محمل های اید ئولوژیك بیشتری می بافند تاآنکه زن را به مالکیت خصوصی مرد تبدیل می کنند . بـر اساس «عقاید نظام » فیودالی‌زن‌موجودیست ناقص‌العقل ، نابخردوناتـوان. اواز سرشت دیگریست... ودرنهایت‌او «موجودیست دارای گیسوان د را ز وعقل کوتاه » لذا او باید درانحصار مرد باشد .از مرد اطاعت کند .

اقتصاد کالایی نیزاز او کـا لای دیگری ساخت . نظام سر ما یداری بوجود آنکه تااندازهٔ توانست زن‌را از چهار دیوار منزل بیرون کشـد

یکی از زنان قهر مان اتحـاد شو روی که در موارد مختلف بـه گر فتن مدال های متعدد موفـق گر دیده است .

ولی درعمل اورا به‌مزدور بی مزدوکا لای‌کم بهای مبدل‌نموده وازجانب‌دیگر باعث‌ازهم پاشیدگی کا نون خانواده گردید .

ایدئولوگ های بورژوازی (جهان سرمایداری) فقط به همین‌دلیل که شاید زن جهان سر مایداری همگام بامردان درپرو سه تولید سهیـم است از برابری حقوق زنان بامردان دم می ز نند . باید درینجا د رنگ نمود تا بدانیم که این به ا صطلاح «برابری» چه مصا ئبی را برای زن وخانواده به بار آورده ومی آورد : اگر چه معلوم است که پیشرفـت ساینس و تکنالوجی کار پر مشقت دستی را کاهش میدهد و نـیروی انسان را ذخیره می کند . لذا باید طبیعتا برای انسان خو ش بـختی بیافریند ، و لی این پیشرفت‌تخنیك در جهان سر مـایه خـود مصیبتی است بس بزرگ برای انسان. چه باایجاد ما شین آلات کار آ سا ن‌تر میشود . کاری راکه‌قبلا (درصورت نبودن ماشین آلات) باید مر دا ن اجرامی کردند فعلا (با ما شین) زنان و کو دکان نیز می توانند بـه انجام بر سانند . لذا سر ما یـدار بخاطر سودآ بیشتر ز نان وکودکان را در فابریك جذب می کند. نتیجهٔ این حضور در تو لید آ نست‌که‌زنان وکو دکان با مزد بمراتب کمتری به کار استخدام می گردند تا معاش‌ای را که قبلا پدر فامیل می گـرفت ، میان زن واطفا لش تقسیم گـر دد ومرد از کار رانده شده و به ار دوی بیکاران پا بگذارد . که از یك طرف نیروی کار زن و کودك با پر داخت مزد نا چیز به بی ر حمانه تر یـن شکل استثمار می گردد ، در حالیکه آنها جمعا همان در آمدی را خواهند داشت که قبلا برای یکی از ا عضای همان فا میل (مرد) میسر بود و از جانب د یگر شر کت کو دکان‌درکار پر مشقت و طویل المدت تو لـیدی که آنهم زیر انحصار ، ا نحصا ر گران قرار دارد باعث‌عدم رشد سالم وطبیعی اطفال می گرددکه در نتیجه افراد آینده جا معه را علیل وناتوان بار می آورد . علاوه بر این شر کت بلاقید و شرط اطفال خورد سال و نوجوان (پسر و د ختر) در تو لید خود باعث ارزشی عظیم ا خلا قـی در بین این لایهٔ انسانی گردیده و سبب از همپاشیدگی نظم خا نواده می گردد . ازین جا مسلماً استنتاج است که : تکا مل ما لکیت‌خصوصی وکسب شدت تضاد های ا جتـماعی اگر چه باعث و رود تعدادی اززنان در جا معهٔ طبقاتی و با لخصوص در جهان سرمایداری به بازار کار می‌گردد ، و لی این حضور زنان د ر تولید هر گز معنای وارستگی زن را از اسارت ندارد بلکه‌در آ خریـن تحلیل معنایش افزون وزنهٔ سنگین دیگری بر مصائب زن و و ظا یـف اجتماعی او ست .

آری ! محرو میت ز نان از ازادی ونابرابری حقوقی آ نان زادهٔ مغـز مردها نیست ،(اگرچه اکثریت‌مردان جامعه طبقاتی همیشه روانا خـودرا بالاتر از زنان می دانند) این مسئله شالودهٔ نظام های طبقاتی ا ست و ریشهٔ اقتصادی دارد . بخاطر ر فع این مسئله تنها حرف زدن‌ازتساوی حقوق بر طبق قانون ، آ نطو ر یکه ایدئولوگ ها ورهبران جوا مـع بورژوازی فر یاد می کشندکافـی نیست. اگر هزاران نسخه قا نون ساخته شود و در آن به ا صطلا ح برابری حقو قی ز نان با مـردان تضمین گردد و میلیون ها مـنبع تبلیغاتی از آ زادی زنان حـر ف بزند.مادامیکه زن‌از عرصهٔ تولید اجتماعی بدور است واگر درتو لید اجتماعی هم‌سهیم‌استولی درخدمت سرمایه قرار دارد نمی تواند آزاد باشد. لذ ابخاطر بر هم زدن‌موقعیت غیر انسانی ز نان در جا معه‌وبخاطر برابری کامل ایشان باید ریشـهٔ

نابرابری ها را قطع کرد و به‌مالکیت خصوصی و حکو مت سر مایه‌دراثر مبارزات پیگیر طبقاتی و پیروز ی انقلابات عظیم اجتماعی پا یان‌داد ، که سهم ز نان در انقلابات عظیم اجتماعی و پرو لتری از نقطه نظر ایدئولوژی دو ران ساز طبقهٔ کارگر سهمی است بس عظیم و سترگ.

ما ر کس بیش ا ز حد براین مسئله تاکید ورزیده که : «هر کسیکه تا ا ندا ز ه با تا ریخ آشنائی داشته باشد ، همچنا ن می داند که دگر گونی های بزرگ اجتماعی بدون مو جو دیت زن، غیر ممکن است . تر قی اجتماعی بطور دقیق می‌تواند از رول اجتماع جنس لطیف تعیین شود ».

استادان بزرگ بشر یت‌وبانیان اندیشهٔ پرو لتری تغییر جوامع کهنه وایجاد جوامع نوین وانسانی ر ا فور مول بندی کرده وراه رستگا ری انسا ن را از چنگال اهریمنی استثمار به خو بی نشان دا د ند. که علت بزرگ پیروزی های پ ی م انقلا بات پرو لتری و جنبش ه ی د مو کراتیك و ر هایی بخش د ر سراسر جهان در یك قرن ا خیر ره آورد تاریخی فور مول بندی های داهیانهٔ ر هنما یان و الامقام‌بشریت وبنیان گذا ران اید ئولوژی دوران ساز طبقهٔ کارگر است. آنها نشان دادند که برای کسب آ زادی ، پرولتار یا و تمام ز حمت‌کشان‌جهان باید به‌مبارزهٔ ا نقلابی دست ز نند وبانیروی خود جهان انسانی را بنا نهند . به همین منوال آ نها به‌اثبات رسانیدند که آ زادی زن نیزفقط با مبارزه خود آنان می‌تواند حاصل شود . رهبر پرو لتار یای جهان‌در مورد گفته بود که :

« ما میگوئیم که نجات کار گران بایستی و ظیفهٔ خود کار گران‌باشد عینا همین طور نجات ز نان کارگر نیز بایستی و ظیفهٔ خود زنان‌کارگر باشد » . این دو مسئله (مسئله آز ادی زنان ومسئله نجات توده‌ها) با همدیگر در رابطهٔ همیشگی و دیالکتیکی بوده ، نفی یکی نفی‌دیگری وپیروزی هر یك پیروزی ایست‌برای دیگر . این بدین معنا ست که مبارزات ز نان برای کسب حقوق شان هر گز نمی‌تواند جداازمبارزات عمومی توده ها باشد ، همز ما ن باآنکه پیرو زی تحو لات بزرگ اجتماعی نیز بدون اشتراك کامل‌و فعال زنان که در تمام طبقات‌ولایه های اجتماعی برابر با مردان کمیت دارند ناممکن است .از ینرو «پرو لتار یا نمی تواند خودرا آزاد کند بدون آنکه برای آ زادی کا مل زنان مبارزه کند » . هم چنا نکه جنبش انقلابی زنان برای حصو ل آزادی شان بدون رابطه با جنبش عظیم‌توده که بخاطر پایان دا د ن اقتصادی بمیان می آید نمی توانند. به استثمار و نا برا بری های نتیجه‌ای داشته باشد . لذا ز نان زحمتکش که به آ زادی خود علا قه مند هستند قبل ازهر چیز دیگر بر آنهاست که برای ر ها یی طبقهٔ خود مبارزه کنند و مبارزات ایشان درجهت مبارزات عمومی سیا سی توده ها باشد ، نه در مقابل آن . رهبر کار گران جهان درین مورد اشاره می کند که : « اگر کارگران اناث می خواهند دورهٔ ر نجها و محنت هارا که مر تبط باعصرجنگ های امپر یالیستی است کوتاه‌تر سازد ، ضروریست که کو شش‌آنها برای صلح ، به شورش و مبا ر زه بخاطر سو سیالیزم مبدل گردد . کارگر زن تنها از طریق جنبش انقلابی تو ده ها ، تقویه وتشدید مبارزهٔ سو سیالیستی درین مبا رزه به هدف خود میرسند » .

باپیروزی انقلاب کبیر سو سیا- لیستی اکتبر و بو جود آمدن کشور کبیر شورا ها برای اولین بارزنجیر های اسارت از بازوان‌انسان‌زحمت- کش وبالاخص زن فرو می ریزدوزن برای اولین بار در جا معهٔ پیشرفته مقام شایسته انسانی خودرا باز می یابد . بلشویك ها فقط در یك مدت بسیار کو تاه‌گام‌های‌ارزشمندی را در زمینه تساوی حقوق ز نا ن بر می دارند که در جهان‌سرمایداری درقرن‌ها و شاید هر گز ممکن نبود تمام قوانین اسا رت بار طبقاتی گذشته که زن‌را تحت ممیز های بربریت قرار میداد منسوخ شد تا زن بتواند قامت خودرا از زیر این بار سنگین بر دگی راست کند.

این نیزکاملا واضح است که«اگر زنان را از محیط کسالت بار ا مور منزل و آشپز خانه دور نسا ز یم، تامین آزادی واقعی غیر ممکن است. حتی بنای یك جا معهٔ د مو کرا تیك غیر ممکن است ، چه ر سد به سو سیالیزم» . لذا بخاط رآنکه زن در زندگی نیز عملا بامرد تسا وی حقوق را داشته باشد باید او را از چهار دیوار خانه بیرون‌کشید و در ادارهٔ تو لیدی ، سیاسی و فر هنگی جامعهٔ سهیم سا خت واز این طریق به وابستگی اقتصادی وی درمقا بل مرد که عا مل اصلی محرو میت‌زنان وقیمو میت مرد بر زن است پا یان بخشید . باید در نظر داشت که حضور زن در کار تو لیدی درجامعهٔ سوسیالیستی آن نیست که درجامعهٔ سرمایداری بوده درین جا زن‌د ر شرایطی به بازار کار وارد می شود که اقتصاد ملی و دسته جمعی بر جامعه مسلط است و در آن ا ز استثمار فرد از فرد سراغی نیست وبدین طریق او می تواند مسا وی بامرد باشد و مو قفی چون موقعیت مرد را در جامعه اشغال می نماید. اندیشهٔ سو سیالیزم علمی بدین هم اکتفا نمی ورزد ، ز یرا معلوم‌است، باآنکه زن و مرد در تو لیداجتماعی ورهبری اجتما عی مشتر کا سهیم‌اند وتفاوت قابل ملا حظهٔ میان آ نان نیست. ولی باآنهم ناگزیر باید فرقی میان و ظایف مرد و زن قایل شود . چون زن علاوه بر آنکه د ر تولید سو سیالیستی همگام با مرد است ،وظیفه دیگری رانیز بدوش دارد که آن وظیفهٔ مادری اوو ا مور کسل کنندهٔ خانگی است . البته درینجا تفاوت های جسمانی و فزیولوژیکی زن بامرد نیز عوا ملی

بقیه در صفحه ۲۹

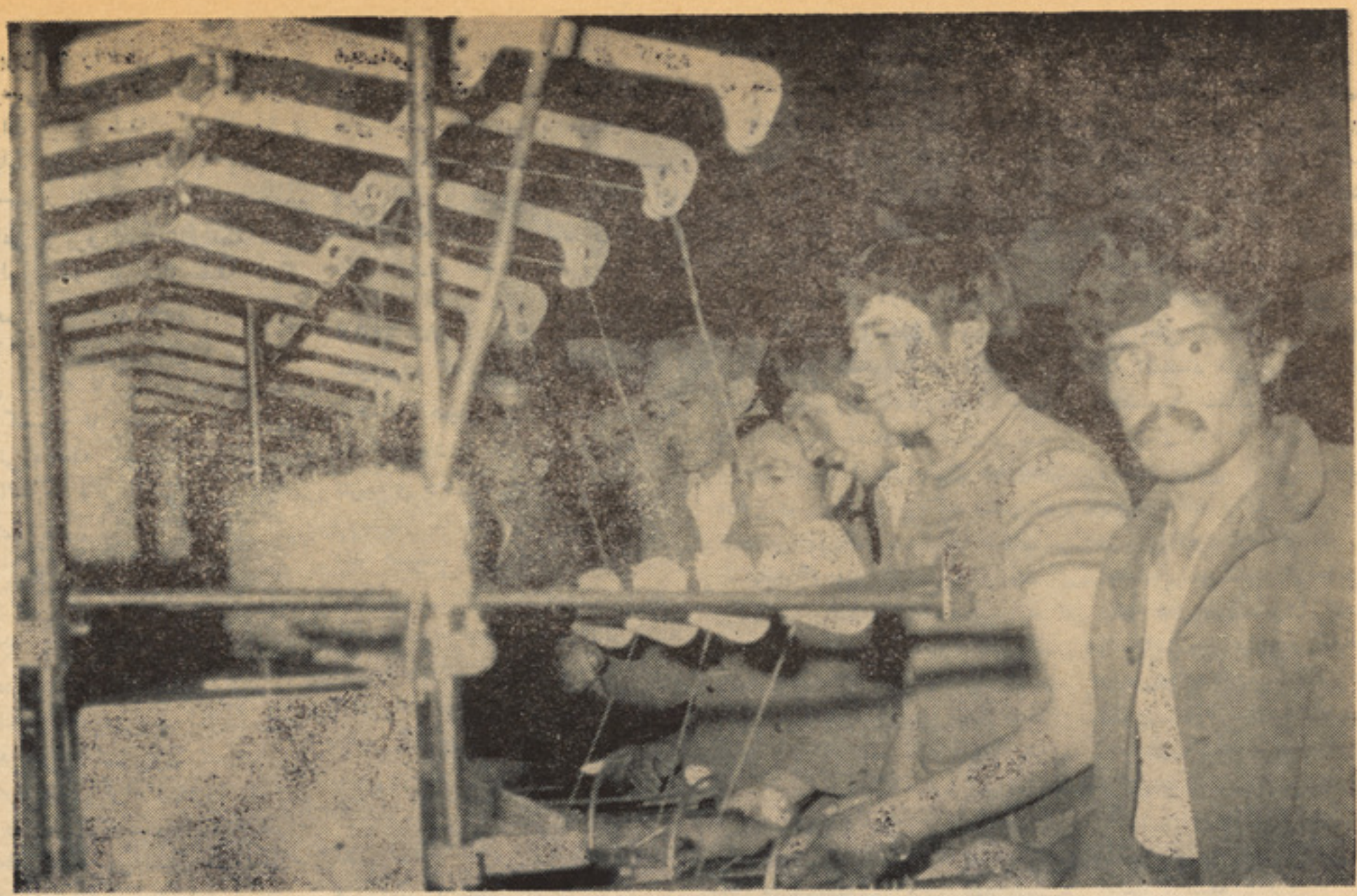

فوتوی فوق نمایانگر کار پرثمر وخستگی‌ناپذیر کارگران زحمتکش فابریکه پشمینه‌بافی‌می باشد .

پیوسته بگذشته

کارگران جهان روزاول‌می را باشکوهنمدی خاصی تجلیل می نمایند

محمد علی باشی عمومی افغان ترکانی تصدی، مردی است‌کهن سال‌که بقول خودش فارغ التحصیل رشته نجاری مکتب صنایع می‌باشد و از مدت نزده سال بدین سودر خدمت هموطنان خود قرار دارد •

می پرسم : اولاد داری ؟

میگوید : اعضای فامیلم رابه شمول خودم سیزده نفر تشکیل می‌دهد یعنی به‌استثنای خودم وخانمم یازده اولاد دارم .

میگویم : فعلا درجه چند هستید و معاش شما چند است ؟

جواب می‌دهد : فعلا درجه اول می‌باشم و مبلغ چار هزار ودو صدو پنجاه افغانی معاش دارم واکنون که به اثر توجهات نیك دولت انقلابی مادر معاشات کارگران واجیران دولت افزایشی بعمل آمده است نمیدانم در معاش‌من چقدر افزود شده است •

ازوی می‌پرسم که از نظر شماچه چیز باعث علاقه یکنفر کارگر در کار او می‌گردد دفعتا جواب می‌گوید :

فقط تشویق کار فرمایان است که می‌تواند علاقه و دلچسپی کارگران را بکار ایشان زیاد سازد وباعث ازدیاد تولیدات آنها گردد .

این تشویق ها در چوکات مسایل مادی محصور نمی ماند بلکه تشویق وترغیب کارگران ازنظر روانی نیز در خور اهمیت به سزایی است ، بطور مثال اگر یکتن از آمرین شعبات بر سر کار ما کارگران قدم‌رنجه‌فرماید وبگوید «آفرین امروز کار ها همه سر به راه است وبخوبی پیش می‌رود ، کوشش کنید تانسبت به دیروز کار زیادی انجام بدهید» این چنین کلمات و جملات خالی از مفاد نبوده بر روحیه کارگران تاثیرات‌زیادی وارد می‌کند وواقعا هم باعث آن می‌شود تا امروز نسبت به دیروز کار زیادی انجام پذیرد ، ولی بر عکس اگر گفته شود «شماکار گران نالایقی هستید که با وجود آنکه هرکدام شما سالیان زیادی رادر این کار سپری نموده اید هنوز هم به سر کار نمی فهمید» کارگرچنان حساس می‌کند که واقعا هم ما اشخاص تنبل وبیکاره یی هستیم که کار روزانه ما قناعت آمرین را فراهم نمی‌سازد واین شیوه در دوران قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند ثوردرهمه کار خانجات و دستگاه های کارگری کشورمابه مشاهده می‌رسید کارگران برای آنکه به حقوق حقه خویش و فریب کاری های کار فرمایان مستبد پی نبرند از نگاه روانی و ذهنی سخت کوبیده میشدند و بجای تشویق تهدید میشدند ودر بدل کار زیاد ثمره کمی بدست می آوردند ولی با پیروزی انقلاب آزادی بخش ثور وبخصوص مرحله‌نوین وتکاملی آن دراین وضع تغییرقابل ملاحظه یی بمیان آمد و حزب ودولت انقلابی مابه امر تشویق وکمك مادی ومعنوی کارگران دورانساز کشور توجه جدی مبذول می دارد ، دولت علاوه برآنکه معاش کارگران رابه پیمانه وسیعی افزایش بخشیده است زمینه کسب سواد را نیز برای کارگران کشور روز به روز مساعد ترمیگرداند تا کارگران زحمتکش کشور ما سواد ودانش کسب نمایند وشعور سیاسی خویش را بالا ببرند، حتی دولت انقلابی ما در پرتو پیروزی مرحله جدید و تکاملی انقلاب آزادی بخش ثور زمینه سفر کارگران رادر ردیف سایر ماموران و دانشجویان کشور به کشور های دوست غرض

محمدعلی باشی عمومی افغان ترکانی تصدی

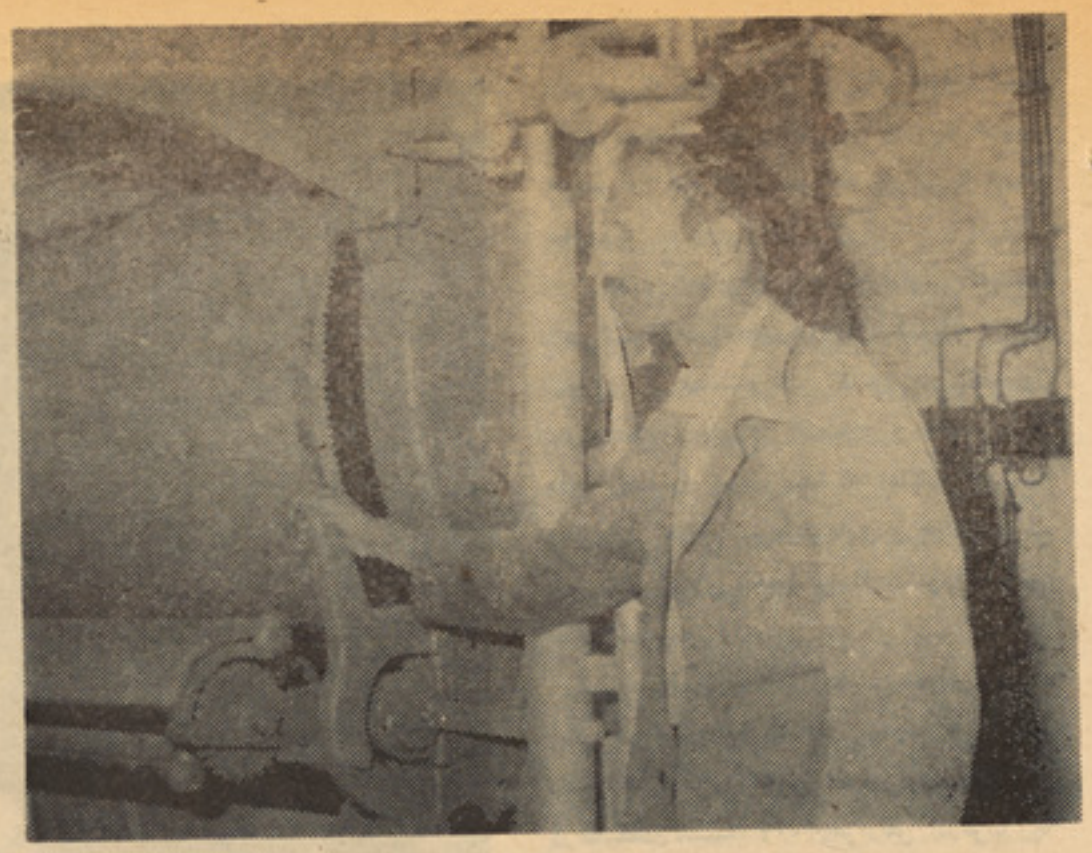

محمد ولی باشی شعبه فنشنگ .

فرا گرفتن درس وتعلیم‌مساعد گردانیده است که این امر در ذات خود قدم بزرگی است‌که در جهت انکشاف ذهنیت کارگران زحمتکش کشور بر داشته شده است •

وی می افزاید : ما هرگز از این اقدامات ارزشمند حزب پیش آ هنگ خویش ودولت ملی ومترقی مان چشم پوشی نموده نمیتوانیم بلکه مابه حزب‌ودولت‌مردمی خود وعده‌می‌دهیم که تاپای جان در تحت رهبری حـــزب ودولت انقلابی خویش در راه آبادی وشگوفانی میهن محبوب ودوست داشتنی مان افغا نستان‌آزاد وانقلابی درسنگر کار وپیکار قرار خواهیم داشت تابه کمك هم بتوانیم اهداف و آرمان های والای حزب دموکراتیك خلق افغانستان را که در واقعیت امر اهداف کلیه زحمتکشان کشور اعم از کارگران ، دهقانان ، ماموران ، پیشه وران وسایر اقشار وطبقات زحمت کش کشور را تشکیل می‌دهد در ساحهٔ عمل پیاده سازیم ما بدین قول خویش تا آخرین رمق حیات پایدار وثابت قدم خواهیم بود •

• • •

حال بر فابریکه دیگر تولیدی کشور یعنی فابریکه پشمینه بافی می‌رویم وبا چند تن از کار گران این فابریکه نیز سر صحبـــت می گشائیم .

محمد ولی باشی شعبه فنشنگ مربوط مدیریت رنگ آمیزی که از مدت چهارده سال بدین سو در این فابریکه کار می‌کند و درکار خود نیز مهارت زیادی نشان می‌دهد بپاسخ سوالی میگوید :

فعلا بحیث یك کارگر درجه پنج ایفای وظیفه می‌نمایم و مبلغ دو هزار و شش صد افغانی معاش دارم قبل از افزاودی معاشات معاش‌ماهانه‌مرامبلغ دوهزاروهشتادوهفت افغانی تشکیل می داد که بدین ترتیب بادر نظر داشت افزودی آخـــر در معاش ماهـــانه من مبلغ ۵۲۲ ـ افغانی افزایش بعمل آمده است •

محمدولی درمورد پیش آمدوآمیزش آمـریـن مربوط بعداز پیروزی انقلاب بر گشت ناپذیر ثور و بخصوص مرحله نوین وتکاملی آن در مقابل کارگران چنین میگوید :

چون دولت جمهوری دموکراتیك افغا نستان نماینده راستین ما کارگران و زحمتکشان کشور بوده به خواست واراده مابمیان آمده است کوشش بخرج می‌دهدتامیان همه کارگران وآمرین حس تفاهم ایجاد نماید تادر فضای پراز اعتماد ودوستی کارگران ما بتوانند کار های محوله را بخوبی دنبال نمایند واز آن نتایج خوبی ببار آورند •

او میگوید رویه آمرین مادر مقابل کارگران فوق العاده خوب استو ماهم از رهنمائی های آن هادر کار روزمره خویش استفاده اعظمـی بعمل می‌آوریم، امیدواریم ما همه ماموران ، کـارگران ، دهقانان ، پیشه وران و سایـــر زحمتکشان افغا نستان به امر اعمار جامعه عادلانه نوین فاقد استثمار فرد از فرد بزودی نایل آمده همه نابرابری هارا از دامان مطهر جامعه محبوب خود دورسازیم •

این است آرمان مشترك همهٔ زحمتکشان افغا نستان آزاد سر بلند و انقلابی که مابرای تحقق‌آن کارو پیکار می‌نمائیم •

نوروز علی کارگر شعبه بافت فابریکه پشمینه بافی که از مدت دوازده سال بدین طرف دراین فابریکه کار می کند بعد ازآنکه حلول جشن همبستگی بین المللی کار گران جهان رابه کارگران کشور و گیتی تبریك می گوید، می افزاید :

این روز ممثل وحدت ویکپارچگی کارگران در برابر وحدت جهان سرمایه داری می‌باشد واین روز روز تجد ید و تحکیم اخوت و یك پارچگی‌کارگران زحمت‌کش‌کشورهای جهان است ، چه در همین روز بود که کارگران بزرگترین شکستی رابه جهان سرمایه داری وارد آورده حقوق خویش رابدست آوردند .

اتحاد طبقه کارگروتمام‌زحمتکشان‌افغانستان شرط ضروری بـــرای پیروزی نهائی انقلاب ثورو مرحلـه‌نوین آن است .

• • •

مرگ بر ا مپریالیزم ا مریکا این‌دشمن کارگران و خلقهای زحمتکش جهان.

• • •

کارگران میهن !صفوف تانـرا بخاطر اعمار جامعه نوین فشرده‌تر سازید .

• • •

فرخنده باد جشن اول‌می .
جشن همبستگی بین ا لمللـــی کارگران .

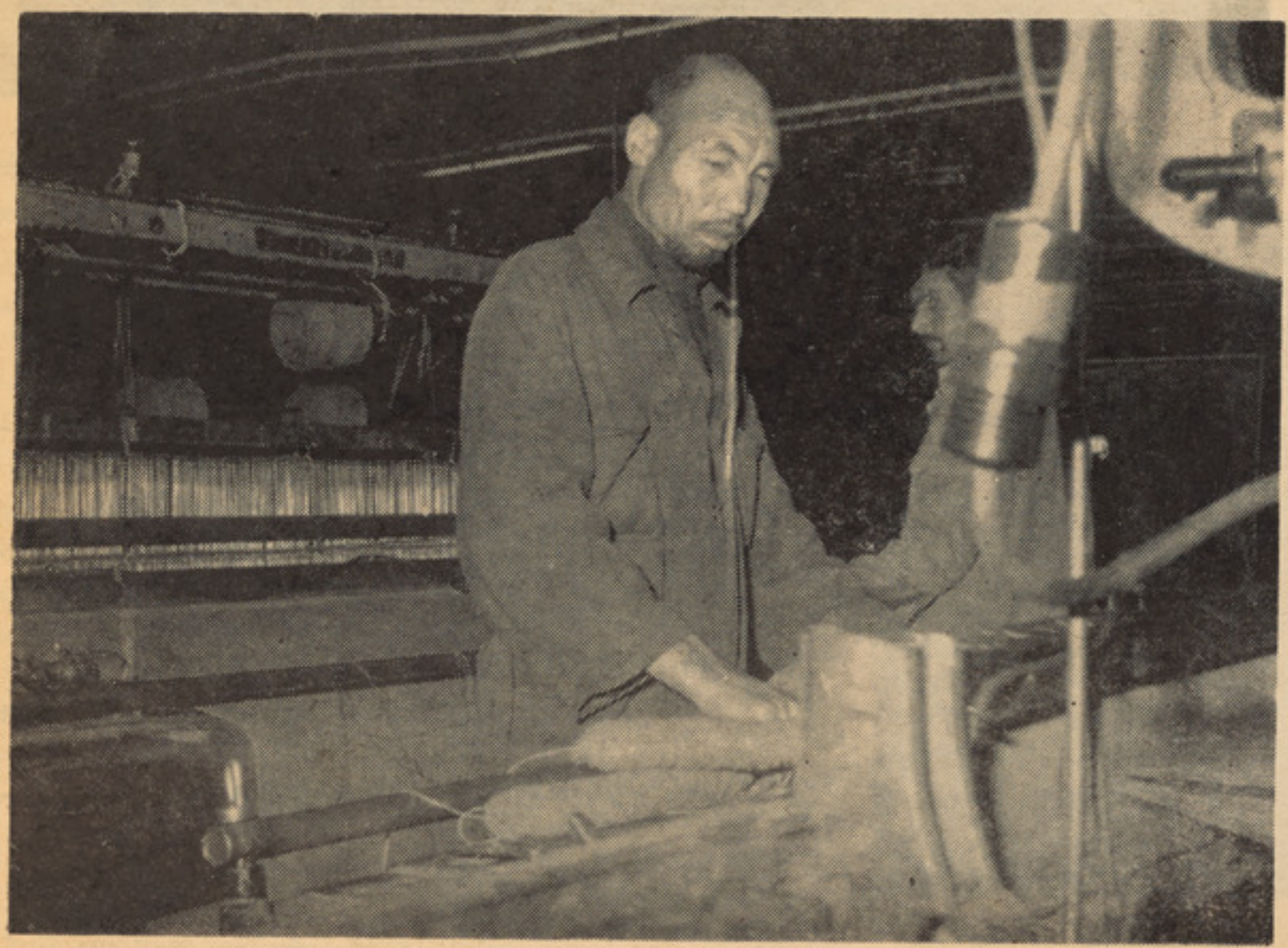

نوروز علی کارگر شعبه بافت .

اقتصاد کشور های سرمایداری غربی‌طوروزافزون به بحران عمیق مواجه‌میشد. ازدیادبیکاری که علت آن روی آوردن به ادویه مخدره می باشد درین جوامع محسوس‌است۰این گروه عظیم دختران‌روز هارا بانتظاریافتن‌کار سپری می کنند واز بیکاری رنج میبرند۰

ترجمه : ر . ی

نو یسنده داکتر بابایان

اعتیادبه‌ادویه‌مخدره‌بحیث یك سرطان‌اجتماعی

بیکاری ، عدم مصوو نیت و بحرانات ا قتصادی عوامل ا صلی اعتیاد بادویه خطرناك درملل‌سرمایه داری غربی است .

• • •

در جوامع سوسیالیستی علل وا قعی اعتیاد بادویه مخدره از بین برده شده است .

• • •

یکی از مسایل حادیکه حیات بشررادر عصر کنو نی مورد تهدید قرار داده، وانرژی او را در جهت غیر تو لیدی و غیر مثمر سوق میدهد عبارت از اعتیاد بادو یه مخدره است . اعتیاد بادویه مخدره نه تنها سلامت افراد یك جامعه را که حیثیت سرمایه معنوی رابرای انکشاف جامعه دارد شدیدا متاثر می سازد بلکه اثرات ناگوار اجتما عی‌و اقتصادی بر جامعه گذاشته و توازن روحی معتاد را بر هم میز ند و او را به‌پر ر تگاه نابودی نزدیك میسازد . بدون شك بیماران معتاد بادویه مخدره پیوسته به عدم تعادل رو حی و جسمی مواجه اند و در بحر مایوسی که نجات شان را ازآن دشوار می یابند غوطه ور اند و نمی توانند مسا عی خویش را طور لازم متو جه عمران جا معه نمایند .

داکتر اید وارد بابا یان رئیس کمیته دایمی‌کنترول‌ادویه‌مخدره‌وزارت‌صحت‌عامه اتحاد شوروی و نماینده این کشور در کمسیون ادویه مخدره شورای اقتصادی و اجتما عی ملل متحد در زمینه مسا له اعتیاد بادویه مخدره در جوامع سرمایه داری و جوا مع سو سیا لیستی بخصوص اتحادشوروی چنین گفته است :

طی سال های اخیر اعتیاد بادویه مخدره بیش از پیش بحیث یك پرابلم حاد در کشور های غربی عرض اندام نموده است۰ درحالیکه‌درگذشته (۲۰۰)هزارنفر درغرب به هیروئین معتادبود اکنون‌برمعتادان‌این ادویه‌در غرب طور قابل‌ملاحظه افزایش‌بعمل آمده‌است۰ گر چه در غر ب تا حدودی در سطح ملی و بین المللی علیه تعمیم استعمال ادویه مخدره مبارزه می شود معهذا میتوا ن گفت که تدابیری که در زمینه در غرب اتخاذ می شود صرف به منظور فرونشاندن مظاهر اعتیاد بادویه مخدره است نه برای امحا ی علل ریشه یی آن که در شرایط اجتما عی نهفته میباشد . علل اعتیاد بادویه مخدره در جامعه سرمایه داری عبارت انداز بیکاری عدم امنیت و مصؤو نیت ، تعمیق بحران اقتصادی و رشد انفلا سیون که بیش از هر طبقه بر روح و فکر جوانان این کشور ها تاثیر ات سؤ و ناگواری بجا می گذارد.مساله بیکاری در جوامع سرمایه داری به قدری حاد است که حتی بسا از فارغ التحصیلان مؤسسات تعلیمات عالی قادر نیستند که‌کار پیدا کنند ویا اگر به مشکل مؤفق بدریا فت شغل وکارگردند تضمینی برای دوام طولانی آن موجود نیست . و همچنان از عدم دسترس به تسهیلات لازمه تعلیمی و صحی درین کشور ها رنج میبر ند . در حا لیکه‌در جوامع سو سیا لیستی طور مثال اتحادشوروی مساله شغل به خو بی حل شده و حق داشتن کار به حیث یك حق طبیعی برای اتبا ع این کشور تضمین گردیده ودر عمل فرصت های گوناگونی افراد جهت اشتغال درامور مختلف تو لید اجتماعی درین کشور مو جود است .

در عین حال یك تعداد زیاد افراد در جوامع غر بی با آنکه مربوط به طبقه مر فه است معتاد بادویه مخدره اند که بدون شك می توان علت این امر را در تر کیب و ساختمان اجتماعی جوامع سرمایه داری و ارزش هایی دانست که بر آن ها تاکید دارد باید ازعان کرد که در جوامع غر بی برای منحر ف گردانیدن تو جه از علل اجتما عی اعتیاد بادویه مخدره ، عوامل بیو لوژ یکی رادر زمینه دخیل میدانند وطور مثال

گفته میشود که درغرب بعضی مردم یک نوع تمایل در مورد استعمال ادویه مخدره نشان مید هند .

البته این ریشه مساله‌نیست چه اعتیادروز افزون بادویه مخدره در غرب عمدا زایده یك بحران عمومی عمیق است که گر یبا نگیر جهان سرما یه داری گردیده است. از همه خراب تر اینکه مقامات مربوط درین کشورها ترجیح مید هند که از مقاومت کمتر در زمینه مقابله با تعمیم ادویه مخدره کار گیرند و حتی در صدد قانو نی گردانیدن استعما ل ادویه (بحیث یك راه حل افتاده اند ، مقا مات مذکور مدعی اند که ادویه مخدره یی چون ماری جوانا ، چرس وغیره کدام ضرر جدی رابار نمی آورد . چنانچه جیمی کارتر رئیس جمهور سابق امریکا در اگست (۱۹۷۷) طی نطقی در کانگرس امریکا گفت :

«ماری جوانا یك مساله ضد و نقیض باقی خواهد بود ، زیرا بعد از چهار دهه، مساعی برای عدم تشویق استفاده از آن از طریق قوانین جدی تاکنون موفق آمیز نبوده است . بیش از (٤٥) ملیون امریکا یی در حیات شان به‌استعمال ماری جوانا مبادرت ورزیده و قریب (۱۱) ملیون دیگر طور منظم آنرا استعمال می کنند . من قوانین را حمایت میکنم‌که قانون فیدرال مبنی برتعیین مجازات جنایی فدرا لی در مقابل داشتن الی یك اونس ماری جوانا را ترمیم کند و این مجازات را از بین ببرد .»

بناء تعجب آور نیست که تسلیمی مقامات امریکا یی در مقابل فشار برای تعمیم ادویه مخدره و کمتر شد ن کنترول آن به استعمال حتی بیشتر ماری جوانا و تعمیم آن در امریکا انجا میده است .خطر بزرگتر ازاینجا بر می خیزد که معتادین میخوا هند ماری جوانا رابا سایر انواع ادویه مخدره ترکیب و استعمال کنند . سؤ استفاده از مخلوط و تر کیب نمودن ادویه مخدره در امریکا متداو ل شده و کمتر ضرر ناك

تصور می شود .

درسال ۱۹۷۸ (۲۱۳٫٤۰۰)نفر از معتادین ادویه مخدره تحت معالجات مؤسسات فیدرال امریکا قرار داشت که از جمله آن ها ۹٦٫۹٦۹ نفر یا قریب (٤٥) فیصد را معتادین هیروئین کشنده ترین ادویه مخدره تشکیل میداد .

البته این تصویر کامل حقایق نیست چه همه معتادان با آنکه مؤسسا ت صحی توسط ادارات غیر فیدرالی اداره می شود درصدد معالجه شان نمی باشد .

در سایر کشور های ارو پای غر بی نیز وضع کم و بیش مثل امریکا است طور مثال در جمهوریت اتحادی آلمان بیش از (۸۰٫۰۰۰) معتاد ادویه مخدره مو جود است. طبق تخمین در ۱۹۷۹ (٥٫٤) تن از ادویه مهلك در جمهوریت فیدرال آلمان مصرف شد در حالیکه پو لیس این کشور صرف قادر به ضبط ۲۰۷ کیلو گرام ادویه مخدره گردید .

تاثیرات سؤ ادویه مخدره «کنا بیس» و مشتقات آن از قبیل چرس بر همگان روشن است . در اکتوبر (۱۹۷۰) اسا مبله‌عمو می ملل متحد و انتر پول (یك ساز مان پولیس‌بین‌المللی‌جنایی) بااتفاق‌آراء فیصله‌نامهٔ رابه تصویب رسانید که به حکومات در مورد قانو نی گردانیدن احتمالی کنا بیس اخطار میداد . در عین حال قاچاق برا ن و صادر کنندگان کنا بین و تو لید کنندگان چرس در (۱۹) کشور سرمایه داری غر بی لابراتوار های فعال داشته که مصرو ف کاراند در جمهوریت فیدرا لی آلمان جا معه یی تاسیس شده که خواهان قا نو نی گردا نیدن کامل چرس میباشد .

برای واضح گردانیدن انگیزه همچو فعالیت ها باید گفت که‌این جریان ترافیك ادویه است تا چه از راه قا نو نی و چه از طریق غیرقا نو نی دوام داشته طور فوق ـ العاده برای قاچاق بران پر منفعت باشد . تحقیقات نشان داده‌است‌که درایتالیابریتانیاو بعضی کشور های دیگر ادویه مخدره خفیف برای معتادان فراهم شده است واین یك روش جدیدی نمی باشد چه‌ازسا لیان متمادی چنین عقیده مو جود بوده است که یك از طرق اساسی معالجه دادن یك مقدار کم ادویه مخدره بر مریضان است . کذا مساعی برای جاگزین ساختن سایرادویه طبی به‌جای ادویه مخدره به معتادین به عمل آمده است. باین معنی که برای ترك اعتیاد یك دوری مخدره به مریض نوع دیگر دوا را می دهند که تاثیرات مشابهه بر ارگانیزم جسمی وذهنی فرد بجا می گذار و لی مطا لعه و تجربه چندین ساله در قسمت جا گزین گردانیدن ادویه مخدره باسایر انواع ادویه که تاحال تحت کنترو ل در نیا مده ، باید گفت که ما هیت همچو تدابیر بعضا منجر بامحای سریع معتاد و مرگ وی میگردد در واقع این یك طریق مبارزه‌علیه ادو یه مخدره و یا یکنوع معالجه نی بلکه یك سازش بین طبیب و بیمار معتاد بادویه مخدره است که بعضا به قیمت صحت و حتی حیات اخیر الذکر تمام می شود .

به عقیده داکتر بابایان ، منع و یا تر ك کامل ادویه مخدره گر چه امر نسبتا مشکلی است به آنهم اساسی ترین طریقه در زمینه محسو ب میگردد زیرا هدف از آن حفا ظت صحت افراد است چه اعتیاد بادویه مخدره یك مرض است‌که باید مانند یك مرض باآن طور منظم معا مله شود چنانیکه دراتحاد شوروی این کار صورت میگردد .

در اتحاد شوروی تعداد کسا نیکه بحیث معتادین ادویه مخدره ثبت شده و تحت معالجه است رو به کا هش میباشد چنانچه درسا ل ۱۹۷۹ قریب ۲۷۰۰ معتاد ادویه مخدره درین کشور مو جود بود واین رقم درسال ۱۹۷۸ بالغ بر (۳۰۰۰) معتاد بود .باید گفت که معتادین ادویه مخدره مخصو صا استعما ل کنندگان مورفین و کودین ، ادویه مذکور را بحیث تخفیف دهنده درد تصور می کنند در حالیکه ادویه مذکور قادر نیست که طور دایمی ایجادتسکین کنند واثرات سؤ برذهن و تعادل جسمی معتاد به جای می گذارد .

در اتحاد شوروی هسته و مواد اولیه تولید ادویه مخدره از بین برده شده‌ومعتادین محدود کوکائین‌درین‌کشور مربوط به‌دوره‌های گذشته قبل از انقلاب کبیر اکتو بر است .در اتحاد شوروی مبارزه علیه ادویه مخدره و جلو گیری از گسترش آن بر اساس تو جه برریشه و علل کسب اعتیاد وروی آوردن

بقیه در صفحه ٤۱

دراتحاد شوروی علل واقعی اعتیاد بادویه‌مخدره که عبارت ازبیکاری ، غربت وولگردی است ازمیان رفته است• جوانان بااطمینان‌ازآینده درامور تولیدی خدمت میکنندودربهبود جامعه شان می اندیشند •

سنا رگان

افسانه

ساز

ناتالیابیلوخوستیکوا اکتریس زیبای شوروی

انستیتو ت سینما را تما م‌کرده‌ودر فلم های ((درنزدیك بنـد)) ، ((شاعر بیت بخوان)) ، «امیـد» «بحر»،«سرخ وسیاه» ، افسا نـه تیل)) خیلی مو فقانه در خشید ه‌و بر ند ه جایره دو لتی شنا ختـه شده ا ست .

هنرمند محبوب سینمای هند

جیتندر اکتور معروف سینمای هند کـه فلم های خوب اورا بیاد داریم درین اواخر فعالیت های سینمایی اش را کاهش داده تا زیادتر به امور شخصی خود بپردازد یکی‌از فلم های خوب وی را که‌بمناسبت ویساك در تلویزیون به نشر سپرد. پریتما است نتوسنگه نقش مقابل وی را خیلی ماهرانه بازی کرده است .

سناریوی فلم روی پرابـلم هـای زن‌وشوهر استوار است که گذشت کانون خانواده رااز بربادی نجات میدهد .

جیتندر اکتور معروف سینمای هند

کمال ناصر دوست

کمال ناصر

جـو ا نـی خـیـلـی صـمیمی‌و بـا ا ستعـداد ا ست . من کـنسرتـی‌را بیا د دارم در زینب ننداری که تماشاچی‌خیلی کم بود اما وقتیکه این‌خواننده جوان ظاهرشدو وپارچه های خودرا خواند خیلی مورد توجه واقـع گـر دید ، آواز رسا وگیراداردا‌گراین جوان زیاد تر تشویق‌شود وپارچه های‌جدید ثبت نماید استعداد وی روز بروز شگوفان‌تر خواهدشد . اما کمال ناصر باید باپشتکار خستگی ناپذیر مصروف شود وجدیت بخرج دهد از همه مهمتر زود مغرور نگردد باشهرت دست داشته قانع‌نباشد افق‌هنربی انتهاست.

هنرمند جوان او لك سترشرینوف

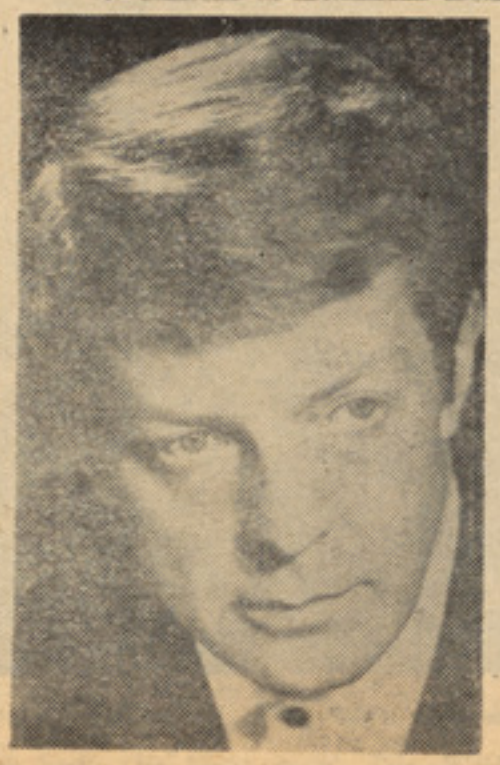

اولگ سترشرینوف‌اکتورمعروف‌سینماوتیاتر اتحادشوروی آموزشگاه هنری بنام «شوکین» را تمام کرده است .

در تیاتر هنری مسکو بنام «گورکی» ایفای وظیفه مینمایدودرنمایشنامه«چایکا»«سه خواهر» خوب میدر خشد .

در فلم های «خرمگس» ، «مکسیکویی»چهل یکم «مسافر» فلم مشترك هند واتحادشوروی دختر کپتان «زندگی دردست توست» شب‌های سفید» داستان شمال«ماتکه قره» «دویـل» (ترسو) سه‌خواهر، جوان سوم اوراروبردصدا میکردند.

«الوداع» در فلم ماموریـت در «کابـل» «زمین تاملاقات»خیلی‌ماهرانه‌تبارز نموده‌است.

نبرد آزادی

یك صبحگا ه که نور فروزان آفتاب
بر قله های
شامخ این بوم و بر نبود .
نسیم سرد
لرزه بر اندام می فگند
از روشنی
به هیچ کناری اثر نبود
آنسوی د شت
یعنی میان گرانه ها
رزم آ و ران
فشرده بدا مان کهسار
صف بسته بی شمار
هنگا مه ها به پا
فریاد و نعره ها
به‌به چه محشر است
دنیای د یگر است
توفان خشم وکین
هردم فزونتر است
در دشت بیگران
شور دلاوران
اینجا د گر
صحنهٔ پیکا ر روز گار
مر دان ز ندگی
آمد به کار زار
تا درد حق
بد شمن بیداد گر د هد

شور نوین
به پیکر این بوم و بر نهد
دشمن
اگر چه حیله و نیرنگ می نمود .
چال و فریب و تو طئه رنگ رنگ‌مینمود
ا ما .
دلاوران
زیر شعار و حدت و تصمیم پابه جا
در پر تو یگا نگی ا یمان با صفا
تا آ خرین نبرد
پیکار می نمود
پیکار زندگی
آری
اگر قوت د شمن جهان بود
هر چند ا گر د لیر وقوی قهر مان بود
ا مـــا
به پیش همت مردان خود گذر
دانی که چیست ؟
نیروی بی اثـــر
در آخرین نبرد
دشمن فرار کرد
تاریخ شا هد است
تاریخ زندگانی
مردان قهر مان
بانام جا ویدان
اینست که ما ز ندگی
آزاد میکنیم
از کشتگان راه نبرد یاد میکنیم

ربانی کوهنورد
سال ـ ۱۳۵۷

شعر .ـ د((سنگر))

لیونی مینه

نه می شته پر وا له رسو ا توب‌اوله چو غل څخه
ماد پټی مینی ځنځیرو نه ټـــو ل‌شلولی دی
زه خو ـ له زند ی او له مر گی‌څخه ډاریږم نه
ماهره‌شیبه دمر گ ټا لو نو کی‌ځا نگلی دی
اورڅه ـ سو ځید ل څه ور نـــه‌سر نه غړ و مه زه
ما دبیلتا نه او رونه وار په وارلید لی دی
ما چی زړه ور کړی دی د یـــارسپیڅلی مینی ته
هر څه چی راځی‌راځی دی ماپـــه‌ځان منلی دی .
نه غواړم شرا ب ساقی اړتیاور ته هیڅ نه لر م
ما پیا لو د شو نډو کی د مینی‌شرا ب چښلی دی
زه سر تیر دمینی ـ کار می مینه‌ـتل به مینه وی
ما هر یور قیب ته دا په جار اوجار و یلی دی
زه‌د عشق مور چل کی نا ست‌یم‌وینم با ك می نشته دی
څه که رقیبا ن می په لو ټمـــارپسی را غلی دی
ځم په وړا ند ی ځمه دا تکـــل‌او دا می هو ډ دی هو ډ
نه می شته پروا چی د تلو لاری‌یی‌نیو لی دی
زه دخپلی مینی ننگ او هو ډپوره‌کیدل غواړم
ځکه می د لی‌دلی اورونو ته‌دنگلی‌دی
نه لرم هیڅ نه لر م . دهیڅ‌څیزپر وا نه لر م
ما دین او دنیا د عشق جوا ریوکی‌با یللی دی
یه مینی زما مینی ژ وند ی اوروا نی او س
ما خپله ځوا نی او ژوند ټو ل‌ستا لاره کی ښیند لی دی .

دچنگاښ ٤ـ۱۳۵٤ کال ـ کندهار

سر بلندی بجوی

سنگر د شمن ار نمی شکنی
در صف دو ستان شکست مباش
بت شکن ار نشدی عیبی نیست
بر همن وار بت پرست مباش
گر شکستی برزم شکوه مکن
و ر شدی کا مگار مست مباش
بر سر دار سر بلندی جوی
ارج گرمی طلبی پست مباش
در طلب گام را جلو تر نه
پای در بند آنچه هست مباش

عظیم شهبال

بزم ناز

به‌نوك‌سینه‌سیمین‌فگنده عقد گهر
عروس‌شاخه‌زرین‌به‌بزم‌نازبهار
شراب نرگسی‌وموج‌شگوفه‌عطر نسیم
زکف‌ربوده‌دل‌واز دلم‌ربوده قرار

روان شناسی جوانان

پیوسته بگذشته

جوانان وخود ارادیت

۹) پدری در باره پسر جوانیکه موتر او را بدون اجازه برده بود وقتی در باز گشت در عوض آنکه معذرت بخواهد از قضیه انکار نموده و خود هم شب رااز ترس بخانه رفیق خود گذشتانده ،اظهار عقیده می کند :«آیابا او چکنم؟ او را تحت فشار شدید قرار بدهم تا بخود آید ؟ یا آنکه از کرده اش اغماز و صرف نظر کنم ؟»

۱۰ پسریکه در اثر نداشتن انضباط در ست و هدایت روشن معلم خود ناکام شده بود در حالیکه او دارای استعداد بلند تر از حد اوسط بود چنین میگفت :» این معلم پیوسته در صنف میگفت که اگر کاری می کنید یا نمیکنید و درس می خوانید ویا نمیخوانید مربوط بشما است .

او هر گز به انجام کاری، مارا وادار نساخت و هدایت واضح وروشن نداد . پس کاری نکردم ودر نتیجه ناکام شدم .» درین مورد خاص اینقدر میتوان گفت که :

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود
+ مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد .

تا اینجا از مشکلات آزادی ،خود ارادیت وانضباطی جوانان نکات چند از زبان خود آنها نقل قول شد ، خاصتا واقع شدن جوانان بین دو کشمکش در اخذتصمیم ، احتیاج به آزادی و بدست آوردن پول ، احترام و عدم به ارزش ها در نتیجه تحول ارزش و یادرك نکردن ماهیت آن ، جستجوی آزادی ، احتیاج بمشوره ورهنمائی ،مکافات عمل و تطبیق جزا در برابر اعمال شینع وناشایست، مشکل بودن اخذ تصمیم ، فریب دادن والدین در اثر عدم اعتماد به تمیل جوان ، جسارت پسران وبالاخره در ست هدایت ورهنمائی نشدن و نتیجه ناگواری از آن بدست آوردن از چگونگی احساس آنها توسط آنها افاده شد ، خوشبختانه میکه صبحت های شو دبا جوانان پیرامون زندگی آنها تا مشکل مزید آنهارادرك نموده ودر رهنمائی ایشان اقدام لازم بعمل آورد چنانکه همچو فرصت خدمات به نسل جوان سالیان مدیدی برای من میسر بودوافتخار رهنمای ایشان را داشتم .اکنون به این وسیله همچو خدمت را آرزو دارم تا انجام دهم ووالدین گرامی را ملتفت این مرحله نازك انضباطی وخود ارادیت جوان بسازم .

ادامه دارد

رژیم غذایی و مسالهٔ زیبایی

هر سال موقعیکه سال نو آغاز می‌شود جوانان مخصوصا دختران برای اینکه در سال روان بتوانند زیبایی خودرا حفظ نمایند شروع می کنند به ساختن برنامه غذایی . آنانیکه اراده نسبتا قوی دارند این رژیم غذایی و پروگرام را تعقیب می کنند و با علاقمندی دنبال می نمایند ولی هستند یکعده که آنرا در نیمه راه رها می نمایند . بهر حال آنانیکه خواستار صحت و سلامت و زیبایی خویش هستند در آغازهرسال، ازاین نوع پروگرام‌های غذایی برای خود می سازند . یك موضوع‌راخدمت این‌عده جوانان باید عرض کنیم که گرفتن رژیم غذایی متناسب بدستور دکتور کار معقول و درستی است ، در صورتیکه‌شما محتاج آن باشید . ولی متاسفانه یکعده جوانان ما آگاه یا ناخود آگاه بدون‌مشوره دکتور شروع میکنند بگرفتن رژیم غذایی از خوردن ونوشیدن بسیار چیزها پرهیزمی‌کنند ، خواب کمتر می نمایند ، ورزش زیاد می نمایند و گاهی هم ادویه مختلف را نیز استعمال می کند که این کار آنها علاوه از اینکه فایدهٔ به حال شان ندارد ضرر های متعدد نیز دارد .

مثلا دختر جوانی که وزن اضافی‌دارد برای کم کردن وزن اضافی از خوردن‌بسیاری از غذا ها چشم می پوشد ، این پرهیز شاید ماه ها ادامه یابد اما کمترین تاثیری نداشته و علاوه از اینکه تاثیری نداشته است سبب مریضی های دیگر نیز شده . این بخاطر آنست که شخص مذکور نتوانسته دستورات دکتور را مراعات نماید و یا اصلا به دکتور مراجعه ننموده وبدون مشوره دکتور دست به‌گرفتن رژیم غذایی زده که این کار بدون نتیجه بوده وشخص را ضعیف و ناتوان نیز میسازد .

باید خاطر نشان ساخت که رژیم‌غذایی طبق موازین علمی و نظر به شرایطجسمانی صورت بگیرد . چه در غیر آن کوچکترین فایده و پیشرفتی در این زمینه بدست نخواهد آمد .

کسانیکه به مشکل چاقی گرفتار اند ومی‌خواهند از اندام زیبا برخوردارگردند اولتر از همه ورزش های که برای رفع این مشکل موجود است استفاده کنند . در پهلوی آن رژیم غذایی موثر و دوا مدار مطابق دستور های علمی که برای این منظور تهیه شده استفاده گردد .

گرفتن رژیم غذایی شاید کار بسیارساده نباشد ، این عمل حوصله و دقت زیادی می خواهد که نباید به آن بی توجه بود . یك موضوع را نباید فراموش کرد که‌انرژی مورد ضرورت بدن را نباید با گرفتن رژیم غذایی نا متناسب صدمه رساند . زیرا انرژی مورد ضرورت یکی از ضروریات بدن بوده وانسان نمی تواند که بدون‌انرژی کافی به کار و زندگی عادی بپردازد وعدم آن باعث بی حالی و ضعف های متوالی می گردد .

ساده ترین راه برای زیبایی اندام‌ورزش های آزاد و متناسب به سن و سال شخص بوده در پهلوی آن خوردن و صرف نمودن

ـ دیده می شود که در گروه های شما برخی از کمپوز های کا ملا شنا خته شده افغانی به نام ساخته های تاجیك معرفی می گردد چنانکه آ هنگ افغانی :

حـا ل کـه دیـوانه شـده میـروی را آواز خوان شما از کمپوز های خودمعرفی میکند و حتی همین مورد در باره آ هنگ به شهرت رسیده‌ی :

ای‌بت‌بیرحم شکار بر افگنم

هم صدق میکند ؟

جوابش ا ینگونه ا ست :

مردم کشور های ما با هم و جوه‌اشتراکی فراوان دارند ، عرف و عا دات و ریشه‌خیلی از هنر ها و در این شمار آهنگ های محلی درمیان شان وجوه مشترك دارد چنانکه من‌به جرات می توانم برای شما بگویم که همین اکنون ما کمتر ارکستر و گروه هنری‌داریم که در آن آ هنگ های افغانی اجرا نگر دد وحتی کمتر آ هنگ تا جیکی ای را می ـ توانیم به سراغ گیریم که مو سیقی افغانی به رنگی در آن مایه نداده باشد از ایـن روی مشکل است که بتوان گفت که فلا ن آهنگ محلی کی ملا افغانی است و یا عکس آن . با همه اینها این ا شتباه ا ست کـه آواز خوانان ما آ هنگ های را که به‌اجرای افغانی خود بیشتر شهرت دارند از کمپوز های خود معرفی کنند و شما ید بهتر باشد که خودرا تدوین کننده به شنا خت‌آ ورند تاکمپو زیتور ...

به ارتباط پاسخ او دو باره سوال میکنم :

ـ چنین که از سخن شما پیداست آهنگ های افغانی در میان مردم تا جیك هـم شنا خته شده است و هم محبو بیت دارد. شما به خواست مردم خود در این ز مینه چقدر ار زش قایل می شوید و به چه پیمانه آهنگ های مارا از رادیو و تلو یز یـون تاجیکستان نشر می کنید ؟

د ر پاسخ میگوید :

بیشتر از پنجاه فیصد مردم تا جیکستان اتحاد شوروی در پهلوی بر نامه های‌رادیوی این جمهوری برو گرام های مو سیقی‌رادیو افغانستان را می شنوند و با خصو صیات اجرایی آن آ شنایی کا مل دارند و د ر مجموع همین علا قمندی مردم ما به هنرکشور شما مو جب شده است که رادیو وتلویزیون جمهوری تا جیکستان نیز آهنگ هـای فراوان مو سیقی افغانی را نشر کنندومورد استقبال واقع گردند ، باز هم بر همیـن اساس ما از مقا مات مسوول هنری کشور شما در ملا قات های خود با آنها خواهش کردیم مجمو عه های د یگری از ثبت های رادیویی و تلویزیونی هنر مندان ا فغا ن را در اختیار ما قرار د هند تا در تاجیکستان به‌مردم آ نجا تحفه گردد و هم چنین ماخود تصمیم گرفته ایم چند بر نامه آهنگ تازهٔ افغانی را به و سیله گروه های « گلشن » و «زیبا» به اجرا آورده و آنـرا از طـریق مـارس به تلویزیـون افغـانستان هـدیه دهیم که این ها همه نماد هایی است ا ز علاقه واشتیاق مرد مان ما به هنر های‌هردو کشور .

به معین کلتوری رادیو تلویز یـو ن جمهوریت تاجکستان اتحاد شوروی میگویم .

ـ تبادله های هنری و فر هنگی هما نطور که از نام آن پیدا ست دو رخ دارد ، یعنی دو واحد قرار داد میکو شند با ار سال گروه های هنری و فر هنگی به کشورهای‌همدیگر زمینه های آزمایی را در به شنا خت آوردن هنر وفرهنگ بو می خود فراهم آ ورند در حالیکه هیات های هنری ما خیلی کمتر از گروه های شما به کشـور مـا ، سفـر به تاجکستان داشته اند ، چرا شما در صورتی که خود اشاره به این همه علاقمندی مردم تاجکستان به هنر افغـانی می کنید از هیات ها و گروه های ما دعوت به عمل نمی‌آورید تابرنامه هایی را در آنجا به اجرا آورند ؟

ـ ما این در خواست را در همین سفـر با مقا مات مسوول هنری شما در میان‌گذاشته ایم و و عده هایی هم در زمینه داده شده است که امیدواریم و زارت ا طلاعات‌وکلتور جمهوری د مو کراتیك ا فغانستان باتوجه خود در این مورد بما امکان مهمانداری ا ز دو ستان هنر مند افغانی را فراهم‌آورند .

ـ در مدت ا قا مت خود در کشورماچقدر فرصت یافتید که از نزدیك با هنر مندان افغان آ شنا شوید و یا خصو صیت های مو سیقی و دیگر هنر های محلی ما رابیشتر درك کنید تا در بر نامه های آینده خود از آن مایه بگیرید و در صو رتی که گروه‌های شما ر قص ها و سرود های ما را به اجرا می گیرند با شناخت بیشتر از ریزه کاری هایش آن را به انجام آورند ؟

ـ متاسفانه باآنکه علاقمندی فرا وان‌برای چنین دید و باز دید ها و آشنا یی بـا خصو صیات هنر بومی افغانستان داشتیم، چنین مجال و فرصتی برای مان فراهم‌نگردید چه گروه های ما در این سفر در تمام مدت اقا مت خود در کابل در ساعات پیش ازظهر برنامه هایی را برای ساز مان هاوموسسات اجتماعی به اجرا می آوردند و بعد از ظهر نیز کنسرت ما در تالار کابل ننداری ادامه داشت ، ا ما وعده هایی در این مو رد داده شد که به زودی چنین بر نا مه هایی با ثبت ویدیولی برای ما ارسال گـردد تا ز آن استفاده بریم که امید وارم این کار هر چه زود تر عملی گردد .

• • •

زیبا امین زاده که ر هبری گروه «زیبا» را به عهده دارد در یك خانواده هنر پرور زاده شده که کار های فرهنگی و هنری‌وادبی را پیشه خود سا خته بوده اند ، پدر او شاعر معروف مـردمی تاجکستان است و خواهرش آزاد خان امین زاده نیز یکی ازچهره های سرشناس و شنا خته شده شعر معاصر تاجك به شمار می آید ، به همیـن گـونه مادر کلان او هنر پیشه توانای تیاتر بوده‌و مادرش آیدینه عثمان وه نیز ممثـل ورزیده تیاتر است ، او که از دواج کرده وصاحب دو پسر نیز می باشد آرزو داشت‌فرزندانش دختر می‌بودند تاپیشه ر قاصه گری‌رابه‌پیش ببرند ودر این هنر به شهرت ر سنـد ، خودش نیز آ مو زشگاه ر قص را به پایان آورده و مدت چهارسال در مسکو به تکمیل آموزش در تیاتر مشهور آنجا گذرانده رمدتی نیز در لنین آ باد سرود خوان و ر قا صه بوده است .

زیبا تاکنون در کشور های عربی، مثلا چکو سلواکیا ، هنگری ، اکثر کشور های سوسیالیستی و تمام جمهوریت های اتحاد شوروی سفر کرده و بر نامه های فرا وانی را به اجرا آ ورده است که با استقبال گرم و پرحرارت مـردمـان این کشور ها روبرو شده است .

او درباره اینکه آیا ر قص هم ما نـنـد هنر های د یگر می تواند مفا هیم عا طفی و اجتماعی را در بیننده القاء کند و میان‌اجرا کننده هنرمند و بیننده و تماشاگر نو عـی ارتباط عاطفی را برقرار سـازد و یا خیر ؟ میگوید :

نا تمام

سهم زنان در مبارزه به‌خاطر صلح

زنان پیشرو جهان باتلاش مشترك بخاطر مبارزه در راه تا مین صلح هنگام‌جنگ عمومی دوم آگاه شد و این نیازمندی مبرم را به حیث یك واقعیت پنداشت .

حینیکه فد راسیون بین المللی ز نان بعد از سال ۱۹٤٥ بوجود آمد وظیفه تضمین وحدت ز نان تحت عنوان صلح و ا منیت بین المللی رابه عهده گرفت وزنان توانستند باآواز رسا در پهلوی سایر موضوعات‌خواهان صلح شوند .

جنبش ز نان به خاطر صلح در سالهای اخیر به سر عت قابل ملاحظهٔ رشد نمود .

جنگ در و یتنام ، تجا و زات اسرائیل در شرق میانه پرو بلم های ا قتصاد جهانی بحران عمیق و کشیدگی های جهانی همه و همه عوامل بودند که تفکر عمیق زنان‌جهانرا معطوف کرد تا انگیزه های ا ین پرو بلم های سر سام کننده را نه تنها به خاطر بهتر شدن وضع فامیل های شان دریافتند بلکه به خاطر بهبود و ضع عمومی جهان متوجه شدند .

زنان پیشرو و ترقی خواه جهان واقعادرین اندیشه، عمیق شدند و خواستند تا آن راه ها و طریقه هایی را کشف‌نمایند که آیندهٔ ملیون ها انسان ا عم از ز ن و مرد ، ا طفال ، بزرگان را نیز تضمین کرده بتوانند .

توده های وسیع ز نان جهان درك‌نمودند که تخفیف کشیدگی های جهانی امکا نات جدید مبا رزه را در جهت خلع سلاح ، صلح و آزادی ملی مهیا می سازد .

بنابرین مبارزه در راه صلح یکی ا ز پرنسیپ های عمدهٔ ساز مان های ز نان در کشورهای مختلف گردیده‌است . زنان پیشرو وترقی خواه جهان ا کنون جدا علاقه دارند تا آن مقدار پولی که درراه‌مسابقات‌تسلیحاتی بمصرف میرسد به‌جای‌آن به مقا صد تامین صلح جهانی مصرف شود .

به همین منظور است که آن ها نه تنها خوا هان ر فع کشیدگی های بین ا لمللی از نگاه سیاسی آن می باشند بلکه ا ین رفع کشیدگی ها را در جهت نظا می آن نیز بصورت جدی طر فداری می نمایند .

به هر صورت متاسفانه درین عصری که انسان به کیهان میرود ، درین ز مانی که طبیعت بدست انسانها رو به مهار شد ن است و لی هنوز به این نصف پیکر جوامع بشری حقوقی که لازم است داده نمیشود واین به آن علت است که هنوز که هنوز است علم و دانش همگانی و جهان شمول یا به عبارهٔ د یگر در خدمت کتله‌های عظیم بشر استخدام نشده و منافع شخصی هنوز جایش را در بعضی کشور ها به منافع همگانی خالی نه کرده است .

ولی ز ندگی بهترین آ مو ز گار است . تغییرات بزرگ ا جتماعی که طی چند دههٔ اخیر در جهان رو نما گردیده بدون هیچ تردیدی تاثیر قابل ملاحظه در موقف زنان پدید آورده است .

جذب آ ن ها در عملیات تو لیدی وساحهٔ خدمات اجتماعی واقعا و سیع گردیده‌وامروز یك سوم حجم تو لیدی مواد کلتوری‌وفرهنگی جهان مر هون زن در ساحهٔ بین ا لمللی‌می‌باشد .

انقلاب علمی و تخنیکی انگیزهٔ آن‌شد تا زنان در هر جایی به سطح دانش‌ومعرفت شان بیشتر افزایش د هند که این خود نقش اجتماعی شانرا ار زنده تر سا خته وفرصت بیشتری را در جهت خدمات‌اجتماعی شان مهیا می سازد .

ما هیت مبارزهٔ ز نان به‌خاطر حقوق‌مساوی شان با مرد ها و جهت گیری علیه‌تبعیضات سیاسی واجتماعی همچنان تغییر قا بل ملاحظهٔ کرده است .

ملیون ها ز ن در سراسر جهان جهت‌نبرد به خاطر رشد کشور شان در سا حه های مختلف اجتماعی بر خاسته اند ، و د ر جنبش های سیاسی و اجتماعی سهم فعال گرفته اند .

در فرانسه ، ا یتالیا ، ا یالات متحده، فنلند ، در بریتانیا و دیگر کشورهای‌غربی کار با ز نان یکی از جنبه های مهم ارتقای سطح دانش عصر قبول گردیده و ز نان پیشرو و تر قی خواه انجام این‌گونه‌وظایف را و ظیفهٔ عمده شان می دانند .

موضوع مبارزهٔ ز نان به خاطر ارتقای سطح دانش و سا ختمان ز ندگی نو ین مخصوصا در جهت تحکیم و تو سعه صلح در یاد داشت کنفرانس بین المللی کشو ر های مترقی در سال ۱۹٦۹ تائید و تثبیت گردیده و به اسناد مربوط به این مطلب در سال ۱۹۷٤ اهمیت بیشتری داده شد . ازین مطلب بر می آید که تائید نقش زنان در تحکیم و ر شد و تو سعه صلح و خلع سلاح تصاد فی نیست .

در سالهای ا خیر ا کثر مو سسات تحقیقاتی پرو بلم های خلع سلاح و صلح‌را در جهان مورد بر رسی و تحقیق عمیق‌قرار دا دند .

این عمل یك وا قعیت غیر قابل تر دید به‌خاطر تا مین صلح و آرا مش بشری‌می‌باشد .

به هر صورت نیرو های ضد صلح و دیمو کراسی به انواع مختلف می خوا هند صلح دنیا پدیدهٔ زیبا و دوست داشتنی‌عصر مارا بد نام کرده و دیمو کراسی و تر قی ودست آ ورد های بشری را که به حق به خاطر سعادت انسان ها ا همیت‌بسزائی دارد مختل بسازند .

ولی ازان جا یی که چر خش جهان به‌نفع صلح ، د یمو کراسی ، آزادی‌و آ را مش بشری‌است هیچ نیرو یی نمی‌تواند علیه آن مو ضعگیری کند ، ممکن ا ست نیرو های سیاه مو قتا موانعی ایجاد کنند و لی دیرپا وپایدار نخواهد بود .

تومادری وتو کارگری

من دیروزت را بیاد دارم
که نور چشم تیز بینت‌بروی بام ودرودیوار
هر آن خیره تر میشد .
وهر لحظه بار دوشت زیاد تر می‌گردید .
من آنرا هم بیاد دارم .
که چون گنجشك های پر شکسته اسیرقفس
بودی وچون گهرگران قیمت در دست اهل‌هوس

• • •

ترا می‌گفتند که تو چون وسایل دیگر خانه
بدون اختیار دیگران نباید از حرکت‌مستفید
گردی . برای آنکه می‌گفتند ، فکرت بس که
پوچ است وفکرت بس که ناچیز است.
تو در چار دیوار خانه سر سفید می‌گشتی.

• • •

به این قسم روز گاران زیاد تو محروم از
همه‌چیز وچون لکه نام وننگ بودی .

• • •

اما افسوس که دیر تراز جاجنبیدی ودیگران
نیز دیرتر ترادرك‌کردندکه تولایق‌ترودانا‌تری
واز مردان استوار تری .
تو باید پیشتر وقرن‌ها قبل، قدم به عرصه
اجتماع می گذاشتی .
اما امروز این شعار از هر گوشه به گوشم
آشنا ست که :

ای زن تو باما برا بری
تو مادری وتو کار گری

فاشیزم جهان خوار این طفل نا ا شـل سرمایداری نه تنها جوانان و پسران رابدست مرگ ونابودی سپرد بلکه اطفال و کودکان رانیز بی رحمانه هدف مرمی قراردادووالدین این نونهالان را برای همیش سیاه پوش وماتم دار ساخت .

کشتار مردم بدست امپریالیسم انگلیس

خانهٔ ما دیگر به مر کز فعالیت سیا سی مبدل شده بود . جلسات پشت سرهم تشکیل میشدودلپذیرترین کاربرای من این بودکه قشر پائین جامعه مانند خدمه ها و غیره را جمع می‌کردم وبرای شان نکته هایی راکه ازسخنان بزرگ سالها دریادم مانده بودتکرارمیکردم .

باهمه این ر فت و آمد ها این خانه در خاطـرهٔ من به صورت محلی پر از آرامش بجی مانده است .

هر گونه مـرد به آنجـا می آمـدند : هند یها ، انگلیسها و به خصوص تعداد بیشماری از رو ستا نیان هندی .

الله آباد بزرگترین شهر ایـن آستان مهم و مر کز سیاست و دانش بود . از این رو شخصیت های حقو قی بر جسته‌ای در ایـن شهـر زندگـی مـی کـردنـد . به همین دلیـل تعـداد زیادی دانشجـو از نقاط دیگر به این شهر می آ مدند. ازنظر سیاسی بعضی از خانواده هـای سـر شناس از جملـه خانواده خـودم با جـان و د ل مبـارزه می نمـودند . البتـه ایـن شهـر مرکز بزرگ مذهبی هم بود ا ما من جوانتر ازان بودم که به همه این چیز ها تو جـه بکنم . ا ما خوب بخاطر دارم که مادر بزرگم مرا به ساحل رود گانژ برد و به چندین معبد هم سر زدیم .

کنگره ملی هندو ستان د یگر سا بقـه طولانی داشت . پدرم در سال ۱۹۱۲ میلادی از انگلستان بر گشته بود . ((گا ندی)) هم در سال ۱۹۱۵ میلادی پس از ۲۵سال زندگی در افریقای جنوبی به هنـد و ستان باز گشت . در افریقای جنوبی با هندیها رفتار خیلی نا هنجار می کردند چـنا نچه گاندی ناگزیر به تشکیل یك نهضت‌مقاومت آرام علیه دو لت ژنرال ((سمو تس)) شد. گاندی نام این نهضت را ((ساتیا گرا ها)) «یا» چشم نپو شیدن از حقیقت)) معنی می د هد .

در دوران جنگ جهانی اول‌گـاندی از مباحثات و بر خورد های سیاسی دو ر ی می جست و با متحدان برای تشکیل یـك ستون ا مداد فعالیت می کرد . اما درسال ۱۹۱۹ میلادی در نتیجه قانونی که فشار را برمردم هندو ستان ز یاد می کرد و حکو مت نظامی را بر قرار نگاه می داشت گا نـدی ناگزیر شد که مبارزه را آغاز نما یـد و « ساتیاگـراهـا» را ایجـاد نمـود . اعضای اتحادیه فوق موظف بودند که دربرابر قوانین غیر عا دلانه و لو هم که به ز ندان بیفتند ا یستادگی نمایند و آنها را ند یده انگارند .

۱۳ اوریل ۱۹۱۹ میلادی یعنی‌درنخستین روز سال استعمـار انگلیس د سـت به کشتار زد که از وحشیگری کم نظیر ی بر خوردار بود . دران روز در یك گـردهم آیی که توسط کنگره در یکی از بزرگترین شهر های پنجاب بر پا شد ه بود جمعیت عظیمی از مرد ، زن و بچه با آرامش کامل دران‌شرکت کردند . ار تش ا نگلستان‌مردم شرکت کننده را به جاده بن بستی کشاند وآ تش به رو یشان گشود .

من نمی توانم به طور د قیق بگویم که‌آیا نام این شهر را شنیدم یا نه ا ما میتوانم بگویم که متو جه آ شفتگی نز د یکانم شده بودم والبته این کشتار نه تنها برای‌خانواده ما‌بلکه برای بسیاری مبارزان نقش تعیین‌کننده پیدا کرد .

در آ غاز ا طلا عات ز یادی نداشتم ا ما اندك اندك از گسترش و هو لنا کی‌این‌کشتار مطلع‌شدیم . سرود های بسیاری به‌مناسبت آن روز سروده شد که مردم را دعوت به مبارزه می کرد ویك جـوان پنجابی « سر- میکائیل اوپر » فرمانده انگلیس را از تنش جدا کرد .

این پیش آمد مبارزات ما را دگر گون کرد . مبارزه ملی عمیقا گسترش یا فـت نهضت که تا آن روز روشنفکران تنهاهدایت کنندگان آن بودند درتوده‌های مردم نفوذ کرد. ملیونها زن ومرد و پیرو و جوان قهرمانان به نبرد و مبارزه دست زدند و هـرگـاه یکی به خاك می افتاد هزا ران نفر مشعل افتادهٔ او را بلند می کردند . این مـو ج انقلابی روز به روز گسترده ترمیشد بطوری که سراسر قدرت ا مپرا طوری را پو شاند ودر این زمان است که‌خانواده من با((ماهاتما- گاندی)) بسیار نز دیك شده وراه ز ندگی ما کا ملا تغییر کرد .

((تاگور)) شاعر بزرگ هند ی نیز در برابر قر بانیان آ زادی سر فرود آ ورد و هنگا می که انگلیسها بـرای او لقـب ((سوالیه)) را فرستادند : او این لقب را دو باره به آ نها تحفه کرد و نـوشت : ((کمترین کاری که می توانم برای کشو رم انجام دهـم ایـن است کـه ز خم ملیو ن ها هموطن خود را که از درد و رنج بهـت زده شده اند مرهم بگذارم وبااحکام افتخاری تنهاشرم مادرچنین وضع اهانت باری برملا میسازد .))

در دسامبر همـان سال پدر بـزرگـم ((پاندیت مو تیلال نهرو)) به ریاست‌کنگره ملی هندو ستان انتخاب شد . او مرد بلند هیکلی بود و بر گرد هم آیی ها چه کوچك وچه بزرگ تسلط داشت . همه بالای ا و حساب می کردند . او با خنده اش سرا سر خانهٔ ما را که خیلی هم بزرگ بود پـر می کرد .

درسال ۱۹۲۰ میلادی کنگره سیاست عدم همکاری را که ((گاندی)) تو صیه می کرد پذیرفت . این بر نامه همه چیز را تحریـم می‌کرد . آ مو زش در مد رسه های تـحت نظر دو لت داد گاه ها ا متعه خارجی‌وانقلاب همه و همه تحریم شوند وباز هم این سیاست توصیه می کرد که در برابر قوانین ظالمانه ایستادگی باید کرد و زندانی شدن ر ا پذیرفت . در سال ۱۹۲۱ میلادی گاندی بار دیگر همه را به یك ((هار تال))بمناسبت آمدن و لیعهد انگلستان به هندو ستان فرا خواند دو لت تصمیم گرفت که به کـنـگره حمله کند وبدینطریق اعضـای خـانوادهٔ ما هم جزء زندانیان شدند .

دن بار ها شا هد ز ندانی شدن پدرم‌بودم هنگا می که من سیزده سال داشتم او پنـج بار محکوم و زندانی شده با اینکه این برای ما افتخاری بود ا ما هر بار وضع خانوادگی ما بهم میخورد و خانه در غم و اندوه فرو می رفت اما ا ندك اندك به این هم عا د ت کردم.

این نگرانی تنها به مناسبت ز ندا نی شدن پدرم بو جود نمی آمد بلکه اضافه‌برآن خانواده ام از دادن وجه غـرامتی که بـرای هر زندانی تعیین می کـردند نیز سـری باز می زد .

پلیس نیز بطور منظم به خانهٔ مامی آمدند اشیا انتخاب شده بیش ازان وجه قیمـت داشتند . مثلا اگر ۵۰۰ روپیه‌ای و یا یـك کولسکه را می بردند . گذشته از این همه خانه را د نبال ((اوراق)) زیر ورو می - کـر دند .

و اثـاثیـه مـا ر ا بـا خود می بردند و با یافتـن کـوچکتـرین سند به ظلـم واستبداد وجبر و زجر دست مـی زدنـد وازهیچنوع زجر دریغ نمی کردند .

همان طوریکه همه جهان بشریت از ظلم وستم ا مپریالیزم خون آ شام در عـذاب بودند مردم ما وفامیل ما نیز از ین گـروه پلید شکنجه های غیر ا نسانی دیدند .

اما پیروزی از آن مبارزین و سر سپردگان ا ست .

هـــــدیـــه ژوندون

آلبوم هنری هنرمندان
شناخته شده
تاجیکستان شوروی

بقیه صفحه ۹

گئورگی دیمتروف

واعمال فاشیزم بمثابه دشمن در چه یك راه آزادی توده ها ، دشمن آزادی ودموکراسی و ترقی اجتماعی آشنا ساخت.

وی فاشیزم را نظام دیکتاتوری متکی به اعمال زور ، ترور و حکومت ارتجاعی ترین و متجاوز ترین محافل امپریالیستی می دانست ، وی فاشیزم را که زائیده بحران سرمایه داری است ، بمثابه تعرض سرمایه مالی علیه اکثریت مردم ، حکومت کانکستریزم سیاسی و دستگاه ظلم ، شکنجه و کشتار طبقات زحمتکش وعناصر انقلابی و آخرین حربه ارتجاع بین المللی محرك جنگهای امپریالیستی می دانست . این خشم ، تنفر نسبت به فاشیزم در کلیه‌نوشته ها و فعالیت های انقلابی این مرد مبارز این قهرمان راه نجات خلق‌های زحمتکش ، بوضاحت انعکاس می یافت .

وی می گفت که امپریالیزم بحیث آخرین مرحله سرمایه داری ، جهت جستجوی مارکیت و حفظ منافع سود جویانه خود نیازمند برده کردن ملت ها است‌وفاشیزم حربه دست آنست .

گئورگی دیمتروف در برابر این سوال که باوجود آنکه فاشیزم دشمن اکثریت ملت های جهان است و پس چگونه‌میتواند، این کشور ها را تحت تسلط خویش آورد وخود بی باك در راس قرار گیرد ؟ میگوید :

سوء استفاده از سنت های ملی و از طریق توجیه نادرست آن و هم بنابر ضعف طبقه کار گر .

دیمتروف می گوید : تجربه کشوری‌چون بلغاریا که ۵۰۰ سال علم مبارزه را علیه سلطه خارجی بر افراشته ، نشان میدهد، رشته از سنن ملی خلق‌ها که باید بوسیله نیرو های مترقی و انقلابی بمشابه اهرمی جهت تحرك جامعه بکار رود و توده های شرافتمند ، بسیج شوند ، بدست نیرو های فاشیستی قرار می گیرد و آنها این‌سنت ها را مسخ نموده ، آنها را از ماهیت انقلابی اش بدور می سازد واز آن بحیث وسیله شیادی ، وسیله تفتین ، توطئه و فریب توده ها مورد استفاده قرار میدهند .

دیمتروف در گزارش خود به هفتمین‌کنگره بین المللی کمونیست می نویسد :

رهبران سوسیال دموکرات ماهیت واقعی فاشیزم را نادیده می گیرند و آنرا ازچشم توده های مردم می پوشانند، آنها مردم را به مبارزه علیه بورژوازی دعوت نمی نمایند . در لحظاتیکه فاشیزم حمله می‌کرد ، قسمت زیاد طبقه کار گر آلمان‌و سایر کشور ها نتوانستند قیافه سرمایه های خونخوار وآزمندانه دشمن خود را در وجود فاشیزم تشخیص بدهند و در نتیجه علیه آن قیام نکردند .

زمانیکه ، فاشیزم در آلمان خود را در برابر حزب مقتدر کمونیست ضعیف می دید باتوطئه ، زمینه آتش زدن «رایشتاك» را فراهم ساخت ، با وقوع آتش سوزی خود هیتلر در محل حاضر بود ودر همان جااعلام‌کردکه‌حزب ناسیونال‌سوسیالیزم باید باکمونیستها تصفیه کند . از این حادثه سوء استفاده کرد همان شب ، حزب کمونیست را غیر قانونی دانست و درسراسر آلمان ، دستور حمله و حشیانه براعضای حزب کمونیست داده شد و بزودی ، دامنهٔ این شیوه فاشیستی بر نیرو های ضد فاشیست و تمام گروه ها کشانیده شد

پولیس آلمان با استفاده از توطئه که خود طراح آن بود ، اعلان کرد«اندرلوبه» که آتش را در رایشتاك فرو زان کرده‌بود، کارت عضویت کمونیست آلمان را به‌جیب داشت . گئورگی دیمتروف که چندی قبل مخفیانه به آلمان زندگی می‌کرد وتحت نام مستعار در آن جا زندگی می کرد، به اتفاق دوتن از رفقایش به بهانه جاسوسی به

دیمتروف درحال بیانیه در کمنترن هفتم در مسکودرسال ۱۹۳۵ ودرآنجاطرح جبهه وسیع متحد را بمیان آورد .

اتحاد شوروی و بین المللی کمونیستی توقیف شد و می گفتند که گویا وی بمنظور سازمان دادن قیام مسلحانه به آلمان آمده وآتش سوی رایشتاك بعنوان علامه‌آماده باش کمونیست ها برای قیام می باشد .

بمجرد زندانی شدن دیمتروف، درلندن وپاریس کمیته های جهت تحقیق‌وبررسی ماهیت توطئه و دفاع از دیمتروف تشکیل شد .

پولیس نازی بر دیمتروف اتهامات بی‌پایه بستند ، اما این مرد قهرمان با شجاعت این همه اتهامات را دلیرانه رد می‌کرد و می‌گفت :

«من مخالف هرگونه ترور فردی وتوطئه‌گری هستم ، هیچ چیز برای هتك شرافت‌انقلابی و شخصی من بدتر از این نیست که مرا با شیوه بسی خردانه ای دور از اسلوب انقلابی متهم کنند . »

مدت تحقیقات و باز پرسی از دیمتروف ورفقای بلغاریش به درازا کشید و هیچ پیشرفتی در زمینه نمو دار نگشت. تااینکه نوبت به محاکمه متهمین به لایپزیك رسید. این محاکمه ، محاکمه ساده نبود بلکه محاکمه و سوال و جواب میان دو آیده‌لوژی متضاد ، آیده لوژی دیمتروف مجهز با جهان بینی علمی و افکار مارکسیستی و آیده لوژی فاشیستی مربوط به‌جناح سرمایه‌داری مالی انحصاری و سایل ارتباط جمعی، پراز فتنه و توطئه جعلیات را پخش می‌کردند و با بهانه ها، اسناد جعلی‌را تدارك می‌کردند و هر روز حلقه محاصره را بر دیمتروف و همرزمانش تنگتر می شد .

بمانند امروز که امپریالیزم جهانی و کشور های همدستش با توطئه و دسیسه می‌کوشند ، بر تمامیت ارضی کشور ها وحاکمیت ملی آنها مداخله کند ، در آن زمان هم فاشیزم بدنیا وانمود می کردندکه اتحاد شوروی و بین المللی کمونیستی ، آتش سوزی رایشتاك را انجام داده است وبه این بهانه تبلیغات زهر آگین را علیه اتحاد شوروی و ضد کمونیزم براه می‌اندا ختند . بزودی تعداد کثیری از اعضای حزب کمونیست آلمان ، توسط پولیس جنایتکار نازی بزندان انداخته شد و از آنها تقاضا شد که در دادگاه حاضر شوند و علیه دیمتروف و یا رانش‌شهادت بدهند ، اما این عمل نازی ها نتیجهٔ ببار نیاورد ، آنها زندگی خودرا ازدست دادند ، در قتلگاه ها جان دادند اما حاضر نشدند زیر بار این جنایت بروند . ناگزیر جهت شهود واقعه ، از میان حزب نازی ، شخصی را تدارك نمودند تا علیه دیمتروف شهادت بدهد .

محاکمه با هیاهوی زیاد با تشریفات فراوان با ندا های «پیروزی بلشویزم» تشکیل شد ، در ۲۳ سپتامبر۱۹۳۳دیمتروف لب به سخن گشود و با جرات انقلابی کلیه اتهامات نا روا وبی پایه نازی ها را رد کرد و پلتنگ وار با منطق برنده، تار و پود تمام دام ها ، تزویر ها و طلسم های نازی ها را از هم درید ، که همه حاضرین در سکوت مرگبار ، رفتند . رئیس‌محکمه دیمتروف را بنابر لحن خشن وی بباد‌انتقاد گرفت ، دیمتروف در جواب گفت : من تصدیق می کنم که لحن من خشن است مبارزات من هم در طول عمر خشن بوده، لحن من صریح است من از شرافت‌سیاسی

بقیه در صفحه ۴۵

لنین وگئورگی دیمتروف

بقیه صفحه ۱۵

چهره واقعی زن در آئینه تمام نمایی اندیشه پرولتری

است قابل د قت و تو جه . برهمین اساس بنابر ایدئولوژی پرو لتری‌در مقوله تساوی مرد و زن سخن‌برسر آن نیست که « زن از نقطه نظربازده کار ، میزان کار ، مدت و شرا یـط کارو غیره با مرد برابر با شد،بلکه منظور بر سر آ نست که اختلاف‌و منبع اقتصادی ز ن با مرد او رامورد ستم قرار ند هد .

تجربهٔ سوسیالیستی نشان داده که‌بااستقـرار اقتصاد کلـکیتوی ، اعمار شیر خوار گـا ها،کودکستان ها، طعام خانه ها ، یتیم خانه هـا وغیره مو سسات اجتماعی همه گانی که توسط دو لت ، نظارت، کنترول وتمویل می گردند ، زن حتی ازکار خسته کن « آشپز خانه » نیزرهایی حاصل می کند و بالاتر از آن د ر جامعهٔ سو سیالیستی به قـو ل اگوست بیبل کو دکان نیز آ زا دی زن را محدود نمی کنند بلکه شا دی وزیبای زندگی‌رادوچند ان‌می‌سازند.

در برنامهٔ حزب‌بلشویك خصوصا بعد از پیروزی انقلاب کبیر سو ـ سیالیستی اکتبر جهت بر قـرا ری کامل حقوق نه تنها در مسودهٔقانون بلکه در عمل گام های ار زشمنـد اولی بر داشته شده که با آن ز ن همیشه حاکم بر سر نوشت خـود ومتکی به خود می گردد که د ر یـن برنامه چنین می آید :

ـ تحصیلات‌مجانی‌واجباری‌عمومی وپولی تخنیکی برای تمام ا طفال از هر دو جنس .

ـ منع کار زنانه در شقو قیکه آن برای صحت جسمانی زن مضراست.

منع‌کار شبانهٔ زنان ، آزادی ازکاردر مدت هشت هفته قبل و هشت‌هفته بعد از و لادت ها با حفظ کا مـل دستمزد در تمام این مدت تحـت معاونت مجانی وداروئی ...

ـ در پهلوی همه فابریکه هـا، کارخانه ها و مو سسات د یگر ی که زنان در آن کار می کنند اعمـار شیر خوار گاه ها برای اطفال‌شیر- خوار و خورد سال واعمار ا تاق‌هایی که مادران در آن اطفال خودرا ا ز سینه شیر بد هند ، رخصتی ز نان شیرده بعد ازهرسه ساعت کـار برای مدت اقلا نیم ساعت ، تو زیـع مدد معاش به مادران شیر ده‌وکوتاه ساختن روز کار آ نها تاشش‌ساعت.

این همه مسایلی است ا سا سی که برای تساوی کامل مرد با زن‌چه از نقطه نظر قانونی وچ ه در عمـل ضروری است ، که البته با کمـی دقت هویدا میگردد که‌وجود چنیـن یك شرایطی در جوامع طـبقـا تـی واستماری ا مری است کـا مـلا ناممکن و فقط جا معهٔسوسیالیستی قادر است به‌حل این مسایل کـه عوامل اساس نابرابری زن‌و مرد اند نایل آید . همین اکنون احصا ئیـه های بین المللی واضحا بیان گـر آنست که زنان شاغل درموسسات تولیدی ، آ موزشی ، طبی‌ودرمجموع ارگان های دو لتی در کشور هـای سو سیالیستی چندین مر تبه‌بیشتر است از زنان شاغل حتی‌درپیشرفته کشور های سر مایداری . مثلا تـا سال (۱۹۷۰) انجنیران زن‌درایالا ت متحدهٔ امریکا یك در صدودکتوران طب‌هفت در صد مـحاسبـه شده ، درحالیکه (۵۱) در صد نفوس ایالات متحده را زنان تشکیل میدهد . ولی مثلا در اتحاد شوروی درهمین سال ها تعداد ز نانیکه د کتوران‌طب اند چهل و پنج در صد و کار شنا سان اقتصادی زن (۷۳) در صد محا سبه میشود . چنین است موضع زن در جهان سو سیالیزم و چهرهٔ وا قعی آن در آیینهٔ تمام نمای اندیشـهٔ پرولتری . فقط جا معه بدون طبقا ت قادر است که زنان را که از هـمه لایه های اجتماعی محرو متر ا نـد [redacted] بی‌عدالتی تبعیض و تحقیر بیر و ن کشد و بر جـایگاه انسانـی شا ن بنشا ند وا مـا در جـا معه مـا

زنان افغان در طول تاریخ پـر شکوه ملت خود حماسه‌های‌جاویدانی بیشماری خلق کرده و هـزا ران فرزند انقلابی ووطن پرست تر بیه نمودند . همین‌زنان افغان بودند که در مبارزات خو نین استقلال طلبی وانقلابی هزاران هزار ا نسان‌عاشق به میهن راگرد ترانه های رزم آرای خود بر کور « گمنام و بـانام » شهیدان آ غشته به خون میهن‌خود متحد کردند که نام ایشان همیشه براوراق ز رین تاریخ سر زمین‌کهن سال ما درج خوا هد بود. و لـی متاسفانه این بخش جا معه بـنابر تسلط نظام های فیو دالی و ما قبل فیودالی‌در محرومیت کامل وتاریکی مدهشی نگاه داشته شده اند. علاوه بر مصائب طبقاتی و نا برای ها ی جنسی که در جهان زنان با آنهـا دست به گریبان اند، کودك همسری وازدواج اجباری گره کور د یگر ی بر بد بختی های زنان افغان است که خود ناگزیر نمایی از خصوصیات قرون وسطایی نظام های پو سیده ومنسوخ گـذشته است، با پیروزی انقلاب ملی و د مو کراتیك ثـورو خاصتا مر حلهٔ نوین تکاملی آن در کشور ز مینهٔ واقعی رشد ا ستعداد های این بخش جا معه (زنان)میسر شد. ز نان عملا در سر نوشت‌جامعه وتولید سهم می گیرند و لی‌این‌کافی نیست زیرادرجامعه مارنرخ‌بیسوادی بالخصوص در میان زنان خیلی بالا است که تمام خرافات وعقب‌ماندگی های فر هنگی در میان ز نان‌بیشتر ناشی از همین مسئله است. ازهمین جاست که وظیفهٔ ز نان روشن‌جامعهٔ ما در قبال مبارزهٔ آ نان بخاطـر برابری حقوق زن خیلی سنگین و تاریخی است . چه علاوه‌بر مسایلی که زنان به سویهٔ بین المللی بخاطر تساوی حقوق خود و احقاق‌آن‌مبارزه می کنند در مقابل ز نان افـغا ن مبارزه بر ضد بی سوادی و بعـدا مبارزه با عقب ماندگی های فر هنگی نیز قرار دارد . باید بخاطر ر فـع عقب ماند گی فر هنگی وخرا فـاتی که دامن گیر ز نان جا معهٔ ماسـت با احتیاط کامل مبارزه شود. تشدید وتحقیر درین امر زنان را درجبهه خصم و کهنه گرایان قرارمی دهد. باید باپشت کار و متانت کا مـل به‌تبلیغات وسیع و تنویر ا ذ هـان آنان دست یازید ، تا آنانرا بتـوان متحد سا خت واز بازوی پر تـوان ایشان که گنجینه ایست بس عظیم در امر شگو فایی جا معهٔ خود کار گرفت .

یکی دیگر از مظا هر عقب‌ماندگی فرهنگی اکثریت زنان (حتی ا کثر آنانیکه روشن تر اند) جا معهٔ مـا درین است که ایشان از مبارزهٔزنان بخاطر برابری حقوق تصویرمعکوس در ذهن خود سا خته اند و چنا ن می اندیشند که شاید مبارزهٔ ز نان بخاطر آ زادی شان مبارزه ا یست برضد مردان ، در حالیکه حقیقت‌امر چنین نیست . بلکه مبارزهٔ زنـان جزئی از مبارزات عظیم ا جتماعـی است . واین نبر د ، نبـر دیست همراه با مردان و در کنار مردان ، نه‌برضد مردان . این مسئله و تبلیغ وتفهیم آن نیزیکی دیگری ازوظایف مبرم زنان منور جامعه ماست .

از : فروزی پنجشیری

خرمن شگوفه

دیشب، تو بر بچهره در آغوش که بودی
مهتاب که وزهره بناگوش که بودی
ما خاطرهٔ عشق تو از یاد نبردیم
تو خاطرهٔ عشق فراموش که بودی
باین همه زیبائی و حسن وقدوقامت
آراسته سروی و قبا پوش که بودی
امشب بولای تو همه باده گساریم
دیشب بولای که و می نوش که بودی
چون خرمن اشگوفه برو دوش نوز بیاست
ای خرمن اشگوفه برو دوش که بودی
ما عاشق و دلداده تو حور لقائیم
تو عاشق ودلداده و مدهوش که بودی
از تیر نگاه تو فرو زی شده بسمل
بسمل شده ناوک خون جوش که بودی

هنگامهٔ مشرق

شاد زی ای مرز آزادی گزین
شادزی ای کشور مرد آفرین
جان ببخش ای رنگ وبوی آسیا
تازه باش ای گلشن خاور زمین

ای که از دور بما آزاده ای
درس آزادی به خاور داده ای
نقد مردی ار مغان آورده ای
خیز مستی کن چرا استاده ای

ای دل پر آرزوی آسیا
خانه قوم نجیب آریا
ای بهار عشق بستان امید
سخت می بالم که می بینم ترا

ای فروغ دیده افغانیان
پیشتر رو با قدم های زمان
سربکش ای آفتاب خاوری
مرد خیز افتاده دامانت چنان

اینکه شادی شایقش آزاد گیست
انکشاف تازه را آمادگی است
برق رنگین بقلب کوهسار
در حوادث شاهد استاده گیست

ای می آزادگی را ستانگین

ای ترا هنگامه مشرق زمین

گشته ای با آرزوی دل قرین

کاسمان می ترسد اینجا از زمین

جلوه کن در بزم هستی بیش ازین

پیام ما

ماخواستار صلح
مارهروان راه شکوهمند کار
ماهمقطار مردم زحمتکش وطن
مادر تلاش راه نوین برادری
یك آرزو بدل
وآن اتحاد بی خلل جمله کارگر
باجمله بزرگر
وآنکه همه یکی
درجبهه ای ملی
یکجاروییم بسوی جهان برابری

بادیه نشین

برخیز

برخیز ای همو طن !
که تیره شبها از هم رفته اند .
بنیاد استبداد را
از هم ریخته اند
سرود سحر رسیده ومیرسد
وخفتن را مجاز نباید بود .
پاشنه آهنین تاریخ
کوبیده ستم دوستان را
آنها بمیراث داده اند
بما این میهن ویران را
این میهن را باید آباد کرد
زندگی نورا ایجاد کرد
برخیز ای همو طن !
اگر موی ترا سپید کرده روزگار
اگر نیروی جوانی در تست سرشار

بتو ای خواهر من
بتو ای برادر من
روی این آرزو ست پایدار
درین خانه باید کار کرد
رنجهارا ـ فقر هارا
دور ازین دیار کرد
برخیز ای همو طن !
زمان ما زمان پیرو زیست
بردز خونین استعمار واستبداد
ملت ها رسته اند .
خلقها به پا خاسته اند
ومن و تو هم به پیش رویم
تااین ملت رنجدیده را
واین خلق عذاب دیده را
ارج بیکران گذاریم
به سرزمین سعادتها رسانیم

امین افغانپور

زیارتی (هغوی) تول

(دوهمه برخه)

ماته گران ندی، بلکه زړه می غواړی چی دغه سربازان دوسله وال پوځ ټول منسوبین وپیژنی . او حتی لازمه ده چی ددوی پیغام ټولو وطنوالو ته (لکه چی دکنډک قوماندان هم عقیده لری) ورسیږی ...

جګتورن شیر احمد اوږده شیبه غلی و . بیرته اوس سربازان ځای پر ځای شوی وو. اوپرته دیوه یوه سرباز له ټوخی او دکړیږو له آوازونو څخه بل آوازنه اوریدل کیده . په پای کی دلومړی ټولی قوماندان شیر احمد داسی په خبر و پیل وکړ :

ـ پروسیرکال زما دټولی یوه بلوک لسه اشرارو سره په یوه مسلحانه نښته کسی سخت تاوان ولید دوظیفی له ترسره کولو وروسته دغنم دقوماندانی له خوا نه زموږټولو دفرقی دتعلیمی مرکزنه دنویو رالیزل شو یو سربازانو له جملی نه دپنخلس تنو پەرالیږلو سره «اکمال» شو .

پدی کی یو سرباز چی جمعه خان نومیده په ظاهرکی دنورو سربازانو سره هیڅ کو م ښکاره توپیرنه درلود مگر ددوه دریو ورځو تیرولو وروسته ولیدل شول چی جمعه خان په ټولی کی پوره محبوبیت ترلاسه کړی و: په تعلیم کی ډیر ښه و، خپله دنده یی برته له څه ځنډاو سستی څخه سرته رسوله ، له نورو سربازانو سره په گذاره کی خوږا ښه وو، دخپل ډلگی له هر غړی سره یی چی څه په وس‌کی پوره وو، مرسته کوله، او سر بیره پدی ټولو یی تل خوله له خندا څخه‌ډکه وه او داهم باید ووایم چی زبردست رباب‌یی غږاوه .

لنډه داچی میاشت نه وه پوره چی جمعه‌خان په ټول کنډک کی سربازانو او صاحب‌منصبانو پیژانده او په ښه سترګه یی ورته کتل

خودجمعه خان له راتګ سره زموږ بوبل سرباز چی خان محمد نومیده، خپه ښکاریده (دی شی ته البته زموږ مخصوصا زما وروسته پام شو) .

دی خبری ته نده هغه وخت متوجه شوم چی مادخپل ټولی دډلگیو ویش نوی کړ . پدی ویش کی جمعه خان دخان محمد پەډلگی کی برابرشو (خان محمد زما د ټولی تکړه ډلگی مشر وو) .

هغه وخت هم موږ په صحرایی اردوگاه کی وو او راتلونکی محاربوی وظیفی ته مو تیاری نیوله .

ما سختن مهال خان محمد زما خیمی ته راغی اوله مانه یی هیله وکړه چی که زه نه خپه کیږم نو چراغ علی سرباز چی دده له ډلگی څخه بل ډلگی ته تللی و، بیرته دده ډلگی ته ورکړم . موږ داخبره سره وشاربله، خوپه پای کی زماپام شو چی خان محمد هیڅ معقول دلیل نلری او دچراغ علی په عوض هم په نامه څوك نه ښیی چی دده له ډلگی نه وایستل شی خو یو واړیی دخولی نه‌وونل چی دغه نویو سربازانو نه دی کوم چی دده ډلگی ته راغلی و دچراغ علی په ځای بل ډلگی ته ولاړشی او دده ډلگی کی یواځی جمعه خان دنویو سربازانو له ډلی څخه وو .

خوداخبره پاتی شوه . مگر زه د هغی مخصوصی کنجکاوی له امله چی دټولی هر قوماندان یی لری ، دی ته متوجه شوم چی خان محمد له جمعه خان سره له ورایه بیل ډول چلند لری . نه داچی له ده سره بده وضعه کوی، بلکه یو خاص ډول رسمی اوله مخصوص احترام نه ډك چال چلندکو ی چی د سربازانو د مشترك او له تکلف نه‌تش‌ژوند سره ښکاره توپیر لری .

جمعه خان هم چی له ټولو سره یی خورا صمیمی اړیکی ټینگی کړی وی له خان محمد سره یی برخورد بیخی رسمی و .

ماته به بیاهم ډیره عجیبه نه وه که زه نه وای پوهیدلی چی دوی نه یواځی د یوی ولسوالی بلکه دیوه کلی دی، ددی خبری په پوهیدو زه لاحیران شوم . مگر په هغه وخت کی موږ په بیړه دراتلونکو عملیاتو لپاره تیاری نیوله او فرصت می لاسته رانغی چی داپوښتنه خانته حل کړم .

یوه شپه کومه چی سبا سهار وختی موږ باید له اردوگاه نه حرکت کړی وای جمعه‌خان ماته راغی اوزړه نازړه یی دا غوښتنه وکړه‌چی دی دنقیل ماشیندار بلوك ته تبدیل کړم . کله چی ما له‌ده نه دلیل وغوښت ده وویل چی دفرقی په تعلیمی مرکز کی یی ثقیل ماشیندار ښه زده کړی دی . ښایی دده خبره به رښتیا وه مگر ماپه دغی وروستی شپه چی سبا محاربوی وظیفی ته روان وو ، په هیڅ صورت نه غوښتل چی دخپل ټولی په ښه کی خه‌بدلون راولم. نوځکه می‌دده داغوښتنه رد کړه .

مگر دمحمد خان دغوښتنی اودده دغوښتنی په منځ کی زما په ذهن کی داسی راغله چی یوه منطقی اړیکه شته . دامی پریښوده چی وروسته یی په فرصت سره معلومه کړم .

څه به دی سر خوږدم . یوه میاشت موږ په سنگرونو کی له ضد انقلاب سره په‌گرمه جگړه بوخت وو . د خلورمی یا پنځمی نښتی نه وروسته چی داشرارو یوه ځاله چی‌یوه گوښه خانته لویه کلا وه ، ونیوله او له هغونه موشل تنه ژوندی ونیول ، ټولی‌مو په کلاکی ځای کړ او شاو خوا موامنیتی ترتیبات سر ته ورسول . دبلوکونو دقوماندانو دراپور له اوریدو او د هدایاتو نه ورکولو وروسته مو دوی ته دتګ اجازه ورکړه . کتل می‌چی دلومړی بلوك قوماندان معطل شواو وی ویل:

نوربیا

از : س . ر . ها شمیار

هنر راستین و مر د می :

زبان احساس ووسیله پیوند عاطفی انسان

معین کلتوری رادیو تلویزیون تاجکستان‌شوروی میگوید :

* مادر تاجکستان حتی یك گروه هنـری‌هم نداریم که پار چه های ا فغانی را د ر برنامه های هنری خود به اجرا نگیرند .

* کمترآهنگ تاجکی ای رامی توان سراغ‌کرد که به شکلی آ هنگهای ا فغانی در آن مایه نداده باشد واین به خاطروجوه اشتراکی‌فراوانی است که در هنر و فرهنگ هردو کشور وجود دارد .

* بیش از پنجاه فیصد مردم تاجکستان‌درپهلوی بر نامه های رادیویی کشور خـود پروگرام های هنری و مو سیقی رادیـــوافغانستان را نیز می شنوند .

* به زودی آ هنگهای فراوان ا فغا نی به‌و سیله هنر مندان گروه های هنری گلشن وزیبا اجرا واز طریق مارکس به رادیـــوتلویز یون ا فغانستان هدیه میگردد .

* مردم افغانستان مهمان دوست تر یـن‌مردم جهان می باشند .

* چرا برخی از آواز خـوانـان تـاجـك‌بعضی از آ هنگ های اصیل افغانی را از ساخته های خود معرفی می کنند ؟

* خواهش ما از مقا مات هنری‌ومسوول‌افغانستان این ا ست که زمینه های ارسال گروه های هنر ی افغان را بـــه تاجکستان‌فراهم آورند چه مردم تاجك به هنر سرزمین شما عشق می ورزند .

* رقص اگر صرف در حر کات بد نی‌خلاصه گردد هیچ پیامی را نمی تواند به‌مردم رساند اما رقص هـای سـوژیك از نـــو ع‌رقص های ما همه دارای مضمون ا جتما عی می باشند و به همین د لیل مردم می‌توانندنماد های از وا قعیت های عینی را در آن مشا هده کنند .

* مادر مدت ا قا مت خود در کشور شماهیچ احساس بیگانگی نکردیم چنانکه انگـار دریکی از شهر های تا جیکستان بودیم واین‌دلیل زنده این مو ضوع‌است‌که مردم مـــا چقدراز نظر عادات و عرف بهم نز دیکی‌دارند .

آواز خوان جوان صدای گرم و گیرادارد، صدایی که افسون کننده است و شنونده را ازخود بیخود می سازد و به دنیایی از رویـا های فریبنده می کشاند ، او باتمام‌احساسش می‌خواند ، بازره ذره جا نش شور می‌آفریند آن چنان که انگار تمام خواست ها و آرزو ها ، همهٔ آ ر مان های درونی با در د ها وناتوانی ها و نا شکیبایی ها در آواز اوته نشین شده اسـت واو همه اینها را ، این بار عا طفی را هنر مندانه د ر د یگران القاء میکند و شنونده و بیننده را در ا حساس وتاثیر عاطفی شاعر شر کت می د هد .

مو سیقی باریتم د لنشین خود گاه اوج میگیرد و گاه پا ئین می افتد ، زیر و بـــم می شود و خوا ننده با حر کات نرم، موزون وحساب شده خود هم آ هنگی و توازن را هنر مندانه انعکاس می د هد .

وقتی می خواند :

ای بت بیر حم شکار بر افگنم
رشته بینداز تو بر گردنم
تیر بینداز که من از هوا
گیرم و در سینه کنم جا به جا
تیر ترا در دلو جان جا د هم
تا تسلی این دل شیدا دهم

تالار در مو جی از شور و هیجان غوطه‌ور میگرددصدای شوروهلهله‌وآفرین صدهاشنونده وبیننده که نتوانسته اند از تبارز احساس خود جلوگیر گردند درآن طنین انداز میشود آهنگ به پایان می رسد ، آواز خوان از استیج بیرون می رود ا ما نزدیك بـــه یك هزار تما شاگر که باز هم می خوا هندببینند وبشنوند تا در ریتم این آ هنگ و صدای این خواننده جلوه یی از خـواست هـــای درونی و تاثرات عا طفی خودرا باز بیا بند بیتابانه کف می ز نند و آواز خوان را فرا می‌خوانند تا آهنگی د یگر را به اجرا گیرد و .... این حالتی ا ست که در هر نو بت نمایش خواه در تا لار کابل ننداری و چه‌در کنسرت هایی که به و سیله گروه های‌هنری مهمان در مجا مع دیگر به اجرا می آ یدتکرار می گردد و جلوه‌یی را به نمایش میگذارد از عطش هنری مردم ما و علاقه وافر شان به اجرا های هنری و ذوق سر شار و سیرا ب ناپذیر هنری آ نان .

دو گروه هنری «گلشن » و« زیبـــا » بیش از آن در کشور ما ودر میان مردم ما شهرت و محبو بیت دارد که تما شاگر در رویارویی خود با آن احساس بیگا نگی کند .

آهنگ های « ای بت بیر حم » ، «ای‌صنم» و « آسمان آ سمان » که در شکل ا جرای بسیار هنر مندانه خود هم از رادیو و هماز تلویزیون کشور ما بار ها و بار هابه‌نشر رسیده است و باز هم تقاضا پشت تقا ضا برای نشر مجدد آن و جود داشته ا ست‌همه گویای این نکته است که این اجرا ها ی هنری حیثیت آ هنگ روز را دا را گشتـــه وآواز خوانان واجرا کنند گان آن چـــهره های آ شنا و محبوب هنری تا جیك‌درکشور ما می باشند .

اکنون این دو گروه به خاطر شر کت در سو مین فر خنده جشن پیروزی ا نقلاب ثور به کابل آمده و بیشتر از هر گروه خارجی دیگر مورد استقبال گرم و پر شور هـــنر دوستان کشور ما قرار گرفته ا ند جای‌دارد باگفت و شنود های ا ختصاصی آشنایـی بیشتر بانحوه کار و سابقهٔ هنری شا ن پیدا کنیم .

« عبدالحی ا سراروف» معین اول کمیتـه دولتی تلویزیون و رادیوی تاجیکستان که سمت ر یاست این گروه های هنری را در این سفر به عهده دارد و قبلا در سالهای ۱۹۶۲و۱۹۶۵ نیز سفر های به کشورماداشته است در مورد سابقه های هنری انسا مبـل های مهمان میگوید :

ـ هیات هنری و فر هنگی ما شا مل دو بخش وانسا مبل « ز یبا» و «گلشن» می‌باشد که نخستین به ر هبری « زیبا ا مین زاده » هنر مند پر آوازه‌ومردمی تاجیکستان فعالیت میکند ورهبری گروه دوم را «عارفشاه عارف اوف » عهده دار است . آ ر کستر گلشن بیش از دوازده سال است‌که‌تاسیس شده وتاکنون سفرهای هنری به جمهوریـت های داخلی اتحاد شوروی و چند کشورخارجی داشته است در حالیکه از فـعالیت هـنری انسامبل ر قص «زیبا» بیش از دو سال نمی‌گذرد وبعد از سفر به تو نس این دو مین سفر آنان به خارج واولین سفر شان به افغانستان می باشد .

به اسراروف می گویم :

ـ گروه گلشن را یك آ ر کستر کا مل جاز با و سایل مدرن مو سیقی و نحوه‌اجرای مدرن یعنی نو تیشن همرا هی می کند د ر حالیکه شما آن را انسا مبل معرفی می ـ کنید که مجمو عه‌یی باید باشد از آ لا ت ساز محلی با خصو صیات بومی آن‌میتوانید بگویید در صورتی که این آ رکستر باشکل کار مدرن خود از نظر شما انسا مبل‌است، پس آرکستر دارای چه خصو صیاتی بـــاید باشد ، میگوید :

ـ منظور در این جا محتوی ا ست کـــه شامل ناب ترین پار چه های محلی میگردد وشکل ارائه بومی دارد واز نظرماانسامبل کو چکتر از آر کستر است که باید در آن چندین آله از یك نوع ساز و جود دا شته باشد و خصو صیات ا جرا نیز کا ملاعلمی ودقیق ، بگونه‌یی که هر ساز در آر کستر صدای خود را بکشد و نه آ نکه در میـــان صدای سایر ساز ها گم و نا محسوس‌گردد.

پرسش د یگر از اسرار روف ا یـــن است که :

ترکاری و میوه جات و بعضی از لبنیا ت که باعث چا قی نمی شود می باشد .

جوانانیکه به‌این مشکل گرفتار اند ووزن اضافه دارند باید یك پرو گرام منظم وطویل برای کم کردن وزن ا ضافی خو یش طـرح نمایند و آن را با حو صله و پشتکارباگرفتن رژیم غذایی مناسب د نبال نمایند . شا ید یك کیلوگرام وزن اضافی رادرمدت یکمـاه وشاید اضافه تر کم نمائید واین خود می‌رساند که چقدر ا نسان حوصله داشته‌باشد تابتواند به مقصود خو یش نا ید آ ید .

حسادت‌وبی‌اعتمادی ریشه خوشبختی خانواده‌رامی خشکد

نمی دانم گا هی برای شما هم ا تفـاق افتاده که بعضی مو ضو عات بسیار کو چك وپیش پا افتاده که اصلاکو چکترین ارزشی نداشته اثـری بد درروابط خانواده گذاشته است و علت آ ن ا ینست که زن وشوهر ویا دیگر ا عضای خانواده نتوانسته ا نـد یکدیگر شان را بد رستی درك کنندواعتمادی که لازم ا ست بهم داشته باشند .

دو ستی به من قصه کرد و گفت : که از زندگی خانواده گی خود فوق‌العاده‌ناراضی ودلتنگ هستم ، نمی دانم چکار کنم، ا ز یکسو فشار کار ها واز جا نبی نا را حتی در خانواده باعث شده که اعصاب خود را از دست بد هم . گفتم این نا را حتی از چه بابت ا ست و انگیزهٔ که باعث شده ا یـن قدر نا راحت باشی چیست ؟ می گوید : والله چه عرض کنم هر وقتی به خانه‌تیلفون می کنـم مـی بینـم کـه تیلفـون خانه مصروف است و قتی عصر به خانه باز می گردم از همسرم می پرسم که چرااینقدر تیلفون منزل مصروف می باشد، کی این قدر گپ می زند؟ ولی همسرم بکلی منکر ایـن موضوع بوده که اصلا تیلفون مصروف‌نبوده وکسی هم صحبت تیلفونی ندا شته ، در حالیکه بار ها چنین ا تفاق افتاده که من به منزل تیلفون بکشم و لی تیلفون همچـنان مصروف بوده است . نمی دانم چرا همسرم از من پنهان میکند و دراین مو ضوع چه‌رازی نهفته است که نمی خوا هند برایم بگو یند. همین باعث شده که روح مرا آزرده سازد و بیشتر به ناراحتی من بیفزاید .

به دو ستم گفتم که این مو ضوع‌اینقدر ار زش ندارد که خودرا ناراحت سازی‌شاید تیلفون منزلت خراب باشد و یااگر هـم تیلفون خراب نباشد همسرت و یاکسی دیگر بایکی از دو ستانش حرف می ز ندوزنهارا که می شناسی نام خدا ز یاد پر حرف هـم هستند و مخصو صا و قتی بیکار با شنـد دیگر متو جه گذشت و قت و زمان نمی‌باشند.

دوستم گفت : نی مو ضوع ا ین قـدر ساده هم نیست که تو فکر میکنی شا یـد رازی در بین باشد که من و تو از دانستن آن عاجز هستیم . دیدم این دوست دیرینه‌ام سخت گر فتاربی ا عتما دی نسبت به همسر وخانه اش شده است برای ا ینکه او را از این خیال واهی‌رهانیده‌باشم برایش یکسلسله د لایل گفتم و واضح سا ختم که بی‌اعتمادی چقدر در امر خو شبختی خانواده تاثیر سوء می گذارد واگر ا نسان نتواند خود را از این فکر های بیهوده نجات د هد علاوه از اینکه خو شبختی و سعادت خانواده خود را در خطر می اندازد صحت و سلامت خویش را نیز مورد تهدید قرار می د هد .

بطور مثال ز ندگی زن و مر د ی را که دراثر بی اعتمادی ز ندگی خانواده شان از هم متلاشی گشت برایش شرح دادم وعـلاوه کردم که بی اعتمادی بد ترین چیزی است‌که ریشه خو شبختی خانواده را می خشکد . اما دوستم دست بردار نبود ویك موضـوع برایش گنگ ولاینحل بود و همین موضوع بود که او را هر چه بیشتر رنج می داد وآن هم مو ضوع پنهان کردن تیلفون از طـرف همسرش بود . بااینکه من می دانستم‌همسر دوستم چقدر زن شریف ، پا کدامن و باتقوا است برای اینکه دو ستم را از این و ضع نجات داده باشم به اجازه دو ستم بـطـور خصوصی به ا مور ز ندگی شان مدا خله کردم ، بعد از تحقیق ز یاد با لاخره متو جه گشتم که مو ضوع از چه قرار ا ست، ایا می دانید که چه حا دثه کوچك و پیش پـا افتاده که باعث خندهٔ شما نیز می شود و کم بود ز ندگی خانوادگی دو ستم از هم بپاشد در اثر بی فکری دو ستم داشت در عمـل پیاده می شد . برای اینکه شما رابه انتظار نگذاشته باشم برایتان می گویم :

بعد از چند روز رفتن به خانه دو ستم آنهم و قت و نا و قت متو جه شدم که طفل

چهار ساله دوستـم به سبیل تفریح گوشك تیلفون را بر داشته بعد ازین که در گوشی تیلفون حرف های بچه گانه می زد دو باره آن را می گذاشت و لی این پسر شوخ‌بجای اینکه آنرا در جایش بگذارد آن را طو ر ی روی تیلفون قرار میداد که قید تیلفون بلند مانده وفکر میشدکه تیلفون مصروف است . ووقتی دو ستم بار ها به منزل خـو یش تیلفون می نمود می دید که تیلفون منزلش مصروف است . همین امر کوچك وخنده دار کم بود شیرازه خو شبختی زن و شو هری را که می‌خواستندزندگی خوش و آ را می داشته باشند از هم بپاشد . و قتی ا یـن مو ضوع را بدو ستم گفتم و او را بـه اشتبا هش متوجه سا ختم فوق العاده‌ازکردهٔ خویش پشیمان گشت . ا ما سخن به‌همین‌جا ختم نمی شود به این معنی که و قتی‌همسر دو ستم دانست که شو هرش نسبت به او چه احساسی داشته و ناحق به او بد گمان بود و در طول این چند و قت چقدر خلق‌تنگی ها و بد گزارگی نموده ا ست ، برای اینکه اعاده حیثیت کرده باشد ، لباس های خودرا جمع کرد و دست پسر چهار سا لـهٔ خودرا گرفت و به خانهٔ پدر رفت . هر قدر دوستم التماس‌کرد، زاری نمودکه از عزمش منصـرف شود و او را ببخشـد سـودی نبخشید و همسر دو ستم به خانه پدر خود رفت مدت یك هفته دو ستم در خانه ا ش بدون همسر و طفلش ز ندگی کرد بالاخره حوصله اش سر رفت و می خواست که‌کار را یکطرفه سازد . دیدم که دو ستم ز یاد عصبانی و ناراحت است و اگر در بیـن نشوم شاید کار از کار بگذرد و زندگی‌آنها از هم بپاشد . به خانه خسر دو ستم ر فتم و همسر دوستم را به هرترتیب کـه بود به منزلش بردم . مدتی زن و شوهر از هم‌قهر بودند بالاخره با هم آ شتی کردند و زندگی خوش خانواده را آغاز نمودند . شبی بخاطر اینکه در امر خو شبختی آ نها کو شیده‌بودم مرا د عوت کردند این د عوت بپاس زحمات من بخاطر ز ندگی آ نها بود . شب‌بخوشی گذشت و من از آن لذت فراوان بردم ز یرا باکار خو یش ز ندگی دو جوان را که کم‌بود از هم بپاشد نجات داده بود م .

بلی دو ستان این قصه واقعیت دارد و ساخته و پر داخته خودم نیست و شما که شاید روزی صا حب ز ندگی و زن و او لاد شوید و زندگی مشترك خانوادگی رابسازید متوجه باشید که زندگی خانوادگی به‌رشته های خیلی باریکی ار تباط دارد که اگرمتوجه آن نباشید شاید در آینده برایتان درد سر های بزرگی ایجاد نماید .

زندگی زن و شو هری همانقدرکه‌شیرین ودلچسپ ا ست روی د یگر ورخ د یگر نیز دارد و آن رخ ، رخ بد و زشت ز ندگی‌است که ا مید واریم سر د چار آن نشوید .

واین ز مانی میسر است که شما به‌زندگی بهتر آ شنا گردید و هر چیز ز ندگی را از دید منفی و عینك سیاه ننگرید . و قتی دو جوان به هم قول دادند که زندگی مشتـرك را بسازند . بقول تان اعتماد داشته باشید وهر گز فرا موش نکنید پشت پا ز دن‌بقول دور از نزاکت های ز ندگی ا ست . و قتی به همسر تان ا عتماد واطمینان دا شتیـد کوشش نمائید که آن را تا پای جان حفظ نمائید . به ز ندگی تان ا میدوار با شید و خوشبین به آینده واین خیلی ا همیت دارد.

اعتماد و اطمینان بین زن و شو هر یکی از اساسی ترین مسایل ز ندگی خانوادگی‌بشمار می رود و گفته می توانیم که خو شبختـی خانواده مخصوصا بین زن و شوهر به این امر بستگی دارد .

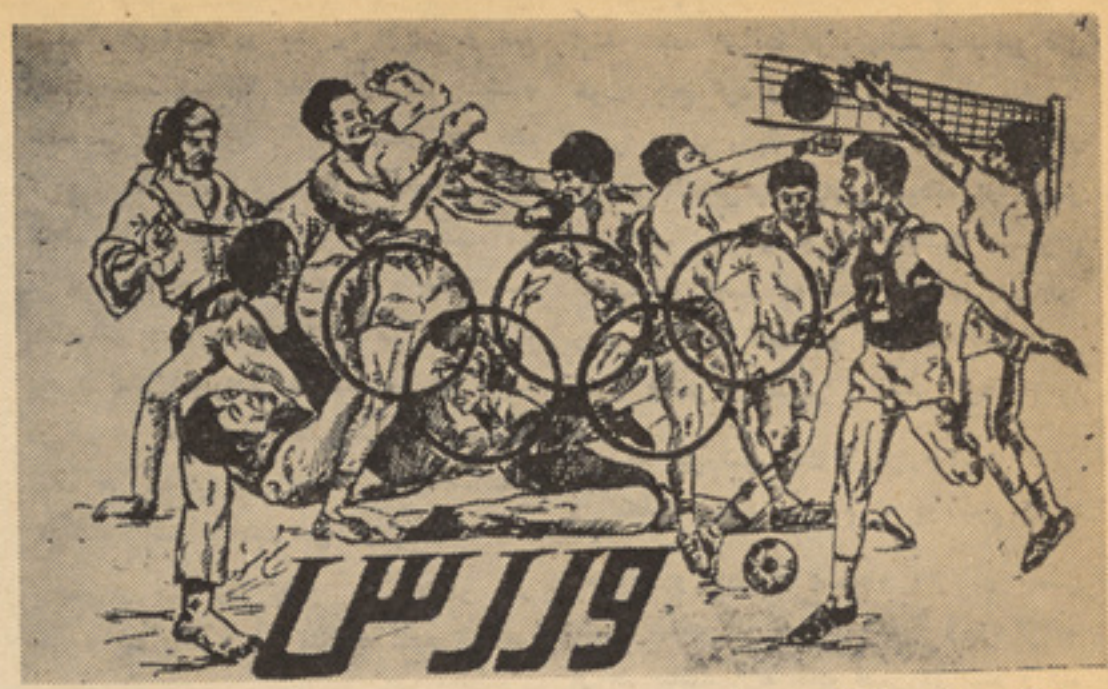

گزارش از : عبدالکریم پوپل

موثر ترین وسیله رشد استعداد های ورزشی برگزاری مسابقات است

ریاست عالی‌ورزش‌درشروع نیمه‌دوم‌ماه‌حمل طبق برنامه‌وپلان دست‌داشتهٔ شان به منظور انتخاب‌بهترین‌ورزشکاردرتیمهای‌ملی یکسلسله مسابقات رادر رشته های فتبال ، هاکی وزنه برداری وبوکسنگ طور جداگانه ضمن تدویر محافلی برگزار نمودند .

مطابق به برنامه اداره بر گزاری مسابقات ریاست عالی ورزش‌وکمیته ملی المپیک‌مسابقات انتخاباتی هاکی روز۱۶حمل باشرکت تیم های‌منتخب‌تعلیم‌وتربیه، پوهنتون‌کابل وکلوپ ورزشی قوای مسلح در میدانهای ورزشی کلوپ ورزشی قوای مسلح تحت نظرهیات موظف بابیانیه رئیس کمیته ملی المپیک دایر گردید. واین مسابقات بعدازچندروز درگیری تیم هایکی مقابل دیگر هفته سوم ماه گذشته به سرانجام خود رسید که درنتیجه نهائی علاوه بر معرفی بازیکنانیکه درتیم ملی انتخاب گردیدند تیم پوهنتون با پیروزی بیشتر شان بر تیم های مقابل جای اول راگرفتندو تیم هاکی کلوپ ورزشی قوای مسلح جای دوم را احرازکردند . کپ قهرمانی این مسابقات به‌تیم‌قهرمان‌توسط دیپلوم انجنیر نصیر احمد رئیس کمیته ملی المپیک به کپتان آن تیم اهدا شد .

تیم های منتخب تمرینات اساسی شانرا تحت نظر ورزیده ترین‌مربیون داخلی‌وخارجی برای آمادگی در مسابقات ورزشی سومین‌جشن انقلاب شکوهمند ثور وسفرهای ورزشی حسن نیت وغیره ازسرگرفتند که تمرینات ایشان طبق برنامه منظم ادامه دارد .

یك روز قبل از مسابقات هاکی، مسابقات انتخابی وزنه برداری در کلپ ثقیلهٔ تعلیم وتربیه دایر گردید که درین رقابت های این ورزش تعداد ورزشکاران کلپ ها و موسسات ورزشی شرکت نموده بودند مسابقات در چند مرحله تحت نظر اشخاص ملکی پیش برده شدو سر انجام این نتیجه اعلام گردید : شیر محمد زمانی از کلپ قوای مسلح دروزن ۵۲ کیلو گرام با بلند نمودن ۱۳۵ کیلو گرام وزن در دو ضرب جای اورا گرفت .

محمد داود ازکلپ‌تعلیم وتربیه بابلندنمودن ۱۲۰ کیلو گرا م و محمد اکرم بابلند نمودن ۱۱۰ کیلوگرام هریك دوم وسوم شدند . در کلاس دوم وزن ۵۶ کیلو گرام داراحمد از تعلیم وتربیه با برداشتن ۱۲۰ کیلو گرام در دو ضرب به‌مقام‌قهرمانی‌تکیه زد وعبدالمجید از تعلیم وتربیه با برداشتن ۱۰۵ کیلو گرام جای دوم را گرفت .

در کلاس سوم وزن۶۰کیلو گرام محمدنعیم از کلپ سپورتی قوای مسلح بابلند نمودن ۱۶۵ کیلو گرام وزن در دو ضرب ، نجیب‌الله از کلپ تعلیم وتربیه و خلیل از تعلیم وتربیه بالترتیب دوم وسوم شدند .

در کلاس چهارم ۶۷ کیلو گرام رحمت الله کارمند از کلپ تعلیم وتربیه‌با برداشتن ۱۸۲ کیلو گرام در دو ضرب جای اول را گرفت جلیل از کلپ کابو را در دو ضرب مجموعا ۱۷۰کیلوگرام رابلندنموده به‌مقام دومی رسید وسید محسن از تعلیم و تربیه بابلند نمودن ۱۶۲ کیلو گرام به‌مقام سومی رسید ، وزن ۷۵ کیلو گرام که‌کلاس‌پنجم میباشد حیات‌الله ازکلپ کابورا در حرکت دو ضرب جمعا۱۹۵ کیلو گرام را بلند نموده مقام قهرمانی رابه خودعنوان‌کرد. تاج‌محمدمدعی خوب و همیشگی این کلاس بابلند نمودن ۱۷۰ کیلو گرام‌جای دوم را گرفت و محمد حنیف از تعلیم و تربیه بابرداشتن ۱۶۰ کیلو گرام سوم شد . کلاس ششم وزن ۸۲ کیلوگرام محمد نادر از قوای مسلح با برداشتن هفده ونیم کیلو گرام در حرکت دو ضرب به مقام قهرمانی تکیه زد محمد حیدر چهره‌خوب‌تعلیم وتربیه بابرداشتن ۱۶۵ کیلو گرام و محمد رسول از تعلیم و تربیه بابلند نمودن ۱۴۵ کیلو گرام دوم و سوم شدند ودر وزن۹۰کیلو گرام قدرت الله چهره موفق این ورزش در حرکت دو ضرب بابرداشتن ۲۲۰ کیلو گرام از عنوان قهرمانی خودهوشیارانه دفاع کرد. درین وزن وبالاتر از آن میراجان از تعلیم وتربیه با بلندنمودن ۱۹۰ کیلو گرام در حرکت‌دوضرب نیز قهرمان گردید.

قرار تجویز ریاست عالی ورزش و کمیته

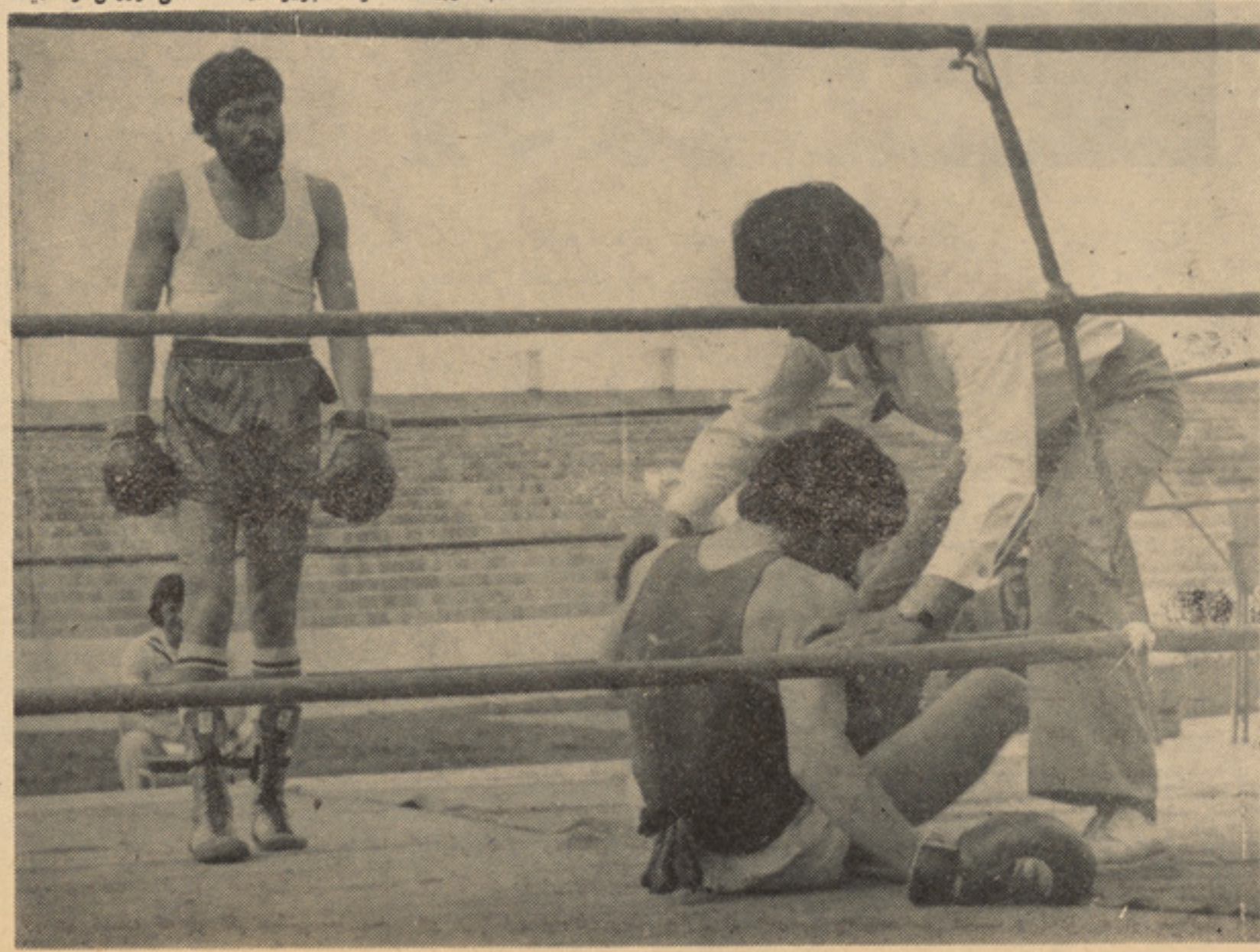

رستم کارمند بکسر جوان وبا استعداد که در روند اول حریف را از پا درآورد .

ملی المپیك از جمله تمام شرکت کنندگان صرف آنانیکه به مقام قهرمانی و در جه ها ی دوم و سوم قرار گرفتند به حیث اعضای تیم ملی شناخته شدند • که آنها تمرینات اساسی شانراطبق یك برنامه منظم تحت نظر ترینران ورزیده و آزمودهٔ این ورزش آغاز نمودند •

روز ۲۲ حمل برای ورزشکاران بوکس و تماشاگران علاقمندبه‌آن، روزنهایت خوب بود زیرا در آن روز باز هم ورزشکاران بعداز یك وقفه کوتاه روی رینگ مسا بقه با هم دیدو بازدید نمودند • درین دیدار های انبتخابی عدهٔ کثیری از تماشاگران نیز حضور به هم رسانیده بودند •

تعداد شرکت کنندگان که‌به اضافه ازیکصد ورزشکار میر سید در آن چهره های کاملا جوان تازه وارد روی رینگ مسابقات، و جوانان سابقه دار که ازدیر زمانیست به حیث مسابقه کننده در اکثراً مسابقات شر کت ورزیده دیده شدند . جوانان تازه وارد با تاکتیك و تخنیك خوب و عالی وانرژی بیشتر در کیفیت مسابقه افزوده بودند •

این مسابقات نسبت به دیدار های قبلی تفاوت زیاد داشت به این معنی که چهره ها بافدرت ونیرومندی خاص برای کسب عنوان های از دست رفته شان به روی رینگ تبارز نمودند وبا درخشندگی یکبار دیگر در بین قهرمانان عرض وجود کردند و در نتیجه‌نهایی پس از چند دور دیدار ها در وزن ۵۲ کیلو گرام نثار احمد قاری زاده از کلپ ورزشی قوای مسلح بر مقام قهرمانی تکیه زد احمد عمر چهره خوب وجوان این ورزش با تفاوت چند امتیاز جای دوم را اشغال کرد وی‌عضویت کلپ عمر شهید را دارد • صالح محمد عضو کلپ عمر شهید به درجه سومی قرار گرفت دروزن ۵۷ کیلو گرام از کلپ شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغا نستان ، محمدهارون از کلپ عمر شهید و محمد اسماعیل از کلپ دافغانستان بانك هر یك به مقامهای اول ـدوم وسوم قرار گرفتند در وزن ۶۰ کیلو گرام غلام ربانی از کلپ نساجی بگرامی جای اول را گرفت •خلیل احمد از کارتو گرافی دوم‌شد ومحمد سلیم به درجه سومی ماند • دروزن ۶۳ کیلو گرام‌محمدحسن و عبدالجلیل اعضای کلپ عمر شهید هریك اول ودوم شدند گرام الدین عضو کلپ اختری جای سوم را گرفت دروزن ۶۷ کیلو گرام رستم کارمند از کلپ تعلیم وتربیه با مهارت ودرخشندگی خا صی از عنوان قهرمانی خوددفاع‌کرد•میر عبدالحکیم از تعلیم وتربیه دوم شدو محمد صادق از کارتو گرافی به مقام سومی رسید• در وزن ۷۱ کیلو گرام عبدالحلیم از کلپ اتحاد جوانان به مقام قهرمانی رسیدو شهاب الدین از کلپ شهاب الدین و حیدر علی از کلپ اختری باالترتیب دوم وسوم شدند • دروزن ۷۰ کیلو گرام عزیز الله عزیزی بعداز یك شکست اش در مسابقات قبلی بوکس دوباره به عنوان قهرمانی خود رسید و غلام فاروق از کارتو گرافی دوم شد •

دروزن ۸۰کیلوگرام عبدالسمیع ازکلپ عمر شهید به مقام قهرمانی رسیدو سید کمال از کلپ عمر شهید جای دوم را اشغال کرد •

در شروع گزارش متذکر شدیم‌که مسابقات در رشته های فتبال هاکی ، وزنه برداری و بوکسنگ بود . مسابقات فتبال جام خیبر روز یکشنبه۱۷حمل درمیدانهای ورزشی انستیتوت پولی تخنیك پوهنتون کابل بابیانیه رئیس کمیته ملی المپیك گشایش یافت • درین مسابقات نزده تیم شرکت ورزیده که آنهابه سه‌گروپ الف،ب‌وج دسته‌بندی‌گردیدند چنانکه درگروپ الف تیم های آمو، کارگر، کلوپ ورزشی قوای‌مسلح ،پولتخنیك ، باختروولاله‌ها درگروپ ب تیم های اتفاق ، میوند ، بانك پامیر ، کابوراو هندو کش ودر گروپ ج تیم های پوهنتون کابل ، جیبیا نا ، ستور ، آریا ، اکادمی خارندوی، تعلیم وتربیه واتحاد شامل میباشد •

مسابقات روز پنجشنبه واردشانزدهمین روز خود رسید طبق برنامه مرتبه تمام تیم ها ی شرکت کننده در گروپ های شان در دوراول پنج الی شش مسابقه را انجام میدهند که‌در ختم دور اول‌از هرسه‌گروپ دوتیم که امتیازات بیشتر را نصیب شود به دور دوم مسابقات پیش میروند •

طوریکه جدول نتایج از شروع تا روز ۳۰ حمل بررسی شد در گروپ الف تیم کلوپ ورزشی قوای مسلح بیشتر ین امتیاز راداشت به این معنی که آن تیم با انجام دادن سه ـ مسابقه دوبرد ویك مساوی‌داشته در طول‌این سه مسابقه سه گول زده ویك گول خورده وپنج امتیاز را نصیب گردیده بود ،وتیم آمو با داشتن ٤ امتیاز از سه مسا بقه نصیب گردیده جا ی دوم را د ا شت . د ر گروپ دوم تیم هندوکش درسر خط جدول نتایج دیده مشد آن تیم سه بار باتیم های مقابل در گروپ شان دیدار نموده بایك برد ودو مساوی و داشتن ٤ امتیاز جای اول را اشغال نموده بود • تیم اتفاق درین گروپ جای دوم را داشت • در گروپ سوم در صدر جدول نتایج‌تیم فتبال‌اکادمی خارندوی باتفاوت قابل ملاحظه امتیازات قرار داشت این تیم با پایان دادن سه مسابقه دو برد و یك مساوی داشته پنج گول زده ودو گول خورده دارند • تیم جیبیانا با داشتن سه امتیاز جای دوم رادرین گروپ داشت •

تیم های‌شرکت‌کننده مسابقات شانرا جهت بدست آوردن جام خیبر تاچند روز دیگر ادامه خواهند داد که در ختم این دیدار ها گزارش دیگر پیرامون نتایج عمومی مسابقات برایتان تهیه خواهم کرد •

مترجم : «ع غیور»

انکشاف ورزشهای دومیدانی در بلغاریا

به اساس راپورها ئیکه در مورد انکشاف ورزشهای دو میدانی انتشار یافته است درطی سال (۱۹۸۰) دررشتهٔ‌بازیهای دومیدانی‌به‌تعداد (۳۳) ریکارد جدید قایم گردیده است •

یکی از دختران ورزشکار بلغاریا

ورزشکاران جمهوریت‌سوسیالیستی بلغاریا مانند سایر سپورت ها در رشته سپورت دو میدانی نیز موفقیت های چشم گیری بدست آورده اند • ورزشکاران آنکشور در طی سال جاری در بیش از (۱۹) ورزش اتلتیك ریکارد های جدیدی قایم کرده است • بر طبق همین گزارشات درسال (۱۹۸۰)ده‌نفر از ورزشکاران بلغاریا در مسابقات دویدن هشت صد متر و (۱۵۰۰) متر خوب درخشید • گذشته از آن ورزشکاران آنکشور در سپورت وزن برداری نیز موفقیت های شایانی را نصیب شده‌است در جمهوریت سوسیالیستی بلغاریا برای انکشاف هر چه بیشتر سپورت دو میدانی در شهر های صوفیه ، بور گاز ، تورنووا، گابورو ، پولیودیف ، وا رنا وامثال آن مراکز جدید تعلیمی وتربیوی گشایش یافته بطوریکه سلسله تمرینات بین ورزشکاران به صورت متواتر ادامه پیدا می‌نماید • ورزشکاران آنکشور پس از انجام موفقانه بازیهای‌میونیخ ومونتریال به این نتیجه رسید که تبادله ورزشکاران واشتراك تیم های ورزشی در مسابقات ملی و بین المللی در جهت انکشاف ورزش های دو میدانی واتل‌تیکی‌تاثیر بسزایی را دارا بوده است •

در حال حاضر مسابقات دو میدانی دررشته های‌مشت زنی، پینگ پانگ، تینس، والیبال دویدن ، آب بازی وزن برداری وپهلوانی در کلپهای سپورتی آنکشور بشدت جریان دارد •

مسابقات ورزش پهلوانی ،وزن برداری و دویدن در بلغاریا سابقه طولانی داشته است•

بقیه در صفحه ۳۸

تازه‌هایی از هفت اقلیم

ترجمه وتتبع : محمد نعیم (نیواد)

موترهای مارك، کاماز ، موترهای نسل جدید

درهریك از پلانهای پنج ساله اتحاد ـ شوروی پروژه های خیلی‌بزرگ‌وحیاتی صنعتی واقتصادی گنجانیده می شود که باتطبیق آن تغییرات بزرگی در ساحات مختلف‌زندگی‌مردم کشور رونما میگردد .

درپلان پنج ساله اول پروژه بزرگ گاز «نیپر ـ» در پلان پنج ساله دوم پروژه عظیم وحیاتی فابریکات تراکتور سازی‌ـستالین گراد ـبلاخره در پلان ده ساله ای اقتصادی که عنقریب خاتمه می یابد پروژه خیلی ـ عظیم صنعتی تولید موتر های مارك‌ـ کامـاز‌ـ در فابریکات کام میباشد این پروژه مهم صنعتی از جمله بزرگترین فابریکات تولیدی موتر ـ های باربری جهان است .

حالا میخواهیم بصورت مشخص در زمینه رول موترهای کاماز در حیات اقتصادی وصنعتی شوروی معلوماتی ارائه نما ئیم .

موتر های مارك کاماز برای کشور شوروی بر علاوه‌از دیگر ساحه های حیاتی دووظیفه خیلی مهم وحساس اقتصادی راانجام میدهد.

اول اینکه بصورت عموم موترهای‌ـ کاماز‌ـ توناژ خیلی بلند نسبت به تمام موترهای باربری قبلی شوروی دارد ومزیت دومی آن این است که موتر های کاماز با انجن دیزلی مجهز میباشد که از نظر اقتصاد منافع هنگفت رابه اقتصاد مملکت بارمی آورد ومواد سوخت قابل ملاحظ ای صرفه جوئی میشود وازطرف دیگر مسمومیت راکه در اثر سوخت بطرول محیط زیست به‌آن مواجه می‌شود تا اندازه قابل توجه پائین می آورد.

کارگران وانجنیران مربوط فابریکات‌کاماز‌ـ تعهد سپرده بودندکه تاشروع بیست وششمین کانگره‌حزب کمونیست اتحاد شوروی تولیدات خود را به ظرفیت نهائی آن برسانند.

کانگره نتائج کار پلانده ساله اخیررا بررسی کرده وامکانات همکاری های بیشتر را در زمینه تقسیم بین المللی کار وتولیدات صنعتی بین ممالك دارای سیستم های متفاوت سیاسی بررسی خواهد کرد. طوریکه واقع است اکثر کشور های اروپائی وامریکایی مانند اضلاع متحده امریکاـ جمهوریت اتحادی آلمان، ایتالیا، فرانسه، جاپان، هالند،بلجیم، سویدن. وازجمله‌ممالك‌سوسیالیستی‌جمهوریت دیموکراتیك آلمان،جمهوریت مردم مجارستان، جمهوریت پولیند بلغاریه، چکوسلواکیا ویو‌ـ

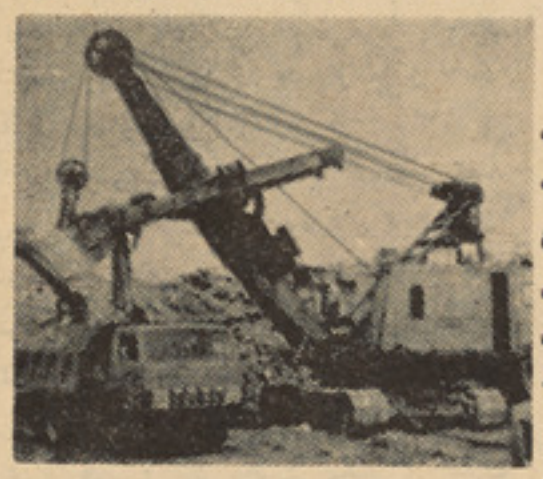

گوسیلاویا در ساختمان تاسیسات عظیم‌صنعتی کاماز‌ـ همکاری وتجهیزات ساخته کشور های شان رابرای سهیم شدن به این پروژه‌عظیم صنعتی جهانی که اهمیت مهمی در همکاری‌های صنعتی واقتصادی جهانی دارد فرستاده اند .

تجهیزات عصری ومدرن فابریکات‌ـ کاماز‌ـ تکنالوژی فوق العاده مدرن را مورد استفاده قرار داده که بااستفاده ازآن میتوان صرفه جوئی های بزرگی اقتصادی کرد. بطور مثال اکثر پروفیل های‌فلزی که‌در ساختمان قسمت های مختلف این موتر باربری از آن‌استفاده میشود دیزاین کننده گان نوآوری های‌نموده که بااستفاده ازآن عین پروفیل را میتوان در بلاك های متفاوت کاماز مورد استفاده قرار داد. وبدین ترتیب از ضایع شدن هزار ها تن فلزات مختلف به شکل مواد اضافه تولید جلوگیری شده است .

تاسیسات عظیم‌ـصنعتی‌کامازنه تنهاپروبلم‌های صنعتی خود راحل می نماید بلکه همکاری‌های همه جانبه خود را بادیگر فابریکات ومو ـ سسات صنعتی کشور هم ادامه میدهد.خصوصا تحقیقات دوامدار صورت گرفته تابه همکاری موسسات صنعتی داخلی بتواند از وارد شد ن مواد خارجی که برای تولیدات کاماز‌ـضروری بود جلوگیری کرده ومواد مشابه رادر داخل اتحاد شوروی تولید نماید. باعملی شدن این اقدامات مفید صرف درسال ۱۹۸۰ درحدود بیش از هشت ملیون روبل به اقتصاد ملـی مملکیت مفاد عاید گردیده است .

فابریکات موتر سازی کاماز‌ـ دریك‌منطقه کوچکی تاتا ریه نام ـ(تابریژنیخ چل‌ناخ)ـ ایالت کام موقعیت دارد اما این نوع پروژه های بزرگ صنعتی مانند کاماز‌ـ نه تنها در رشد سریع وهمه جانبه اقتصاد خود همـان منطقه تاثیر فوری دارد بلکه تاثیرات آن بـه مراتب عمومی ترووسیع تر باید محاسبه شود بطور مثال شعبات متعدداین پروژه‌بزرگ‌صنعتی که اهمیت بین المللی دارد درشهرهای مختلف درنزدگی تاتارویا در شهر های که به فواصل خیلی دورازان واقع است قرار دارد .

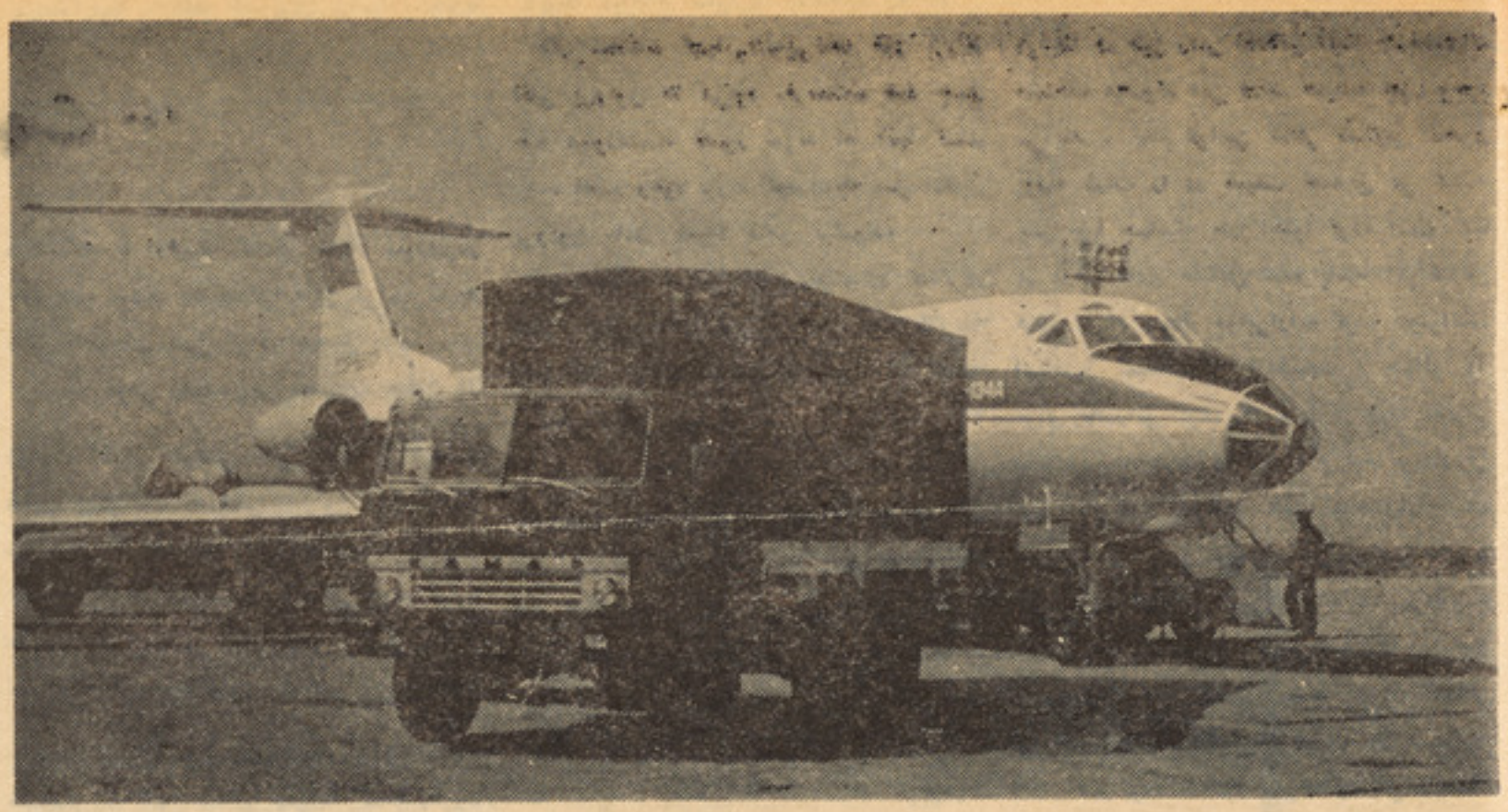

بطور مثال در شهر (بود یسوی) مربوطبیلی روسیه فابریکه تولید، (تقویه کننده اتوما ـ تیك ها یدرو لیکی) ـ در شهر(یارو سلاو) فابریکه تولید سستم های مختلف برای انجن های دیزلی در سایبریای شرقی فابریکـــه تولید سستم های مختلف برای‌تعبیه واستفاده از تراکتور رامی توان یاد آور شد بصورت عمومی در حدود بیش ازسه صد فابریکـه ودستگاه های مختلف صنعتی کشور همکاری های خیلی نزدیك بافابریکات‌ـ کاماز‌ـ دارند.

برای آنکه معاتولیدات فابریکات‌ـکاماز‌ـرا به خوبی معرفی کرد باشیم تذکر می دهیم که این فابریکات موترهای تیپ جدید یعنی موترهای ـ نسل دوم راکه تونژان به مراتب نسبت به موترهای باربری‌مشابهم آن بلندتر است وقابلیت استفاده را در ساحات اقتصادملی کشور دارا میباشد تولید می نماید .

مترجم : نورمحمدهمتااستاد در انستیتوت پولی تخنیك .

آیااضدادجهان حیه‌وجود دارند؟

باقبول قوانین فزیك،در مقا بل هرذرهٔ ابتدایی ضد ذره وجود دارد.

ما ضد ماده ؟

اگر ضد ماده وجود دارد، پس‌چه قسم درکجا ،وبکدام سویه ؟

به آن جهت جهان واقعی

ضد ذرات‌اولین‌مرتبه‌توسط فزیکدان‌انگلیسی «دیرك» بیشتراز ۵۰ سال قبل پیش گویی شده بود. معلوم شد که پوزیترون یکی از چنین ذرات است‌که‌درسال۱۹۳۲ درتجارب باشعاعات کیهانی کشف شد . پوزیترون در مقابل علما چون انعکاس آئینه وار الکترون قرار گرفت.

تجارب بعدی در سرعت‌دهنده ها اثبات کرد که در مقابل هر ذرهٔ ابتدایی واقعا ضد ذره‌نیز موجود است . علاوتا تجربه‌در سرعت دهنده عمدهٔ شهر «سیر پوخووه» مربوط مسکو اتحاد شوروی درسال ۱۹۷۰ امکان داد که حتی‌هستهٔ ضد هلیوم رادر یابند .

اما علمائیکه در پرابلم‌ضدجهان حیه‌مصروف بودند ،امثال چنین ذرات رادر یافت نکردند. زیرا ذرات مصنوعی ایجاد شده بودند . علم متکی به حصول آن از کیهان است .

عقیده بر آن بود که اگر در کیهان ضد ماده بشکل مایکرو سکوپی موجود باشد ، پس نفوذ آن درسیستم آفتابی از امکان بعید نیست به این ترتیب به اساس فرضیهٔ عالم اتحاد شوروی اکادمیسن «و.کانستان تینووه» ستاره های دنباله دار ویا حداقل بخشی از آنها در سیستم آفتابی از ساحات خیلی بعید کیهان نفوذ می‌کنند ، میتوانند از اضداد ماده تشکیل شده باشد . این‌فرضیه پرابلم متناظر کیهانی را ایجاد کرد که باید ثبوت می‌شد . خاصتا تشعشعات سیاراتیکه‌اززمین‌دیده‌میشوند جوابی به‌این مسئله «آیاسیارات ا ز مواد ویا ضد مواد متشکل اند یاخیر ؟» نمیدهند . ایجاب می‌کرد تاراه های دیگر ی تعقیب شوند ، علما به شعاعات کیهانی‌روی‌آوردند . مجموعه‌تجارب مغلق باشعاعات‌کیهانی‌که‌به استفاده ازتحقیقات کیهانی وبالون های‌هوایی صورت گرفت نشان داد که ضد ماده در نظام کیهانی ماازا بر۱۰۰ فیصدتعدادعمومی موادمعمولی تجاوزنمی کند.

این مسئله‌چه قسم ثبوت شد؟درانستیتوت تخنیك و فزیك لنین گراد دراوایل سالهای ۱۹۷۰ سپیکتر ومترمقناطیسی ساخته شد که این آله نه تنها ذرات‌رامشخص می‌ساخت بلکه آنها را ازضدذرات تمیزمیکرد، که‌خودمساله‌ای سادهٔ نیست . زیرادر طبقات بالای اتموسفیر ودر فضای کیهانی بعد کافی موانع دراین رو وجود دارد .

درجریان سالهای ۱۹۷۲ ـ ۱۹۷۷ سپیکتر ومتر بالون کیهانی را باترکیب دستگاه ثبت اسناد به سر حد اتو موسفیر به ارتفاع بلند انتقال داده آنجاده هاساعت معلق بود.ذراتی که از کیهان پرواز می‌کردند توسط دستگاه که از کیهان پرواز می‌کردند توسط دستگاه مربوط ثبت می‌شد . بعداز انجام پروگرام داده شده دستگاه توسط پراشوت به زمین پائین آورده شد که علمای تجربه کننده لنین گراد را وادار به مطالعهٔ صد هاهزار حوادث قیدشده دردستگاه نمود تا بالاخره امکان میسرشد که انتی پروتون (ضدپروتون)رادرشعاعات کیهانی کشف کنند .

اخبار این مطلب‌در کنفرانس فزیك شعاعات کیهانی سر تاسری اتحاد شوروی که‌در سال ۱۹۷۹ در مرکز ارمنستان اتحاد شوروی شهر «ایرلوان» دایر شده بود صورت‌گرفت . بعدا اشترالاکنندگان شانزدهمین‌کنفرانس بین‌المللی

لطفا ورق بزنید

به آن جهت ...

فزیك شعاعات کیهانی که در اگست سال ۱۹۷۹ در پایتخت قدیمی جاپان «کیوتا» دایر شده بودبه مطلب انتی پروتون آشنا شدند. گروپ زیادانتی‌پروتون‌کشف شده باانرژی۱۲الی ۵ملیارد الکترون ولت٪ (۰٫۰۶) از گروپ

پروتون های عادی ای کیهانی را تشکیل‌میدهند این انتی پروتون ها اولین انتی پروتون‌طبعی بودند که از انتی‌پروتون های‌کشف شده‌تجربه باسرعت دهنده تفریق می شدند.

بعداز چندین ماه خبرداده شد که فزیکدانان امریکایی در «یخناس»چنین تجربه ای‌را انجام دادند • یعنی به استفاده از بالون های کیهانی دستگاه مربوط رابه سرحداتو موسفیر بالا برده بعداز انجام وظیفه دوباره به‌سطح زمین پائین آورده شده گروپ انتی پروتون های قید شده دردستگاه با ارقامیکه علمای اتحاد شوروی‌در باره داده بودند مطابقت‌کردبه‌این ترتیب نتیجه حاصلهٔ علمای لنین گراد تصدیق شد.

نتیجه دومی وعمده این تحقیقات عبارت از

اهمیت زندگی طولانی انتی پروتون هااست مطلب اینجاست که انتی پروتون های حاصل شده بطریقه مصنوعی ازسرعت دهنده (دستگاه تجربه) تقریبا ۸۵ ساعت زندگی دارند شاید هم بتوانند زیاد تر زنده‌بمانند ، هنوز بررسی دقیق درباره وجود ندارد • حقایق قیدشده‌راجع

به انتی پروتون های تشعشعات کیهانی نشان میدهند که آنها حداقل میتوانند ده‌ها ملیون سال زنده بما نند. درباره اینکه آیا آنها فرستندگان ضد جهان حیه‌اند یاخیر ؟ چیزی نمیتوان اظهار نمود •

اگر شعاعات کیهانی‌دارایی‌تخته های بزرگ انتی پروتون ها می‌بود ،فرستنده ضد جهان حیه میتوانستند تصور شوند اما آنها کم اند ، آنقدر وجود دارند که‌درنتیجه عمل متقابل پروتون عادی بامواد ظاهر میشوند.

این مطلب اساس ادعای‌رامیگذارد که‌اگردر نظام شمسی ماانتی پروتون وجود دارد طوریکه قبلا تذکار یافت مساوی به ۱بر ۱۰۰ فیصد مقداری عمومی مواد است •

این امر بیشتر به فزیك ستاره شناسی نیوترون ارتباط می‌گیرد. طوریکه معلوم است نیو ترون خا صیت قوه تحفظ عالی راداراست این ذرات یعنی نیوترون از مواد باضخامت زیاد باحفظ تمام خصوصیات مربوط بخود میتوانند عبور کنند با حصول چین ذرات که‌در مسیر کیهانی چندین‌ملیون سال زندگی‌می‌کنند علما معلومات بیشتروهمه‌جانبهٔدربارهٔ موجودیت ضد جهان حیه میتوانند ارایه کنند •

مساله دلچسپ دیگر اینکه: اگردرسرعت دهندهٔ زمینی (دستگاه تجربه) ذرات بوجود می‌آیند در عین زمان انعکاس آئینه وارضدذرات مشاهده میشوند این ذرات همیشه جوره‌بوجود می‌آیند ، تمام قوانین تناظر مساوی الحقوق بودند ذرات را در طبیعت تصدیق می کنند. پس چرا جهانیکه مارا احتوا کرده است تنها از ذرات عادی تشکیل شده باشد ؟فزیکدانان هنوز به این‌سوال جوابی‌ارایه کرده نمیتوانند، آنهاهنوز نمیدانندکه چراطبیعت ، جهانی را برای ماارزانی کرده که تنها از مواد معمولی تشکیل شده است ونه‌ازمواد و ضد مواد؟درین باره نظریات وفرضیه های متعددی‌ارایه‌شده است • زیاده از صدسال قبل ریاضی دان و نویسنده «لیویس کیرول»قصهٔدلچسپ (الیسه در آئینه) را نوشت • آخر اضدا د جهان‌حیه درپشت آئینه و جهان است‌که در آن انعکاس می‌یابد که‌نظربه‌احکام‌قوانین‌فزیکی از اشیائیکه مارا احتواکرده اند به هیچ‌خصوصیتی‌تمیزشده نمیتوانند •اما علم امکان آنرا پیدا می‌کند که از پشت آئینه و جهان در عمق جهان حیه پیش برود ؟؟

بقیه صفحه ۳۵

انکشاف ورزشها

طوریکه در راپور هاتذ کار رفته نخستین مسابقات پهلوانی در شروع قرن نزدهم در شهر پولیدیف آغاز گردیده وسپس دامنه‌آن به سایر حصص آنکشور وسعت یافته است. پهلوانان یونان قدیم گفته اندکه ورزشکاران بلغاریا در رشته ورزش کشتی گیری مهارت تام دارند • کشتی گیران ترکیه در عصر امپراطوری عثمانیه نیز اعتراف کرده که یورش پهلوانان بلغاریا در حوزه بالقان شهرت خاص داشته است •

فدراسیون ورزشهای دو میدانی بلغاریا درسال (۱۹۶۲) یعنی دوسال قبل از شروع مسابقات المپیك در مونتریال واقع در کانادا چندین کلپ سپورت پهلوانی ووزنه برداری را افتتاح نمود ، گرچه در شروع مشکلات بزرگی در جهت جذب تعداد کلپ ها موجود بود معذالك در او اخر سال (۱۹۶۳) پس از باز گشت تیم وزن برداری آنکشور از بلگراد تمام معضلات حل وفصل گردید •

دو تحول عمده وبزرگی که اکنون دررشته های ورزش دومیدانی درآنکشوررونماگردیده همانا بکاربردن طریقه‌های جدید جمناستیك در سپورت دو میدانی و «سپار کاتیاد» است.

درسال (۱۹۷۹ تیم های ورزشی بلغاریا دربیش ازپانزده پروگرام جنما ستیك و «سپار کاتیاد» اشتراك کرده بطوریکه بیش از نصف آن در کشور های حوزه بالقان و کشور های سوسیالیستی انجام پذیرفته‌است.

در طی سالهای (۱۹۶۴ـ ۱۹۷۹) درمسابقات توکیو، مکسیکو، میونیخ ومونتریال بیش‌از ۵۶۰ امتیاز بدست آورده است باز هم معیار امتیازات آنها در مسابقات المپیك سال(۱۹۸۰) چشم گیر بوده است • به عقیده دوشیزه (ت، پتروا) که در مسابقات دویدن یکهزارو پنجصد متری المپیك مونتریال به گرفتن جایزه طلایی موفق گردید یکی از عوامل عمده وبزرگ پیروزی و موفقیت ورزشکاران بلغاریا در سپورت های دو میدانی‌همانا دوام تمرینات در داخل کشورو اشتراك در مسابقات ملی‌و بین المللی می‌باشد • برطبق پروتو کول هائیکه درمورد انجام مسابقات ورزشی بین کشور های اتحاد شوروی وبلغاریا باامضا رسیده در طی هرسال بیش از دوازده مسابقه دومیدانی به اشتراك ورزشکاران هردو کشور در مسکوو صوفیه صورت میگیرد • توقع میرود تا ختم سال (۱۹۸۱) تیم های ورزشی آنکشور دربیش از ده مسابقه جهانی درقارهٔ های آسیا ، افریقا وامریکا لاتین بعمل آید •

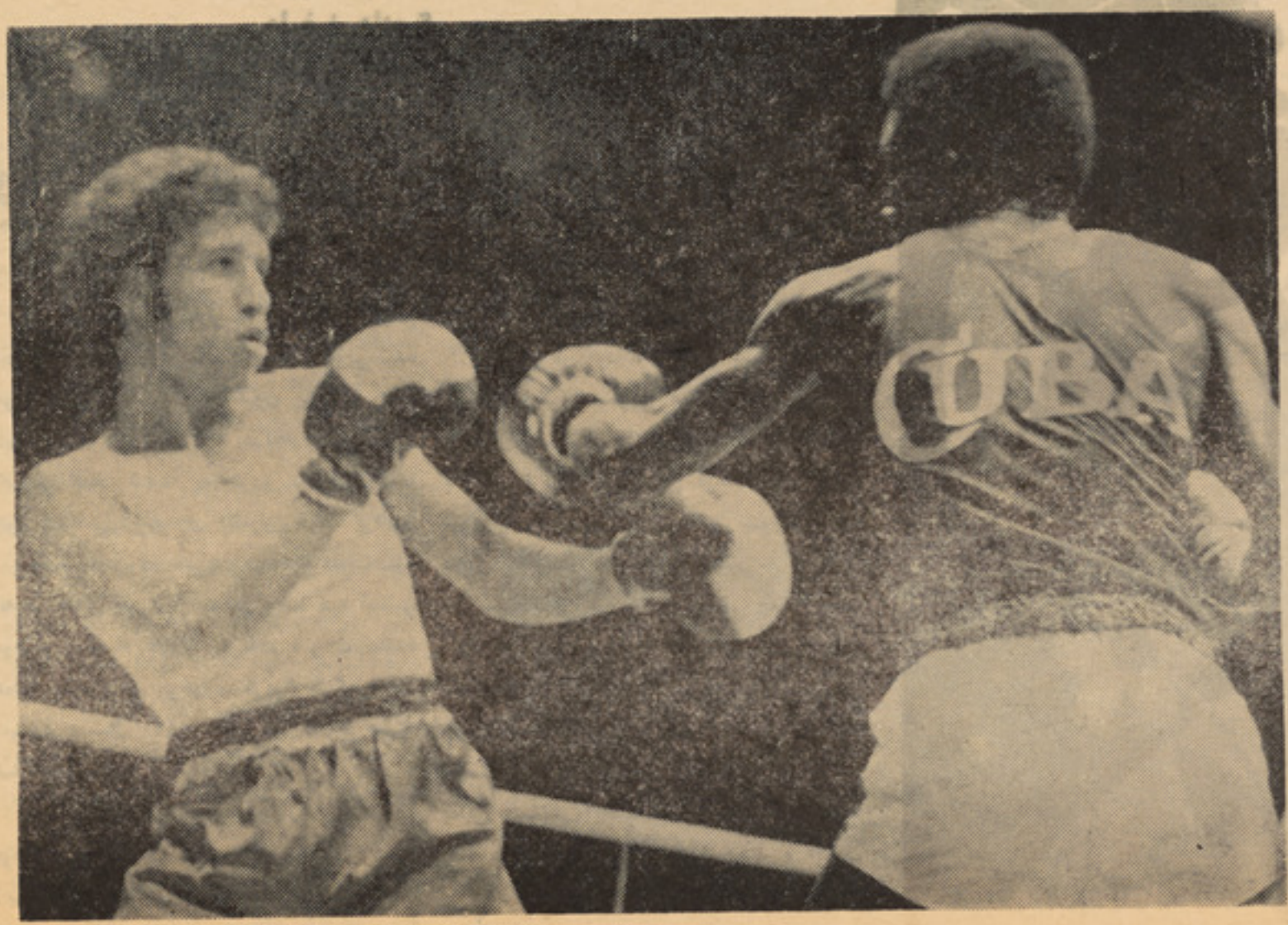

گوشه ای از مسابقات ورزش مشت زنی بین کیوبا وبلغاریا •

پیوسته بگذشته

تکانه

((اگر راست برایت بگویم هنوز هم فکر می‌کنم که مادشمنان عمری هستیم . باآنهم باتو د ست می‌دهم وامیدوارم که تو با و جود ا وامر اکید روزی به یك مو جود ا نسانی بدل شوی .)) آنجا را ترك گفتم . ریازنتسیف مرا د نبال کرد. وقتیکه در حویلی با او ایستاده بودم حس کردم که اشك به دور چشما نش حلقه زد .

پرسید :

((استیپان پتر ویچ ، در شهر تاکی خوا هید ماند ؟))

((ممکن باز سری به ما بز نید خوب می شود . با و جود این‌کاری که داری ، آ دم با اطمینان به نظر می رسی))

((ببخشید من او راآزار دادم...))

((خوب گذشت .))

((چیزی است که من می خواهم آن رابدانم . شما کلمات آدم سر به هوا را بکار بر دید . یعنی ا و متعلق به همین گو نه مردم هست))

((باشد. یانباشد . آنچه مهم است این می باشد که وی متعلق‌به آن گروه مردمان هست که تو غرور شان را در هم کو بیده یی واوهرگز در برابر هیچ نیرویی سر فرود نیاورده هست .))

آنجا را ترك گفتم .

بخش پنجم

از آن پس ، به زودی او جهان‌را پدرود گفت . به جنازه اش شرکت نداشتم ز یرا در ما موریت پو لیس مصروف بودم . فقط پس فر دای‌آن، توانستم تا ر یا زنتسیف‌راببینم .

وضع بدی داشت .

او آدم قد بلند ، با چهره جد ی بود . در گذشته با من بر خورد پر از محبت داشت ولی آن بار مثلیکه گیج شده باشد . دستم را گر فت که تکان بد هد و لی به زودی‌آنرا رها کرد و در حالیکه دور می شد گفت :

((از دیدنت بدم می آید . بهتر است دور شوی، دور !))

سرش به سینه خم شد و رفت.

دو باره به ما موریت بر گشتم تابا چیزی معده‌ام را پر کنم ، ز یرا بیش از دو روز بود که غذای‌سیر نخورده بودم . ازان روز به بعد ، غم‌واندوه مانند خوره تنم‌را می‌خورد .

روز بعد سر ما مور پو لیس مرا صدا کرد :

((حالا می توانی بروی ، مکتوب هایت آمده است .))

دریکی از این مکتوب ها ، ا مر شده بود که د ختر را باید به‌تبعید گاه های دور تر ببرم .

بسیار ناوقت !

خدا بر او رحم کرده بود ووی را نزد خودش خواسته بود !

... صبر کن این پا یان داستان نیست . در راه باز گشت، ما به یك ایستگاه میانه راه توقف کردیم.

وقتیکه وارد اتاق شدیم ، سما واری روی میز می جوشید . ازسروسامان اتاق معلوم میشد ، که زن پیر با سلیقه یی در آنجا موظف ا ست . خودش پیدا شد . او زن با ر یك، نظیف و ساده بود و سعی می کرد با هرکس رو یه خو ش دا شته باشد ، و بقچه د لش نزد هر کس باز بود .

او یکرنگ قصه ز ند گیش را می‌گفت :

((ببین من خانه میراثی ر ا فروختم . کالا مالایم را جمع کر دم وحالا به سوی خانه کبو تر کوچکم روان هستم . از دیدن من چقدر حیران خوا هد ماند !

اگر راست بگویم از خوشی غش خواهد کرد . ممکن است مرا ملامت کند و لی با دیدنم همه چیز یا دش خواهد رفت . او از قهر ز یاد برایم نامه نوشت و دران گفت که هر گز پیشش نروم .))

مثل اینکه کسی به پهلویم‌ضربهٔ زده باشد . من با عجله به آ شپز-خانه رفتم از پا دو آ شپز خا نه پرسیدم : ((این زن کیست ؟))

((کی بوده می تواند غیر ما در همان دختری که تو به تبعید گاه بردی !))

این کلمات در قلبم زخم زد . از چهره‌ام فهمیده می شد که چه تکان ناگهانی خورده ام .

پادو پرسید :

((عسکر ، چه شده است !))

گفتم :

((چپ باش ! سر و صدا نکن . دخترك مرده است .))

ودخترك پادو که بار ها شا هد چنین حوادث اندوه بار بود، این‌بار ناخود آگاه دست هایش را به هم کوبید ، چیغ زد و دویده بیرون برآمد . کلاه‌ام را بر داشتم وبیرون شدم . پیر زن هنوز هم با سرورو شادی گپ می زد و صدایش در گوشم طنین می انداخت . گفته‌نمی-توانم که چقدر د لم برای پیر زن سوخت و درد کرد .

باگیچی به راه افتادم و بسیار بعد ایوانف با گادی به من ر سید وبه آن سوار شدم .

بخش ششم

... قصه همینطور بو د سپس سرمامور جریان د یدنم را از خانه تبعیدی به بالا گزارش داد ودگرمنی که در کوسترو ما موظف‌بود به مقام های بالایی . این گزارش‌ها به‌بالا بالا ها ر فت و در نتیجه من‌ازترفیع ماندم . اگر راست بگویم من هرگز از آنچه انجام دادم ، باآنکه‌ازترفیع ماندم ، پشیمان نیستم .

باگذشت مدتهای زیاد ، هنوز خاطره این دختر جوان از دفترذهنم بیرون نر فته است .

همین حالا که گپ‌می زنم او در برابر دیدگانم قرار دارد .

این چه معنی دارد ! کی می تواند آن‌را توضیح بد هد !

((آقا ، خواب نرفتی !))

خواب نبودم ... اندوه‌کلبه کوچك درانبوه جنگل فرو رفت و تصو یر غم آلود دختر مرده دردل تاریکی وفریاد زوزوه تو فان، جان‌گرفت...

یاد داشت :

این دا ستان در مارچ ۱۹۸۰ وقتیکه کورلنکو در زندان مو قتی ویشنی- ولو چك منتظر حر کت به تبعید گا هش در سا یبریا بود، نوشته شده است : این قصه‌رایکی از ژاندارم هاییکه وی را در همین سال در زندان بریوژوسکی‌پوچنکی به ویا تکا می‌برد ، نقل کرده است. چهرهٔ دختر تبعیدی از روی سیمای اویلنا یو لمیانوسکایا که و یرا کورلنکو در تبعید گاه ملاقات نموده است ، تصویر شده است .

پایان

از شگفتی های رنگارنگ جهان

دستور یونیسف در مورد معیوبیت اطفال

یونیسف برنا مه گسترده‌ایرا در باره جلو گیری از معیو بیت ها واحیای معیو بیت های اطفال براه انداخته است . این برنامه‌برمطالعه ایکه توسط (کمیته بین المللی‌احیا) که یك سازما ن غیر دو لتی و در مسایل معیو بین و معاونت تخنیکی در فعالیت های یونیسف در این ساحه تخصص دارد ، تهیه نموده بنا شده است .

در عین حا لیکه از اهدا ف کلی (سال بین المللی اشخاص معیوب) حمایت میشود در فعا لیت های یونیسف تو جه خا صی به نیاز مندی های اطفال معیو ب و خانواده های شان مبذول خواهد داشت . سترا تیژی عملی‌جلو گیری ازمعیو ب شدن اطفال، یا کا هش از تاثیر آن ، که از طرف هیئا ت اجرایوی یونیسف‌مورد تصویب‌قرار گرفته ، میتواند برای کشور ها جهت بهبود استعداد ملی شان در راه جلو گیری و مدا وای معیو بیت اطفال خطوط عمده رهنما یی قرار بگیرد . این دستور العمل امکا نات جدیدی برای همکار ی با کشورهای رو به انکشاف را از طریق‌یونیسف و ساز ما ن های علاقمند در داخل چوکات خد مات صحی اولیه و سایر خدمات جمعیت بو جود میاورد .

دستور العمل جدید نا شی از حقایق ذیل است :

۱ـ جلو گیری از معیو بیت های مدهش ملیو ن ها طفل ممکن بود .

۲ـ اطفا لیکه با نقص های جسمانی ، ذهنی ، عصبی، مصاب اند غالبا از تو جه اساسی‌وانگیزشی که همه اطفال در راه رشدوانکشاف خود به آن نیاز دارند محرومند .

۳ـ انقطاع پرو سه عادی انکشاف طفل ممکن است صد مه مد هشتری را نظر به آنچه معیوبیت بتنها یی مو جب میگردید برای‌طفل بار آورد .

٤ـ عوامل عمده صد مه ها ومعیوبیت ها عبار تند از غذای نا کافی ، مشکلات در مو قع تولد، بیماری های قابل جلو گیری، تصادمات و آلود گی میباشد که‌مخصوصا اشخاص بی بضاعت و آنانی‌که بخد مات بشری کمتر د ستر سی دارند به آن موا جه میگردد .

٥ـ بدنیا آمدن طفل نا قص‌یا وقوع معیو بیت میتواند بر تمام خانواده بار بیشتری تحمیل نماید. این مو ضوع میتواند استعداد خانواده را برای زندگی اقتصادی کاهش دهد و ممکن است آنرا در گرداب فقر غوطه ور سازد .

٦ـ صرف گاه گا هی برنا مه های بهبود زندگی کود کان‌وخانواده های شان از نگاه صحت ، تغذ ی، آمو زش اساسی، رهنمای خانواده و بهبود اجتماعی نقش ارزنده‌شانرا در جلو گیری و کا هش معیو بیت ایفا نماید .

۷ـ بصورت عموم در حصه مو جبات اساسی معیو بیت ، جلوگیری ازان وامکانات احیای آ ن بی خبری حکمفر ما ست که در نتیجه آن خانواده ها و جوامع در سراسر جهان بی جهت اطفال خود رامعیوب ونا قص میگر دانند .

درباره مطبوعات جهان چه‌میدانید؟

قرار معلوماتی که نشریه رسمی «یونسکو» (سازمان فرهنگی وعلمی ملل متحد) انتشار داده است روزانه در سراسر جهان دوصد شصت میلیون نسخه روزنامه طبع‌ونشر میشود .

که برای هرده هزار نفر مردم دنیا نودو دو شماره روزنامه نشر میشود .

مجموع روزنامه هاسراسر دنیاسی هزاراست ودر تمام جهان هشت هزار روزنامه‌یومیه‌انتشار می‌یابد .

همچنان غیراز روزنامه ها، روزانه دوصد میلیون نسخه مجله در دنیا طبع ونشرمیگردد.

تعداد مجلات برای هر ده هزار نفر هفتادوپنج شماره میباشد . تنهادر امریکا هشت هزارو پنجصد ودوازده روزنامه یومیه و مجلات‌هفتگی وماهانه در حال انتشار است .

تهیه‌وترتیب محمد فاروق «اسیر»

درازترین ناخن جهان

افتخار داشتن رکورد بلند ترین ناخن دنیا نصیب «موراری ادیتیا»از اهالی کلکته هند و ستان شده است

موراری طی ۱۲سال موفق‌شدناخن های دست چپ خود را تا ۱٦٥ سانتی متر بلند کند دست چپ موراری طی ۱۲سال یکدفعه‌هم کار نکرده است .

ستراتیژی جدید

جهت مسا عی برای بهبود وضع مو جوده برنا مه جدید خواستار چندین سطح اقدام‌همزمان بوده که عبارتند از :

۱ـ توسعه همه برنا مه های جاریه صحی ،تغذی، آموزشی‌ورفاه اجتماعی برای اطفال وخانواده های شان در راه جلو گیری از صدمه ، مراقبت از معیو بیت ها قبل ازوقوع آن و مدا وا واحیای مجدد .

۲ـ تاکید بر نیاز مندی های همه کودکا ن ،نه تنها طفل معیوب، تا آنکه رشد هر کودك تا حد ممکن شکل عادی داشته باشد .

۳ـ تقویت دانش و توانایی هر خانواده و اجتماع در امر جلوگیری از معیو بیت و کمك با آ ن کودکانی که معیوب گردیده اند .

عشق چیست

گلن ودیو ید زن و شو هر روان‌شناس از نظر ارتباط بین شکل ظاهر و عاشق شدن نیز آ ماری جمع کردند برطبق ا ین‌آمار مردانیکه دارای قد بلند، شکل کوچك اندکی لاغر و چشم وابروی جذاب هستند بیشتر مورد شکار د ختر ها قرار می گیرند این مرد ها از نظر هوش ذکاوت و شخصیت‌کمتر مورد آزمایش دختر واقع می شوند و آنند برسر راه آ نها دام عاشقانه گسترده می‌شود در حالیکه مرد های عضله‌ای از این بابت به مشکلات بیشتری مواجه می شوند وباید ثابت کنند که افراد هو شمند و با ذکاوت هستند ز یرا ورزشکا ر بود ن و عضله‌ای بودن برای هر دختر ی جذ ا ب و عاشقانه نیست .

در مقابل زنی که دارای پستان های‌بزرگ است بیشتر به جلب نظر مردی می پردازد که سگرت می کشد مجله های زنانه ز یاد می‌خواند و رزشکار است مرتبا قرار ملاقات می‌گذارد . در مقابل د ختری که پستانهای صاف دارد سعی در جلب نظر مردی دا ر د که دارای تما یلات مذهبی است و تاحدودی مطیع وسر بزیر است .

در گزا رش عشق این دو روان شناس حرفهای عجیب و غریبی هم آمده است مثلا نوشته‌اند :

دختری که چا ق است و با سن بزر گ دارد در آرزوی شوهری ا ست که بتواند جذبه و قدرت حا کمیت داشته و به و ی دستور بد هدو در مقابل دختری‌که باسن‌کوچك واندام بازیك دارد خوا هان مردی است که خصلت و عادت امر کردن را نداشته باشد بلکه بکارش عشق بورزد جدی و پول درآور باشد و در روابط بازنها خلق و خوی دمو - کراتیك داشته باشد .

در گزارش عشق تاکید شده : د خترخوش هیکل به جستجوی مردی می پردازد که عاشق پیشر فت و تر قیات ا ست وتمایل به کسب قدرت های سیاسی و ا جتماعی دا ر د .

غدد شیمایی بدن ونحوه اندازه ترشحات آنها نیز در پیدایش عشق بین یك پسر و دختر تاثیر دارند یك پسر یا یك د ختر تحصیل کرده و تر بیت شده تصور می - کند اراده شان بدست خود شان ا ست . در حالی که این ادعا صد در صد د ر ست نیست و مواد نظیر هورمون ها مخصو صا هورمونی بنام ((تستو سترون)) در مردهادر عاشق پیشگی آ نها تاثیر به سزا دا رد و بسیاری از مرد ها زشت و کم‌پول هستند که به علت ترشح فوق العاده هور مون های جنسی می باشد .

اگر چه اطلاعات ما از طرز عمل و تا ثیر این هورمون در بدن مرد خیلی ز یادنیست ولی این را میدانیم که ((تستو سترون)) موجب تحریك جنسی مرد می گردد و لـی نقش مهم تر و عجیب تر آن اینست‌که مرد را برای زن خواستنی تر می کند خواه‌زشت باشد یازیبا ا ما اینکار به چه صو ر تی انجام می پذیرد هنو ز بر ما کـا ملا روشن نیست که‌یك عقیده ز یست‌شناسی بر این است کـه هیپنو تیزه افسون میکند وبه همین جهت در مقابل مردی که ایـن کشش را دارد چه زشت ، چه زیبا ، گا هی قدرت مقا و مت را ازدست میدهند .

در آز مایشی که‌روی میمون ها شده‌است معلوم گردیده که از د یاد هورمون ستستو وسترون میمون نر مو جب جلب غیر ارادی میمون ماده به سوی او می گردد و در مقابل وقتی از طریق جراحی غدد مو له تستو و سترون میمون نـر از بدن او خارج میگر دد دیگر هیچ میمون ماده‌ای به او اعتنائی‌ندارد. پس غده مذبور ب ه‌طور اسرار آمیزی موجب ایجاد کشش نامرئی بین نر وماده میشود .

یکی دیگر از مواد شیمیائی مو ثر در عشق وعاشقی ((فر مون)) است که انـو ع مختلـف دارد و سبـب بوی بـدن می باشد. فرمون در مرد و زن و یا در تمام حیوانا ت نروماده تولید می‌گردد واینك ثابت شـده است که بوی ناشی از آن در به هیجـان آوردن جنس مخالف در انسان نقش فوق - العاده موثری دارد .

البته کشف تاثیر فرو مون در نسا نی‌که دارای شامه بسیار قوی نیست و د نیا ی خارج را بیشتر از راه چشم درك می کند کار مشکلی است با و جود این ثابت شده است که زن ها بر خی بو هارا بهتر از مرد هادرك می کنند وخیلی اززن ها معتقد انـد که بوی بدن مرد مخصو صا بوی ز یر بغل کاملا تمیز و شسته شده مرد برای شان یك بوی بسیارمطبوع و احساسات بر انگیز است دراین جا نیز میزان حساسیت شامه ز ن وسلیقه او را در نوع بو تعین کننده‌میزان علاقه‌ای که نسبت به یك مر د پیدا می کنند ویا لااقل در پیدایش این علاقه نقشی دارد. به همین جهت است که اخیرا عطر هائی در پاریس سا خته اند که بوی طبیعی بدن از آنها به مشام میرسد .

در گزارش عشق هم چنین ذکر شده‌است. عشق یك حادثه اسرار آ میز ا ست که در افراد مختلف حالات واثرات گو نا گو ن دارد و غلط است اگر بخوا هیم در بـا ره آنهابه طورکلی حرف بزنیم هر عشقـی یك رنگ و بوئی دارد و این مر بوط به حـالات روانی طرز ترشح غدد بدنها وامواج نا مرئی است کـه بین عاشق و معشوق رد و بدل می شود بعضی از مرد ها و بعضی از زنها هستند که بدون آ نکه از زیبائی خارق - العاده بهره مند شده باشند و یاشیك پوش- ترین و با سلیقه ترین مو جو دات با شند. مع‌الوصف به هر جا که قدم بگذا ر نـد چشم و نگاه جماعتی را به سوی خود می- کشانند و لبخند و تبسم دو ستانه بد ر قه راه آنها می شود . این زن ومرد ها را در روانشناسی ((قطب جا ذبه)) می خوا نند واکنون ثابت شده که این جما عت ازلحاظ کیفیت جنسی و رفتار جنسی ، از نوع‌خاص وجنس بر تر هستند و بدون آ نکه خودشان تظاهر کنند این بر تری و جذبه در نگا ه ورفتار آ نها ظا هر میشود و جلب تو جـه می کند .

بقیه صفحه ۱۹

اعتیاد باادویه‌مخدره...

حیات شان باستعمال ماری جوانا مـبادرت

افراد باین ادویه خطر ناك صورت می گیردو علل اصلی اعتیاد بادویه مخدره که عبـارت از فقر ، غربت و لگردی ، بیکاری ، فحشـاء وغیره است از جامعه ریشه کن شده وجوانان

میتوانند با اطمینان در مورد داشتن شغـل وکار در آینده از هر فرصت در تا مین اهداف مفید انسانـی خو یش استفاده کنند . و از تسهیلات گوناگون مستفید گردند .

یك فکتور مهم دیگر در زمینه عبـارت از تمرکز صنایع ، ادویه سـازی و دواخانه ها در دست دو لت است که به مو جـب آن تعمیم و مقدار تو لید ادویه مخدره‌محدود به نیاز مندی های طبی و علمی بوده و خرید و فروش آن ها نیز بر اساس تجویزدکتوران صورت گر فته و جدا کنترو ل می شـود

اتحاد شوروی در همکاری مثمر با موسسـه صحی جهان علیه تعمیم ادویه مخدره مبا رزه می کنند . متخصصین اتحاد شوروی در گروپ های اکسپرت و مشورتی در زمینه فعالیت دارند و هم اتحاد شوروی در جمیع سیمینار های که توسط موسسه صحـی جهـان باین منظور تنظیم می شود سهم می گیرد .

چنانچه درسال هـای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ تحت پروگرام مؤسسه صحی جهان سیمینار هایی در مورد کنترول ادویه مخدره و جلو گیر ی

از استفاده تر کیبی این ادویه در مسکـو و جمهوریت های آسیای مرکزی اتحادشوروی

این امر به پیمانه بزرگ مر هـون شرایط مساعد اجتماعی یی است که بـا

تاسیس اولین دولت بزرگ کارگری جهـان و پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر میسر شـده است .

با ارتباط به مؤثریت اقدا مات علیـه

تعمیم ادویه مخدره باید گفت هر جا کـه

کوشش جدی و هم آهنگ به سویه بین‌المللی در زمینه صورت گر فته و کشور هـا ی

مختلف به تعهدات خود پابند بوده اند نتایج خو بی ازاین اقدامات بدست آمـده

البته کمیسیون ادویه‌مخدره شورای‌اقتصادی واجتماعی ملل متحداوضاع را براساس‌معلومات رسمی که توسط ادارات حکومت راپور داده‌شد مطالعه نموده وتدابیر مشترك اتخاذ میکند

معلومات باارزش نیز توسط انترپول در زمینه تهیه شده است .

نتایج و تحقیقات کمیسیون نشان میدهدکه تجارت غیر قانونی ادویه مخدره اخیراً در اکثر

کشور های غربی توسعه یافته قاچاق بران از تکتیك های ماهرانه درمورد استفاده‌میکنند.

اتحاد شوروی مهمترین کنوانسیون هـای مربوط به کنترول برادویه مخدره را امضاء و تصویب کرده‌است . این کشور یك سهم فعال را در امور کمیسیون ادویه مخدره ایفا نموده ، پیشنهادات متعدد ، لوایـح وفیصله نامه های مهم در زمینه ارایه کرده‌است .

طور مثال این کشور پیشنهادات سود - مند در مورد کنترول جدی تنوع ادویـه مخدره و منع تو لید هروئین و استعمـال

آن به مرجع مربوط ملل متحد پیش کـرده که مورد قبول وتصویب نیز واقع شده است

ولی متاسفانه با تر میما تی که بنا بـر اصرار کشور های غر بی و اساسا ایالات متحـده امریکا در زمینه این پیشنهادات بعمل آمـد مشکلاتی در راه تطبیق فیصله های مذ کور

ایجاد شد . معهذا طور عمومی اتحاد شوروی قادر شد که با ارایه پیشنهادات خود در مورد مبارزه علیه ادویه مخدره به نتا یج مثبـت

معینی نایل آید و باینو سیله گام هـای بیشتری درراه مبارزه علیه تعمیم ادویه مخدره برداشته شود .

طوفان برف

پیوسته بگذشته

در یك دقیقه تمام جاده از برف پوشیده شد . اطرا ف در یك‌ظلمت زرد رنگ تیره مستور گر دید که از خلال آن پاغنده های بر ف بـه عجله پایین می آمدند و گویا آسمان خودرا بازمین یکجا ذوب نموده بود

«ولادیمیر» از جاده منحـر ف گردید ونا امیدانه کوشش می کرد آن را دوباره بیا بد . اسپ بصورت تصادفی وبدو ن هد ف پیش میرفت و در هر ثانیه یابا وزش دانه هـای برف مصاد فمی شد ویا درگودال های پربرف فرومی رفت. کا لسکه برفی در هر دقیقه بدیگر رو می‌شد و«ولادیمیر» کوشش میکرد تاسمت اصلـــی را بگلـــی کـــم نکند . اما نیم سا عت گذ شت و او هنوز به جنگل کوچك «شادرینو» نرسیده بود . ده دقیقهٔ دیگر نیـز گذشت ولی از جنگل هنوز اثر ی پدیدار نگردید .

«ولادیمیر ، با گادی خود با لا ی یك مزرعه پیش میر فت که ذریعهٔ گودال های عمیق پر بر ف قطع‌شده بود.طوفان بر ف از شد ت خـــود نکاست وآسما ن رو شن نگر دید. اسپ روبه خستگی میر فت وخودش باوجودی که هر لحظه تاکمردربرف فرو میرفت از تمام بدنش عـر ق سرازیر شده‌بود .

بالاخره فهمید که کا لسکه را به سمت غلط را نده است . آنو قـت «ولادیمیر» تو قف کرد و کوشش نمود فکر کند و خواس خود راجمع نماید وبیا د بیاورد وبـــا لا خره به این نظریه رسید که به سمـــت راست برگردد . آنوقت به طر ف راست به راه پیمایی آغاز کـــرد . اسپ خسته شده وبه زحمت قادر به پیشروی بود . زیاده ازیك‌ساعت بود که اوراه می پیمود ،«شادرینو» باید دور نمی‌بود، امـا او پیش‌میر فت وپیش میرفت وسطح مزارع به آخر نمیر سید . همواره در اثر وزش باد و بارید ن بر ف و ضمنا گودال های عمیق ، کالسکه کو چك بدیگر رو می شد واو در باره‌آن‌را سر جایش بلند می کرد . لحظـــات سپر ی می‌شد و«ولادیمیر» جـــدا شروع به تشو یش ونارا حتی‌کرد.

آنوقت به یك سمت خود چیز تاریکی را مشاهده نموده و به‌همان سمت راند . هنگا می که نزدیکتر شد یك جنگل کوچك را تشخیص داد وباخود فکر کرد :«خدا را شکر اکنون دیگر راه دور نیست .»اوبه امتداد جنگل کوچك راند به ایـــن امید که بزودی به جادهٔ آشنا بـر خواهد خورد ویا به دور جنـــگل خوا هد گشت و «شادرینو» در عقب آن قرار داشت .

بزودی جاده را یافت ودر تاریکی در زیر درختان عریا ن زمستا نی براهٔ خود ادامه داد . در اینجـــا باد آنقدر به شد ت نمی وزید . جاده هموار بود . اسپ نفس تازه ای پیدا کرد و «ولادیمیر» اند کـی آرام گرفت .

اما او باز هم پیش راند و لی‌از «شادرینو » اثری معلو م نشد . گویا این جنگل کو چك هیچ‌پایانی نداشت «ولادیمیر» با وحشت در ك کرد که او در یك جنگل بیگانه خود را گم کرده است . نا امید ی بر او چیره گردید . اسپرا قمچین کرد .حیوان بیچاره اندکی سریعتر به دو ید ن آغاز کرد. اما بزودی از مقاو مـــت خود کاست وپانزده دقیقه بعد با وجو د تمام مساعی«ولادیمیر» باقدم های آهسته حر کت میکرد .

آهسته آهسته انبوه در ختـــان کمتر گردید و «ولادیمیر» از جنگل بیرون آمد . «شادرینو» در هیـــچ جایی به نظر نمیرسید و اینك باید نصف‌شب فرامیرسید.اشك‌در چشمان «ولادیمیر» جمع شده بود واو بـــه صور ت تصاد فی پیش میر فت . فضا ی طوفانی اند کی آرا م‌گرفت وابر ها از همدیگر پاشیده شدند. درمقابل او دشتی مانند یك لحا ف سفید موجدار گسترده شده بود ، شب تقریبا روشن بود .اودرنزدیکی مقا بل خود یك دهکدهٔ کو چـك را مشاهده کرد که از چهار ویا پنـج دهقانخانه تشکیل شده‌بود وبه‌همان سمت روان گردید . در مقا بل‌اولین کلبه از کا لسکه بر فی پایین پرید به طرف پنجرهٔ آن دوید و تك‌تك کرد. بعد از چند دقیقه کلکین‌چوبی باز گردید وسر و کلهٔ یك پیر مرد باریش سفید از میان آن نمو دار شد .

– شماچه میخواهید ؟

– آیا تا «شادرینو» راه زیاددور است ؟

– سوال میکنید کـه آیـــا تا «شادرینو» راه دور است ؟

– بلی ، بلی آیا زیاد دور است؟

– زیاد دورنیست ، تقر یبا ده «ورست »فا صله باید باشد .

بعد از این جوا ب «ولادیمیـر» وحشت زده مو های خود را گر فت ومانند یك انسانی که به مر گـــ محکوم شده باشد ، در مقابل خود خیره گردید .

پیر مرد سوا ل کرد :

–وتو ازکجا می‌آیی ؟

«ولادیمیر» دیگر علاقه ای‌نداشت که به سوا لی جوا ب بد هد وگفت:

– آیا میتوانی برای مـن تـــا «شادرینو» اسپ تهیه نما یی ؟

دهقان پیر جوابداد :

– ما چگو نه میتوانیم اسپها ی داشته باشیم .

– آیا میتوانم یك رهنما دا شته باشم . من هر قدر پولی که بخواهد برایش میدهم .

پیر مرد در حالیکه پنجره را می بست گفت :

– صبر کن، من‌پسرخودرا نزدت میفرستم .او ترا رهنما یی خواهد کرد.

«ولادیمیر» انتظار کشید . امـا هنوز یك دقیقه سپر ی نشده بود که دوباره تك‌تك زد . کلکین باز شد وزیش پیر مرد از ورا ی آن ظاهر گردید .

– چه میخوا هی ؟

– پسر ت چه شد ؟

– ،ورا می آید . او موزه هـــای خودرا می پوشد . آیا خنك‌میخوری؟ پس داخل بیا وخود را گر م کن .

– تشکر ، فقط پسر ت را زود روان کن .

درب با صدا ی برو ی خودچرخید ویك مرد جوا ن در حالیکه یك‌عصا در دست داشت بیرو ن آمد وباسر باطر ف راهٔ پربر ف اشاره ای‌نموده به پیش افتاد .

«ولادیمیر» پرسید !

– ساعت چند است ؟

دهقان جوان جوابداد .

– بزودی هوا روشن می شود .

«ولادیمیر» دیگر یك کلمه حر ف هم نزد .

هنگامیکه به «شادرینو» رسیدند خروس ها آواز میدادند و هواروشن شده بود. کلیسا بسته بـــود . «ولادیمیر» پول رهنما را پرداخت، وبه طرف منزل کشیش راند .گادی برفی او در روی حویلی نبود . آیا دیگر چه خبری انتظار اورا داشت !

اما اکنون دوباره به نزد مالکین «نینا رادو فو»بر گردیم و به بینیم آنهادر چه حالند .بدنیست !

والدین پیر از خواب بیدار شده وبه اطاق نشیمن آمده بود ند . در

گاوریگا وریلو ویچ»با یك کلاه و جاکت پشمی و «پراسکو یا پتروفنا» بایك بالا پوش خواب پنبه ای .

سماوار آ ماده شد و« گاور یلا گا ـ وریلوه ویچ» خدمه رافرستادتاصحت «ماریا گاور یلو فنا» را پرسیده و احوالش را بیاورد که آیا شب را آرام خوابیده است ؟ دختر ك خدمه بازگشت واطلاع داد که اگرچه ما ـ دموازل خوب نخوا بیده است ،اما اکنون خوب است وهمین الا ن به اطاق نشیمن حاضر می شود.حقیقتا درهما ن لحظه در ب باز گردید و «ماریا گاوریلو فنا» داخل‌شد تا به پدر ومادر خود سلام بگو ید .

« گاو ریلاگاوریلوویچ» پرسید :

ـ سر درد ت چطور است ، «ماشا»؟

«ماشا» جوا ب داد :

ـ خوبتر است ، پدر عزیز !

«پراسکو یا پتروفنا» گفت :

ـ توحتما دیشب از بوی ذغا ل ناراحت شده‌ای .

«ماشا»جوا ب داد :

ـ شاید همینطور باشد ، مادر!

روز بدون کدا م اخلا لی سپری گردید . اما در شب «ما شا» مریض شد . آنها یك نفر را به شهر فرستادند تا دوکتور ی بیاورد . دوکتور طرف های شا م رسید و مریض رادر حا ل‌هذیان گو یی‌یافت که در حالت تب شدید ی بسر می برد. مریض بیچاره دو هفته درا ز دربین مرگ وزند گی قرارداشت .

هیچکس در خانه از همچو یك فرار نا فر جا مواقف نگردید . مکاتیبی که در شا م قبل تحر یر یافته بودند ، همه سو ختانده‌شدند دخترك خدمه از ترس اینکه خشم وغضب اربا ب خودرا بر انگیزد سکوت کرد و چیزی گفت ، کشیش افسر متقاعد ، مسا ح برو تی وسر باز کوچك که می بایست شا هدین عقد باشند همه سکو ت کردند ، البته نه بدون حق السکو ت ،«تیر یشکای گادیران» هیچو قت، حتی در هنگام نشه و مستی نیز یك کلمهٔ اضافی نمیگفت .

به این صورت این اسرار، بهتر از اینکه تعداد زیادی در باره دست اتحاد بهم داده باشند ، نهفته ماند. اما «ماریا گاو ریلو فنا»خودش درهنگام هذیان گویی از شد ت‌تب این اسرار را فاش کرد اما کلما تش به اندازه ای از هم گسیخته و نا منظم بودند که مادرش که ازپهلوی بستراو دور نمی شد از جملات او چنین استنباط کرد و نتیجه گرفت که دخترش فو ق العاده عاشق «ولادیمیر نیکو لا یویچ» است و به این‌منا سبت عشق اساس این‌مریضی می باشد .

اوبا شوهر خود و بعضی همسا ـ یگان مشوره و مذاکره‌نموده‌وبالاخره به این نتیجه رسیدند که ذریعهٔ اسپ هم نمیتوا ن از این‌داماد فرار کرد و غربت وبی بضا عتی کدام عیبی نیست واینکه انسا ن بالروت نه ، بلکه با انسا ن زند گی میکند واز اینگونه پروبلم ها زیاد دیده شده‌است .

ضرب المثل ها ی اخلا قی در مواردی که خود انسا ن راهٔ حل مشکلات را نیابد ، خیلی مفید واقع می شوند .

آهسته آهسته دختر ك دوباره صحت یا ب گردید . «ولادیمیر» را از مد ت‌مدید ی بدینطر ف دیگر درخانه «گاوریلاگاوریلو یچ» ندیده بودند . او به نسبت همواره‌پذیرایی های خرا ب ترسیده بود و دیگر در منزل آنها ظاهر نشد آن وقت تصمیم گرفته شد تانزد او بفر ـ ستند واین خبر سعاد ت آمیز وغیر منتظره رابرا ی اوبد هند :«رضاییت والدین برای ازدوا ج»اما تعجب مالکین «نینا رادوفو» چقدر زیاد بود ، هنگا میکه در جوا ب دعو ت نامهٔ خود یك مکتو ب در هم وبرهم ونیمه دیوانه از او حاصل کردند . او در مکتو ب نوشته بود که دیگر قدم به خانهٔ آنها نخوا هند گذاشت وخوا هش کرد که این بد بخت را فراموش کنند، مرد بدبختی را که یگانه راهٔ امید او مر گ است .بعد از چند روزی فهمیدند که«ولادیمیر» به خدمت سر باز ی لشکر بازگشته است . این موضو ع درسا ل۱۸۱۲ بوقو ع پیوست .

خیلی دیر جر ئت نکردند که این واقعه را به اطلاع «ماشا» که‌اکنون صحت یافته بود ،برسانند . اما چند ماه بعد « ماشا»نامش‌رادرلست مجرو حین شدید جنگ« بورودینو» یافت واز هوش رفت . همه از این می ترسیدنه که او دوباره دچار تب شدید خوا هد گردید .

اما خوشبختا نه این بی هو شی کدام نتیجهٔ وخیمی نداد .

ناتمام

رباعیات

سلیم شاه برزین

کابل که میان گل وآب افتاده است
حسنش ز جهان آفتاب افتاده است
از دیدن روی خوا هر او بز مین
بی چاره د لم در انقلاب ا فتاده است

• • •

خورشید ر خت بدید و نور افزا شد
مه از رخ خورشید جهان آ را شد
گل بر رخ مه پر تو حسنت دیده
بشگفت خدای بلبل گو یا شد

• • •

شیرین بزنی چو دست بر د ستك در
آواز برآورد داد از بند جگر
که ای جان جهان قفل مزن خانه‌عشق
من وا نشوم غیر تو بر شخص دیگر

• • •

در پیکر عشق ر یخت جان من و تو
گل کرد ز عشق خود جهان من و تو
آن سان شده ایم همنفس درره عمر
فرقی نکند اجل میان من و تو

• • •

از روی تو صد بر گ سحر میشگفد
در شبنم عشق گشته تر میشگفد
در شام فراق گر چه شد پژ مرده
در صبح وصال از دگر میشگفد

راه تو به سوی چشمه نور افشان باد
راه تو چو روی صبحدم خندان باد
آن کوزه که در دست سفیدت باشد
بر تشنه دیدار تو جاویدان باد

• • •

بوی خوش خر بوزه ز پالیز آ مد
شیرین قد و لب شکر شکر ریز آمد
از حاصل عمر دل چه خواهی دیگر
بردرگهٔ تو بخت سحر خیز آ مد

• • •

ای چشم سیه که چشم شهلا داری
باچشم سیاه خود تمنا داری
شستی تو مگر که چشم در چشمه عشق
کین دیده پر خمار و زیبا داری

• • •

بایاد ر خت قدم در عالم بزنم
از عشق تو خنده بر سر غم بزنم
من بی تو ازان خنده کنم با دیگران
تایك‌نفس جدایی بر هم بزنم

• • •

پر خوف ز راه عشق را هی نبود
سنگین تر از آه هجر آ هی نبود
از ترس جان به جانان دادن
در دهر بزرگتر گنا هی نبود

• • •

آن در که بود به مردم د نیا باز
آن دل که بود زمهر یاران پر راز
آنان که کند ندا بگوید به گذار
از شاعرم عا شقم دوست نواز

• • •

بی دوست قدم به دهر نگذارم من
بی دوست ره حیات نسپارم من
روزی که کشم نفس در عالم بی دوست
آن روز ز عمر خویش نشمارم من

• • •

هر کس به روی د هر تن پرور شد
بیگانه ز خلق خویشتن پرور شد
تنها نبود ره زن آمرغ بختش
اوره زن اقبال و طن پرور شد

• • •

بی سو زش دل در عالم اختر نشوی
بی مهر ووفا عزیز دلبر نشوی
این راه دراز و پر خطر گفت مرا
تاره نروی هیچگه‌در هبر نشوی

• • •

از گردش خویش ، ماه عالم تاب است
از جوشش خو یش ساف درجواب است
ای بخت مطلب بخیز مرغ بختت
از خواب گران سخت تو در خواب است

• • •

افتاد اشکی زچشم گریان برلب
آتش شد و گفت با صد افغان بر لب
که ای لب برسان بر دل بی عصیانی
کز تاقت تو رسید این جان بر لب

• • •

صد معجزه در بهار پر آ بشار است
صد ساز طرب به شاخ پر ازباراست
بااین همه معجزات در روی زمین
شادی بزرگ آدمی از کار است

• • •

در هر گلخن ره حیات است ای جان
در هر گرداب صد نجات است ای جان
امید ر ها صد بلایت بکند
نومیدی تو راه ممات است ای جان

• • •

آب که زقله بد خشان آ ید
از دیده آفتاب سابان آ ید
تاچشم مه بد خشی را بوسه ز ند
سر را بزند سنگ غلتان آ ید

• • •

آنان که بفرق کوه را هی جویند
با آرزوی مهر گیا هی جویند
از مرگیاح عشق چون بی خبرند
از سایه خو یشتن پنا هی جویند

دشمن هوشیاری

صورت گر نقاشم هر لحظه بتی سازم
وانگه همه بت ها را در پیش تو بگذارم
صد نقش برانگیزم با روح درآمیزم
چون نقش ترا بینم در آتشش اندازم
تو ساقی خماری یا دشمن هوشیاری
یا آنکه کنی ویران هر خانه که من سازم
جان ریخته شد با تو آمیخته شد با تو
چون روی تو دارد جان جا ترا هله بنوازم
در خانهٔ آب وگل بی تست خراب این دل
با خانه درآری جان تا خانه بپردازم

« جامی »

بقیه صفحه ۲۸

گئورگی دیمتروف

از شرافت شخص خود بحیث یک فرد انقلابی دفاع می کنم من از محتوا و مجموعهٔ زندگی خود دفاع می کنم .

رئیس محکمه گفت از بیانات گئورگی معلوم می شود که وی صرف به وضع حزب کمونیست بلغاریا توجه داشته در حالیکه اکنون در دفاع از حزب کمونیست آلمان پرداخته است .

دیمتروب جواب داد :

آقای رئیس من بمثابه یک انقلابی بلغاری به نهضت انقلابی سراسر جهان علاقمندم . مثلا من بوضع سیاسی امریکای جنوبی هم علاقه دارم با وجود آنکه هیچگاه آنجا نبوده ام شاید از وضع سیاسی آنجا بهمان اندازه اطلاع داشته باشم که از وضع سیاسی آلمان . این به هیچوجه دلیل آن نیست که اگر یک ساختمان دولتی در جنوب امریکا آتش بگیرد ، من عامل آن هستم.

محکمه هیچ راهی نیافت و به آزادی متهمین تصمیم گرفت ، مگر دیمتروف گفت که متهمین را مطلقا بیگناه اعلام دارد ، عاملین آتش سوزی رایشتاگ را دشمنان طبقه کارگر اعلام نمایند ، کسانیکه اتهامات ناروا وارد آورده اند ، مورد جزا قرار بگیرند وخساراتیکه بر آنها وارد شده ، جبران شود اما این همه پیشنهادات دیمتروف مورد قبول واقع نشد ومحکمه دیمتروف ویارانش را فقط بعلت (حفظ دلایل کافی) برائت داد و بدینصورت قصر خیالی سران دو لت آلمان که می خواستند خود را قهرمان «نجات تمدن اروپائی از خطر بلشویزم » وانمود کنند ، فرو ریخت .

دوران پس از محاکمه :

دیمتروف تبرئه شد اما از زندان رهایی نیافت ، جلادان فاشیست وی را بزندان بر لین انتقال دادند ، همینکه بیمار بود، هیچکس به تداوی وی اقدام نکرد ، باز هم سیل اعتراضات پیام ها بسوی آلمان سرازیر شد ، خود وی هم تقاضا کرد که او را به بلغاریا بفرستند ولی دو لت فاشیستی بلغاریا اعلام کردکه وی از تابعیت بلغاریا خارج شده است ، دو لت شوروی اهلیت وی را بعنوان یکی از افراد شوروی اعلام داشت و دو لت آلمان ناگزیر وی را به شوروی تبعید کرد . مادر قهرمانش درماسکو باپسرش ملحق گردید و مورد پذیرایی گرم قرار گرفت .

جنگ دوم جهانی آغاز یافت ، این جنگ دشوار ترین و خونین ترین جنگی بود که جهان بخود دیده است . رهبری هتلری نابود ساختن نظام سوسیالیستی و امحای فزیکی مردم اتحاد شوروی و به چنگ آوردن سرزمین ها و ثروتهای ملی آنرا هدف خویش قرار داده بود ، فاشیزم آلمان با هیات حاکمه کشور های امپریالیستی می خواستند راه را برای برقراری سلطهٔ خود برجهان هموار سازد .

در اواخر سال ۱۹۴۲ در نتیجه تلاش ها دیمتروف و سایر پیکار جویان راه خلق کمیته ملی جبهه میهنی بوجود آمده بود که در تاریخ آنکشور از اهمیت بزرگ برخوردار است . پایهٔ جنگ های پار تیزانی علیه فاشیزم اشغالگر با دستیاری این جبهه که بانی آن دیمتروف است ریخته شد.

عصر روز هشتم و شب نهم سپتامبر ۱۹۴۴ مردم بلغاریا ، قیام کردند و در نتیجه حکومت جبهه میهنی بر قرار گردید .

باید یاد آور شد مبارزات مسلحانه خلقهای بلغاریا علیه سرمایه داری و فاشیزم غارتگر واتحاد نا مقدس دو لت فاشیستی بلغاریا و دولت فاشیستی هتلری درسالهای ۱۹۴۱-۱۹۴۴ به اتحاد طبقه کارگر تحت رفش جبههٔ پدر و طن در راس حزب کمونیست بلغاریا شدت بیشتر یافت . مارش ظفرنمون قشون رهایی بخش کشور شوراها که در رومانیا ، در پای دانیوب و مرز های بلغاریا برضد فاشیزم هتلری جانبازانه براه انداخته شده بود ،شرایط مساعد سیاسی ونظامی خارجی را برای قیام نهم سپتامبر ۱۹۴۴ مساعد گردانید که در فرجام منجر به شکست قطعی رژیم بورژوازی، فاشیستی وایجاد دو لت توده ای بلغاریا گردید ودر اثر این همه مبارزات پیگیر ، توده های مردم بسوی اعمار جامعه نوین ، بسیج گردید .

در ۲۱ اگست ۱۹۴۵ ، که آلمان فاشیست سرکوب شده بود ،گئورگی دیمتروف به میهن عزیزش باز گشت و زمام دولت بدست او سپرده شد یکسال بعد ، همه پرسی عمومی در جمهوری توده ای بلغاریا صورت گرفت و مراجعه به آراء عمومی ، حزب کمونیست بلغاریا در حدود ۵۵ فیصد آراء را بدست آورد و می توانست به تنهایی حکومت را تشکیل کند اما در اثر توصیه خرد مندانه دیمتروف یک حکومت ائتلافی باشرکت جبهه ملی بوجود آمد . پلان دولت جهت صنعتی شدن و اعمار جامعه نودرکنگره پنجم حزب کمونیست که درآن رهبر توانای خلق بلغاریا و موسس جبهه پدر و طن دیمتروف به صنعتی شدن کشور و مدرنیزه شدن سوسیالیستی زراعت اشاره و تاکید ورزید ، به تدریج ، روبه گسترش نهاد .

دیمتروف ، بیمار شد ، بنیه وی رو به تحلیل رفته بود ، برای معالجه به ماسکو رفت ولی بی ثمر ، در روز نهم جون در سن ۶۷ سالگی ، چشم از جهان بست .

کودکان امروز رسالت‌مندان فردا

کودکان امروز که به یقین مردان و زنان مسوول جوامع بشری فردا راتشکیل میدهند پس لازم است که والدین در مورد صحت وسلامتی و پر ورش رو حی و جسمی آنها توجه جدی نما یند زیرا اگر این نهال های کوچك و محتاج پرورش امروز تر بیت‌سالم تغذیه درست و صفا و صمیمیت نبینند واز تربیت درست خانوادگی واجتماعی بهره مند نگردند پی آمد و اثر تربیه نا درست د ر کرکتر و شخصیت آ ینده آ نها تاثیر منفی نموده و اجتماع فر دا و نسل های بعدی‌مارا تکوهش و سر زنش خواهدکرد .

اما اگر از اطفال امروز پر و رش جد ی ومراقبت خوب به عمل آید ونتایج بعدی آن مثبت ارزیابی شود ، قضاوت آینـدگـان نیز نیکو وارزشمند خوا هد بود .

ازین گذشته با حد اقل تو جه و عا قبت‌اندیشی می توانیم جا معه فر دا را سعادتمند ودلپذیر سازیم و یا با کمی بی توجهی و عاقبت نه‌اندیشی نسل بعدی راعلیل یابیم‌که واضحا مسوولیت این نسل ناقص به د و ش نسل امروزی است ودر پر تو همین احساس مسوولیت و رسالت عمیق اجتماعی میتوانیم در جهت تر بیت کو دکان بذل مسا عـی نمائیم .

اکثر ما دران و پد ران تنها به این نکته ارزش قایل اند که بایست به طفل شـان غذای خوب و با انرژی و لباس های ز ـیبا وباارزش تهیه نمایند و انسان بودن ومکمل بودن رابه این خلاصه مینمایند ، بلکه بایـد بدانند که روشن بینی و ضمیر آگاه انسانها جوهر اساسی وشخصیت ذاتی آنهارا تشکیل میدهد وباید از همان آوان کـودکی و نو ـباوه گی کودك را چنان پر و رش و تر بیت دهند که باضمیر آ گاه و وجدان پاك دراعمار جامعهٔ شان بذل مساعی و ر سالت‌ومسوولیت شانرا عمیقا درك نمایند برای درك ا یـن موضوع در پهلوی تر بیت سالم باید ب کودکان تعلیم بیا مو زیم و با روشن‌نمودن مشعل سواد و دانش باطن او را تنو یـ نمائیم و بر فا میل های محترم است کـ موضوع مطالعه وآموزش را بـرای اطفـا ممکن سازند وبکوشند تا مشوق خوب‌درام مطالعه برای اطفال باشند ا ما باید ظرفی درك و گر فت و ذهنیت ا طفال را در نظـ بگیرند با یك ر هنمایی ساده می شودمشوق خوب کو دکان در امر مطالعه بود و آمو زش و مطالعه را طـوری به دماغ کـو د کا ذهن نشین سازیم‌که مانند غذاو لباس ا حتمی تصور نمایند . پس گفته می توا نـ که چنین ما دران و پدران از مسوولیـت رسالت خویش پیروز مند و مو فق بـد آمده اند .

این‌نظر و عقیده انسانی ز مانی میسر شد می تواند که پد ران و ما دران به نو بـ خویش به دانش و جهان علم و فر هنگ مطالعه همیشگی علاقمند باشند و آنرا ما نند وظایف شبا روزی انجام د هند .

واین نظر در مورد خانواده ها وکودکانی صدق می کند که لااقل کمی سواد دارندمگر ما میدانیم که جا معه قصدا عقب نگه داشته ما که اکثر یت والدین از نعمت سواد بهره کافی ندارند و رنج همیشگی آ نهاهم همین است که نمی توانند لااقل سواد نو شت و خوان را به اطفال شان یاد بد هند و بـه اصطلاح خود شان « کور هستند » وبه‌زبان دیگر شرایط جا معه فیودالی و نظام هـای متحط سلطنتی این موقع رابه ایشان نداد تا ازخرمن سواد و دانش بهره برند و دا نـ چیده باشند واز طرفی برای چنین فا میـل ها نیز ز مینه گر فتن ا خبار ، مجلات و سایر نشرات میسر نبوده و آنها پیو سته

سوگند

سو گند بنام پاك تو ای مادر وطن
سوگند به قهرمـانی فرزند خوب تو
سو گند به نام نامی ام‌البلاد بلخ
سو گند به نام غزنه و پا میر پرشکوه
سو گند مرا به اشعهٔ زریـن آفتاب
سوگند به نور اختر شبگرد آ سمان
سو گند به حسن و صورت پر و یـن‌وکهکشان
سوگند به پتك و بازوی مردان کار گر
سو گند به دستهای پر از زخم برزگر
سو گند مرا به قا مت خم گشته چـون‌کمان
سوگند به پا برهنگی یی طفل بی پدر
سوگند به آب د یدهٔ آن مادر غمین
سوگند به چشم منتظر عا شق حزین
سوگند بد یدگان هوس ریز د ختران
سو گند به ناله های سحرگاه مر غکان
سو گند به د شت های تب آلود ا یـن‌د یار
سو گند به د شت ها و به کوه هـاو با غسار
سوگند به هرچه پاك ومقدس بود، وطن
سو گند می خورم که تا آ خرین رمق
سرمیدهم در راه تو،وحفظ شان تو
تا آن ز مان که قطره خون در رگم بود
آنرا نثار نام تو ای میهنا کنم

در فکر پیدا کردن نان و لباس خیلی‌ابتدایی بودند . پس چنین اشخاص محروم ، رنج - کشیده و محتاج می توانست در موردکودکان قدونیم قد خود بیند یشد و جهل وبیسوادی وبی دانشی را از آ نها دور نماید .

به هر حال آنچه مطلب ا ساسی‌را می - رساند غذای معنوی کو دکان ا ست که باید برای شان تهیه شود و والدین مسوول اند که دست به دست بادولت انقلابی شان درین زمینه توجه جدی نمایند همان طو ر یکه دولت همه شرایط ز یست وزندگی رابرای کودکان هموار می سازد و آ رزوی سعادت وپیروزی کو دکان را دارد فا میل های محترم نیزدرین زمینه مسوولیت خویش را دردست انجـــام گیرند .

بهتر آن ا ست که در شیوه آ مو زش و ار تقای سطح دانش از تجاربوشیوه عملکرد کشور های متر قی ا ستفاده نمائیم و د ر اجراء آن اعمال کمر همت ببندیم وازنظریات علما ، دانشمندان و روانشناسان حد اکثـر استفاده‌را بنمائیم واز مطالعه آثار نو شته‌ها وتجارب آنها کو د کان خود را غنی‌سازیم.

گرچه ا طفالیکه در شهر ها ز ندگی می- نمایند به یقین آ ثار نشر شده ، تلویزیون، رادیو و غیره آ ثار سمعی و بصری‌بدسترس شان قرار گرفته واز آن مستفید می شو ند.

اما آن عده اطفالیکه ، در گوشه و کنار دور افتاده کشور ز یست دارند بایدحداکثر توجه به حال شان صورت گیرد که دریـــن قسمت فا میل و مخصوصا عناصر آ گـــاه وروشن مسوولیت خاص دارند . در د هات در آ ن جا هاکه محیط ا جتماعی جمعی میسر نیست این مشکل کار و تلاش وا لد یـــن را دو چندان می‌سازد .

بهر حال آ نچه نوشته شد و آنچه گفته آمد فقط یك یاد آوری مختصر از یك ایده ونظر انسانی در باره تر بیت روانی ومعنوی کودکان ا ست که در اثر مطالعه پیشگا مان وتحقیق و ریسرچ عناصر مسوول راه حـل یافته می تواند تا در فر دای ز ندگانـــی فرزندان اجتماعی از ما به نیکویی یاد آوری نمایند تا اطفال فـردای جـامعه مـا از هر نگاه سعادتمند و صحت مند بار آیند .

ا میـــد د ر یـــن عـــر صـه یکـد یگر را یار و یاور باشیم و مسوولیت هـــا ی انسانی واجتماعی خود را بد رستی د ر ك نموده و نقش خود را فعا لانه انجام دهیم .

به امید پیروزی و بهروزی کو دکان‌کشور مان .

فاشیزم این کودك ملعون سرمایه سالاری‌نه تنها از کشتن وزجردادن جوانان وپسران‌دریغ نمی کرد، بلکه اطفال معصوم را نیز بی رحمانه به کام مرگ می سپرد و ازمرگ‌تدریجی ایشان لذت می برد .

نامت را بخاطر داشته باش

جنگ جهانی وانسان سوز دوم نه تنهـــا ملیون ها انسان پیر و جوان که از نا مـوس صلح و آزادی د فاع می نمودند در چنگـال مرگ کشید ، بلکه ملیون ها کودك و طفل بیگناه را نیز به جرم ا ینکه از نژاد آریانبود وحشیانه درمحابس به‌کشتارگاه هافرستادندوبه حکم کشتاپو واس ، اس هااین مامـــوران مرگ و شکنجه در ار دو گاه های مرگ و وحشت فر ستاده می شدند و زنده ز نـده در کوره های آدم سوزی می سو ختند .

اردو گاه مرگ « آشویتس» در به کـــام کشیدن ا طفال وکودکان که اکثرا حتی نام های خود را فراموش می کردند شهره گشته بود وعزا ران طفل بی گناه درین زندان ها بی سر پرست و در حالت وحشتناك مـورد شکنجه و عذاب قرار می گرفتند . آنگاهی که کودکان از مادران شان جدا میشدند . مادران بیش از همه یك جمله را در گوش جگرگوشه های شان تکرارمینمودند آن اینکه « نامت را بخاطر داشته باش »!

زیرا آ نهابه پیروز ی امیدوار بودنـــدو می خواستند روز های بعد از چنگال ایـــن زاده ناب سر مایه سالاری وامپر یا لیزم ، کودکان واطفال شان نام های خودرا بدا نند واز روی نام بایکدیگر آ شنا با شند .

مادران ز یاد به این آر مان جان‌سپردند ولی مادران و کو دکان زیاد نیزاین پیروزی را د یدند و ما از آن پیروزی تا حال ۳۶ سال فاصله داریم اما یا آن حوادث قلـب وضمیر ما را می آ زارد .

در فکر ازدواج

دختری ایتالیایی روبه دوست خود کردپرسید :

– خوب تو بالاخره تصمیم نداری با آن‌پسر جوان ازدواج کنی ؟

– نی جانم .

– چرا ... برای چی ؟

– برای اینکه پدرم میترسد مبادا ازخاطر پولم بمن اظهار علاقه کرده باشد ... مادرم میترسد که مبادا خانواده یی درست و خوب نداشته باشد ... برادرم از آن میترسد که او کاراته باز است ... خودم هم ازآن‌هیچ چیز خوشم نمی آید وبعلاوه ...

دوستش حرف اورا برید :

– بعلاوه چیست ؟

– بعلاوه‌اینکه او هنوز از من تقاضای ازدواج نکرده است !!

شاهد خوب

روزی شخصی را محکمه میکردند رئیس‌محکمه گفت :

–آقا شما شاهد هستید وسو گند یاد کرده‌اید که‌آنچه رابچشم خوددیده‌اید شرح بدهید خوب حالا بگوئید که درچه‌تاریخی بدنیا آمده‌اید ؟

–دراول ماه ثور ۱۳۲۰ .. اما البته باچشم‌خودم ندیدم وبعداً اطلاع پیدا کردم که‌دراین روز بدنیا آمده ام .

بدون شرح

وقتیکه بیدار شدم . بیا

«اسمیت» وارد اتاق دوستش «ادوارد» شد ودید او روی تخت دراز کشیده، او را صدا کرد :

– ادوارد ؟

– چراچه میگویید ؟

– بیدار هستی یانی ؟

– چی میگی بگوگپ چی است ؟

– اگر بیدار هستی ، آن صد دالر را که قبلا برایت داده بودم پس بده !

– نی ... «اسمیت» ... فعلا خو خواب هستم وقتیکه بیدار شدم بیا !!

بدون شرح

من اورا خشک کردم

دیوانه نزد رئیس شفاخانه رفت وگفت:

آقای رئیس صاحب من دیگر هوشیار شده‌ام‌مرا آزاد کنید که‌به خانه خود بروم، رئیس لبخندی زد وگفت :

–از کجا بدانم که راست میگویی دیوانه‌گفت : دوساعت پیش شخصی راکه می‌خواست در آب غرق شود نجات دادم .

رئیس شفاخانه باخوشحالی توام باتعجب‌پرسید : خوب چه کاری را انجام دادی تااو از غرق شدن نجات پیدا کرد .

دیوانه گفت : هیچ آقای رئیس، گردنش‌درطنابی بستم واو رااز درخت آویزان کردم تاخشک شود !

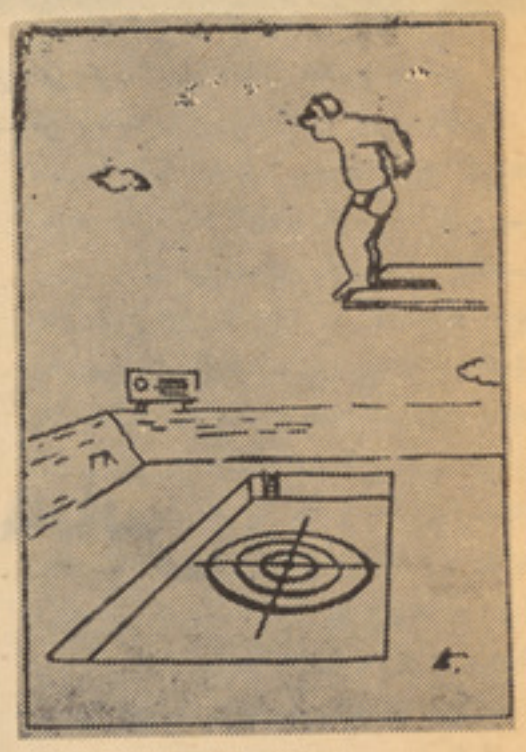

بدون شرح

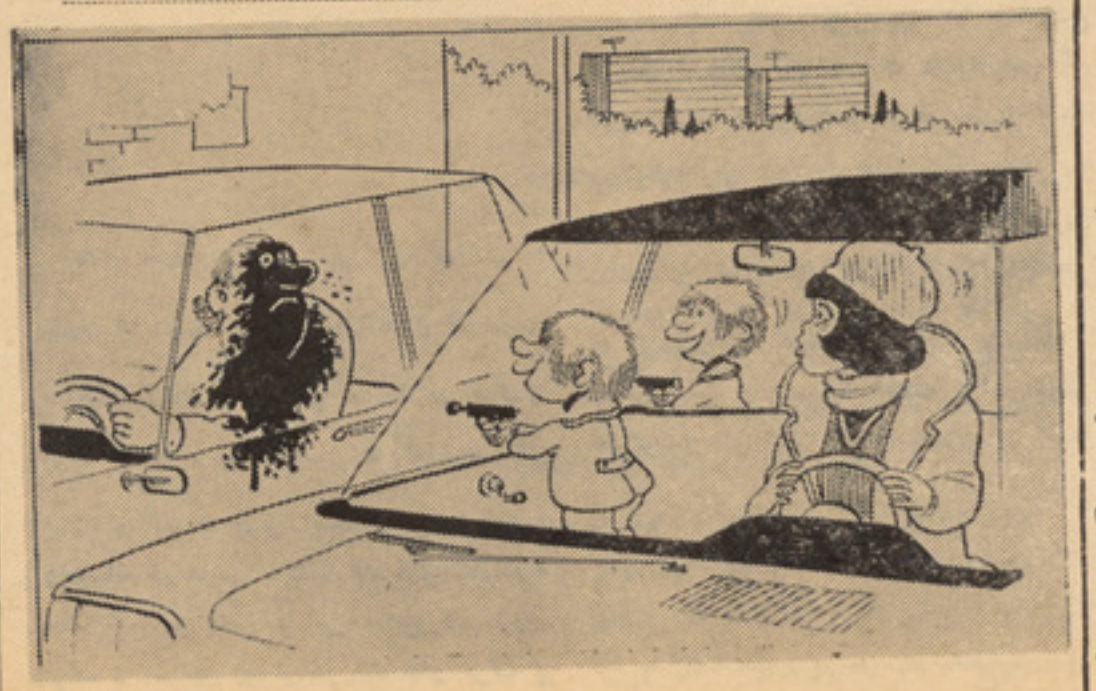

هانری راست میگوید بارنگ میتوان خوبترازآب باتفنگچه خود بازی کرد .

در دیوانه‌خانه

داکتری در باره دیوانه یی که خود را «لوئی شانزدهم» میدانست از پرستار توضیح خواست وپرسید :

– خوب ... حالش بهتر شده یانی ؟

پرستار جوابداد :

– بلی آقای داکتر ... علائم بهبودی کم‌کم در آن دیده میشود .

دلیل این حرف را میدانی !

– برای اینکه از دیروز به اینطرف‌خودش را «لوئی چهاردهم» میداند !!

باید به‌موتر دیگر بروم

مردی مستی سوار موتر شد وپهلوی پیره زنی نشست . پیر زن برای اینکه اورا نصیحت‌کند گفت : شاید خودت ندانی ولی همینقدر می‌دانم که تو یکراست به دوزخ میروی . مرد مست یکمرتبه از جایش بلند شدوبه دریور گفت: برادر جان بسیار ببخشید من غلط کرده ام باید به موتر دیگر بروم .

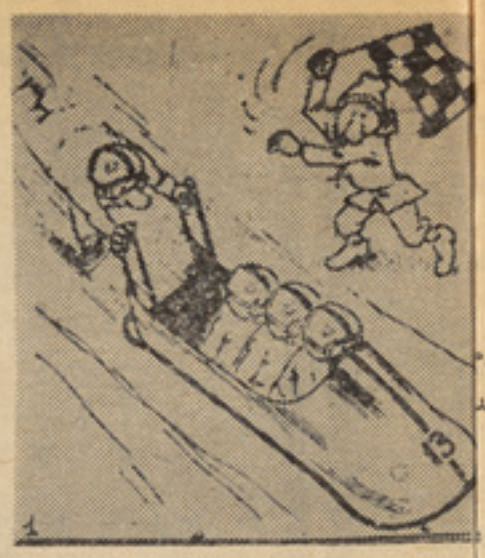

بدون شرح

پسر هوشیار

...سر کوچکی دوان دوان خودش را به‌پدرش ...تازه به خانه آمده بود رساند ودرحالیکه ...نفس میزد ، روبه او کرد گفت :

...پدر جان پدرجان میدانی دیروز شیر ...ی محله مابه خواهرم چی گفت ؟

...نی ...

...پنج افغانی توبه من بده تا برایت ...م !

...بلافاصله دست درجیب‌کردوگفت :

...بیا ... این پنج افغانی ... حالا بگوکه ...گفت ؟

...سرك در حالیکه پول را در جیبش می ـ ...ت، باخونسردی گفت :

...هیچ پدرجان ... شیر فروش به‌خواهرم ...که ... گفت‌که خانم جان ... برای امروز ...شیر میخورین !!

بدون شرح

بدون شرح

بدون شرح

نامزد خوش باور

جوانی که به مسافرت رفته بود ، تلگرافی به دختری که دوستش داشت مخابره کرده وپرسیده بود :

ـ آیا حاضر هستی با من ازدواج کنی ؟

وضمنا پول جواب تلگراف راهم پرداخته بود ... دختر برای دادن جواب به اداره تلگراف مراجعه کرد وازمتصدی مربوط پرسید:

ـ نامزدم پول چندکلمه تلگراف راپرداخته؟

متصدی تلگراف جوابداد :

ـ غیر از اسم وآدرس «ده» کلمه !

دخترکاغذی برداشت و صورت تلگراف را نوشت :

ـ بلی ... بلی ... بلی ... بلی ... بلی ... بلی ... بلی ... بلی ... بلی ... بلی ... بلی ... بلی !

بدون شرح

کیسه بر

کیسه بری را دریکی از محاکمه های شیکاگو محاکمه میکردند ... پس از ختم محاکمه رئیس روباو کرد وگفت :

ـ توبپرداخت صد دالر محکوم هستی ...

کیسه بر، همه جیب های خود را پالید و بعد گفت :

قربان ... من بیشتر از هفتاد دالر ندارم.

رئیس محاکمه یکی از ماموران را صدا کرد وگفت :

ـ چند دقیقه ای با این مرد درجاده راه برو واز دور مراقب باش تا فرار نکند وبعد دو باره او را باینجا بیار تا جریمه خود را بپردازد !!

برگزیده‌هایی از میان فرستاده‌های شما

نقش ادبیات متعهد در تکامل زندگی اجتماعی

دیر زمانی رسم معمول در بسا موارد چنین بوده که تکامل پدیده های هنری و منجمله ادبیات را بدون در نظرداشت تکامل ساختمان اقتصادی جامعه در نظر میگرفته اند • واین عقیده که دست اندر کاران فعالیت های ادبی صرفا به‌کاوشگریهای زیبایی شناسانه آنهم در ورای قانو نمندی تکامل اقتصادی جامعه می‌پردازند ، به‌سنت دیرین پاوسخت ریشه ای تبدیل شده که پی آمد ناگواری داشته واین‌گونه طرز نگرش ناسالم وبیمار گونه فوق‌العاده مضرو غالبا گمراه‌کننده بوده است.

قلم زنان ادبیات بورژوازی ، پیوسته تلاش ورزیده اند که ادبیات و هر گونه آفرینش ادبی ، وسیلهٔ باشد برای ارضای نیاز مندی های طبقات و اقشار صاحب امتیاز جامعه •از همین رو ادبیات در مسیر تکامل قانونمندخود اندك زمانی در اندرون جنگل انبوه ابهام به مشکلات فراوانی مواجه شده و آنگونه که می بایست باسیر تند وشتاب زده به سوی پویایی و تکامل ، به پیش تازد ، نتوانسته است •

در جوامعی که مالکیت خصوصی بر وسایل تولید ودر رابطه با شکل خصوصی تملك وسایل تولید استثمار و بهر کشی انسان از انسان بحیث یك پدیده عینی وجودداشته باشد طبیعی است که برای ثبات وپایداری موقعیت طبقاتی صاحبان خصوصی‌وسایل تولید وجلوگیری ازتسریع پروسه زوال استثمار ادبیات نیز به بازی گرفته میشود و جانب داران طبقات حاکم جامعه در عرصهٔ ادبیات به آرایش گری سیمای ادبیات دست میازند واز سیمای راستین وبی‌آلایش ادبیات سیمای‌رنگ آمیزی شده ای را که غالبابه‌صورت یك مکیاژ مضحك وخنده آور درمی آید . بدست میدهند از همین گونه است ادبیات‌بی رمق وکم توان جامعه سرمایداری که در محدودهٔ منافع طبقاتی بورژوازی پا گیر مانده وبه سوی انحطاط وپوسیدگی سمت گیری نموده است •

صاحب نظران ادبیات بورژوازی ، ظریفانه کوشش نموده اند تا ذوق مندان ادبیات را قسما متقاعد سازندکه گویا ادبیات هیچگونه رابطه ای و هیچگونه‌تاثیری به دیگرپدیده‌های زندگی اجتماعی‌نداردوخودمیتواندرچوکات‌قواعد وضابطه های مشخص مستقلا تکامل نماید • گاهگاهی چنین اظهار عقیده میشود که ادبیات تنها با اخلاقیات ومسایل صرفا روانی جامعه در ارتباط می تواند بودوازهمین لحاظ است که ادبیات بکار تکامل جوامع انسانی کاری ندارد •

پایه گذاران مکتب های ادبی رمانتیسم ، سمبولیسم ، سورویا لیسم ، ناتورالیسم و گونه گون مکتب های ادبی دیگری ازین قبیل چون ادبیات را بحیث وسیلهٔ تامین منافع طبقاتی‌بورژوازی‌وتوجیه‌ابدیت وزوال ناپذیری سیطره سرمایه بکار گرفته اند ، نتوانستند از سیمای روشن ادبیات رسالت مند امروز منظره دقیقی ترسیم نمایند وبرمبنای طرزنگرش واقـــع بینانه به چهرهٔ ادبیات آینده ، به پایه گذاری مکتب ادبی دست بزنند که در رابطه با قواعد آن باروری و غنای هر چه بیشتر ادبیات همپای کاروان تکـامل زمان، میسر افتد •

مسلما که درین بحث فشرده و کوتاه ، که بدون تردید از نقایص فراوان به هیچ صورتی عاری نمیتواندبود، منظور نگارنده این نیست که ادبیات آنسو در کلیت مفهوم خود، درون پوسیده و خالی از هر گونه جنبهٔ مفید است، بلکه اینست که در سایهٔ سیاه و سنگین فرما نروایی سرمایه و استثمار انسان ازانسان ادبیات نتوانسته در باز تاب دقیقانه واقعیت های زندگی سهم فعال داشته باشد .

در جوامع سرمایداری که انسان به زاید ماشین تبدیل میشودو هرچه‌که هست حیثیت کالا را بخود میگیرد و سود اندوزی انحصار گران مقدم بر هرچیز دیگری گسترهٔ وسیعی میابد ، تردیدی نمیتوان ونباید داشت کـــه ادبیات نیز از شمار عناصر فرهنگی دیگری که بنابه اقتضای طبیعـت درونی صورت‌بندی اقتصادی ، اجتماعی جامعه وسیلهٔ تامیـن و تسهیل نحوه بهره‌کشی قرار میگیرند مستثنی بوده نمی تواند .

از آنچه که گفته آمد واضـح میشود که ادبیات بورژوازی ، ادبیاتی است مسخ شده‌که نباید از زیان مندی تا ثیر آن برساحهٔ وسیع ادبیات پویا و متعهد امروز ، تصور روشنی نـداشته بـا شیم ، لازمـهٔ وارستن از این دام خطرناك ، گرایش سریع به سوی ادبیات ریالیستی معاصر است‌که همواره از موانـع و مشکلات موفقانه عبور کرده و تاپایهٔ ادبیات متکامل امروز رسیده است •

بحث های فراوانی که توسط صاحب نظران ادبیات متعهد ورسالت مند در زمینه پویایی ادبیات صورت گرفته بیانگر آنست‌که ادبیات بحیث یك‌پدیدهٔ اصیل هنری ، افزون براینکه باسایر پدیده های شامل اوساخت جا معه پیوند اورگانیك دارد ، هم چنان با عناصر متشکله زیر بنای جامعه نیز سخت در ارتباط وپیوند ودیالکتیکی است .

اگر بدون دخالت پیش داوری شخصی در زمینه تکامل ادبیات طی مراحل مختلف‌تاریخی آن مورد بحث شویم، بخوبی می‌توانیم‌دریافت که ادبیات به سهم خود در تهیه وتدارك مساعد ترین محمل هاوپیش زمینه های تکامل زندگی اجتماعی سخت موثر وکارا بوده است و هر گاهی که امکان استفاده از ادبیات‌بحیث وسیلهٔ موثر تامین انسانی ترین نیـا ز های زندگی اجتماعی منظوربوده‌به‌خوب ترین وجهی مورد استفاده قرار گرفته است •

قوانین حاکم برسیر تکامل اشیا و پدید

نامه یك ریاضی دان به معشوقه اش

ای قطر اطول لوزی وای شعاع‌دائره دلم،ازآنروز که قاعدهٔ متوازی الاضلاع پیشانیت رادیدم یك دل نه صددل عاشق ارتفاع آن‌گشتم واعتراف میکنم‌که ساینس‌بینی‌کشیده‌ات رادوست دارم وآرزویم رسیدن به‌کوتانژانت‌قلب توست .

محبوبم ، غباری که هنگام خرامیدن‌ات ازمجموع اقطار بیضی ته کفشت بلند میشود سرمهٔ الفای چشم من است ، بیا : وترمثلث‌صورتت را بنما تا ثابت کنم که مساوی‌است به مربع مجموع دو ضلع دیگر ...

آرزو دارم کسینوس وجودم را در پای‌سطح‌مقطع بینی ات بریزم ، بشرط آنکه پایهٔ وقت رابه توان، نرسانی . بیش از این از گـویاکـردن کسر های گنگ خـودداری میکنم و فرمایشاتت را در رادیکال قلبم می پذیرم‌کسیکه تا آخرعمر عاشق زاویه خارجی دهانت خواهد بود .

چند ضلعی محدب

«تنهایی»

آیا شنیده ای که گفته اند خداوند روزی‌هرکس را تنها میگذارد ؟ بلی حالا تومراترك کردی وتنها گذاشتی روزی میرسدکه خداوندترا تنها خواهد گذاشت آنوقت پشیمان بنزد من بازخواهی گشت وزنگ دررابصدادرخواهی‌آورد ولی آنوقت بتو خواهند گفت او دیگـر نیست !

انتخاب از پیغله روشانه «رزین» وحمید«مبارز» متعلمات صنف ۱۲ ساینس لیسه حوا پلخمری .

های مادی طبیعت قبل ازپیدایش انسان نیز وجود داشت و طبیعت تحت تاثیر این قوانین پیوسته به‌سوی تکامل پیش‌تازید ولی قبل ازپیدایش انسان طبیعت انسانی‌نبود وبا پیدایش انسان طبیعت مادی نیز انسانی شد • لذا بدون ارائه هیچگونه دلیلی می‌توان پذیرفت‌که همه‌گونه پدیده های‌فرهنگی‌جامعه ثمرهٔ منطقی کارو فعالیت اجتماعی انسان‌است• هم چنان بسط و گسترش دامنهٔ فرهنگ جامعه بر وسیع ترین گستره های زندگی اجتماعی آدمیان ، باسرشت ذاتی خلاقیت کار اجتماعی انسان تناسب دیالکتیکی دارد و همیشه ودر همه موارد تکامل پدیده های فرهنگی از خصلت آفریننده کار اجتماعی مایه گرفته‌است•

برای اینکه ادبیات در خدمت توده های زحمت کش جامعه ، قرار گیرد باید هنرمند ادبیات تمام فراور ده های هنری اش را در خدمت جامعه‌گمارد وهر آفرینش هنری‌وادبی موثر ترین وسیله باشد برای تسهیل شرایط لازم باروری هرچه بیشترمحصول کار اجتماعی انسان • ادبیات ریالستیك و مردم‌گرابا قبول اصل تقدم جمع گیرای (کلکتویزم) بر فرد گرایی (اندیوید والیسم) همیشه در خدمت خلق وتوده های زحمت کش جامعه قرارگرفته وزمینهٔ تکامل جامعه را مساعدنموده است •در هراثر ادبی ای که برپایهٔ اسلوب ریالستیك ادبیات نگارش یافته باشد ، نویسنده‌کوشیده است به خواننده‌اش‌واقعیت‌های زندگی‌اجتماعی رابفهماند •

نویسنده متعهد قهرمان اثرش را از میان انبوه‌کثیری ازآدم های معمولی جامعه‌اش برمی‌گزیند واین قهرمان به‌گونه اغراق آمیزی توصیف نمی‌شود که کمترین وجه تشابهی با آدم های دیگر جامعه نداشته باشد ودرین گونه آثار ادبی کلی ترین هدف نویسنده ، باز تاب دقیقانهٔ واقعیت های زندگی است واین باز تاب در برگیرندهٔهدف نویسنده در تدارك مساعد ترین زمینه های تکامل زندگی اجتماعی نیز هست •

تعهد وعدم تعهد در ادبیات نمیتواند با موضعگیری مشخص طبقاتی همراه نباشد برای نویسنده تعهدوالتزام زمانی پذیرفتنی میتواند بودکه منافع توده های زحمت کش جامعه را برمنافع مشتی از افراد ستمگر و طفیلی ترجیح دهد و آفریده های هنری اش را در جهت تامین منافع توده های زحمت کش مورد کار برد و استفاده قرار دهد •

اگر پروسهٔ تکامل ادبیات را طی مراحل مختلف تاریخی در نظر گیریم وگونه گون شیوه هاواسالیب نویسندگی رانقادانه‌بررسی نمائیم ، همان شیوه‌های‌نویسندگی از پرمایگی فراوان بر خوردار بوده که بر جنبه های‌فرد گرایی کمتر اتکاء نموده است و فراورده‌های ادبی ای از ینگونه را خوانندگان با اشتیاق زیادی پذیرا گشته اند واز همین جاست که یکی از صاحب نظران ادبیات متعهد عقیده اش رادر همین زمینه چنین بیان میدارد •

«هنر آئینه حقیقی زندگی است • ولی هرچه این آئینه به سوی فرد بگراید ، دریافت آن از واقعیت بیشتر محدود به مضمون های‌کوچك میشود. اگرهنرمتضمن ادراك جامعی از جهان باشد می‌بایست‌مفهوم‌عمومی ویاتعریفی صریح از زندگی برحسب تکامل تاریخی اش بدست دهد • »

طبیعی گرایی وشکل گرایی ، این هردو سبك ادبی کم مایه که دیر گاهی در ادبیات مورد استفاده قرار گرفته ، نیزنتوانسته اند از واقعیت های پذیر فتنی دریافت عمیق داشته باشند •

شکل گرایی (فورمالیزم) در طول تاریخ تکامل ادبیات موفق شده با ارائه فراورده‌های ادبی ، ماندگاری و بقای جاویدانه اش را تضمین نماید • هر گونه آثارادبی ای که مبتنی بر رعایت اسالیب سنتی این سبك بوجود آمده ، سطحی بی تناسب ، یك پهلو وبی تنوع بوده وهیچگاهی عطش خواننده را برطرف نه نموده است • چون درین گونه باز آفرینی ادبی، به‌تاثیرمتقابل وپیونددیالکتیکی وشکل محتوا و نقش تعین کنندهٔ محتوا توجه نشده در غالب آثار ادبی ای ازین دست ، محتوا بار سنگین شکل را بر دوش می‌کشیده لذا ان سبك ادبی از هر گونه خصوصیت خوب‌وقابل پذیرش عاری بوده است ، جنبه های ضعیف وبی مایهٔ این سبك ادبی را ، یکی از قلم زنان ادبیات راستین و هدف مند بدین سان باز گو می‌نماید •

«شکل گرایی وطبیعی‌گرایی هردو ازهرگونه دریافت عمیق عاری هستند ، در یافت آنها یا «ناآشنا وغریب» است یابی رمق وضعیف، و همواره سرد وبی احساس •»

نویسنده برج عاج نشینی که واقعیت‌های زندگی را ، متکی بر پندار وتخیل مشخص‌اش تحلیل وتجزیه می‌نماید وسرشت درونی‌پروسهٔ تکامل پدیده های زندگی را عمیقا درك کرده نمی‌تواند ومیل دارد که برمبنای پیشداوری شخصی خودش تصویرگر واقعیت ها باشد از آن راهی رفته است که برای نویسندهٔمتعهد وملتزم گزیدنی نیست .

نویسنده در پر تو شعاع نور افگن قوی ای استعداد هنری اش ، آن چیزهایی را می‌بیند که برای دیگران قابل رویت‌نیست و لذا باید نویسنده در یافتش‌رابه صورت مشخص‌ونمونه وار، درقالب تصویر هاو درسیمای کرکتر ها بگونه انعکاس دهد که نه فقط با واقعیت های عینی در تناقض نباشد بلکه سهولتی رابرای خواننده در تشخیص و شناخت واقعیت ها فراهم نماید • نویسندگان متعهد و ملتزم آثار ادبی ای ماند گار و فناناپذیری از ین گونه بسیار آفریده اند که در اوج بزروری وارزش هنری قرار دارد •

ادبیات متعهد به مثابه عنصر فعال پدیدهٔ های روبنایی جامعه ، همیشه درخدمت جامعه قرار داشته و مساعد ترین زمینه ها را برای تکامل وپویایی فرهنگ توده هافراهم نموده وچه بسا که‌این ادبیات رده‌بندی های مشخص طبقاتی رادر جامعه دارای ترکیب اجتماعی‌چند گونه، منعکس ساخته وراه مبارزه را برضد ستمگری هاو بی عدالتی های ناشی ازمالکیت خصوصی بر وسایل تولید نشان داده است• از همین جاست که ادبیات واقعگرای کهنه نشده است بلکه پا بپای تکامل قانونمند زندگی اجتماعی به سوی تکامل و باروری هر چه بیشتر به پیش می‌تازد •

گنجخانهٔ دل

ز هجر ت در گر فته لا نه‌دل
نشد رو شن ز و صلت خا نهٔ‌دل
ز بر ق آتشین سو ز نگاهت
فر و زا ن مجمر ی کا شا نهٔ دل
بیا ر سا قی تو آ ن جام‌بلو رین
ز نو رشعلهٔ مستا نهٔ‌دل
نشد و ا غنچه با غ د ل‌من
چرابی لاله شد گلخا نهٔ ل
ز کیف هر نگا هی با د ه خیزت
بود لبر یز می پیما نهٔ‌دل
چو مجنو ن بر سر م سنگ‌جفا یت
چه میخوا هی از ین د یوا نه‌دل
ز بو ی عطر گلها ی محبت
بو د گلخا نه ها گل خانه‌دل
بپا ی د ل فتا د ه حلقه‌زلف
خو شا دل و خو شا زولانهٔ دل
نگو یم با ((نهیك)) راز دلم را
بعالم فا ش کرد ا فسا نهٔ دل

نهیك

وجیزه‌ها

• فضیلت مرد ، ازسخن اوشناخته‌میشود.
• بهترین دارایی نام نیك است •
• آنچه کمش زیاداست دشمن است .
• آنچه قبل ازمرگ آدمی‌رامیکشد نومیدی است •
• پاك رویی وبی ریائی بالا ترین درجه ایمان است •
• همنشین بدمانند تکه آتش است •
• نشانه‌خرد ، مدارا کردن بامردم است •
• بدترین عادت درونی است .
• بزرگی‌مردبه دانش اوست‌نه‌به دودمانش
• بزرگترین گناه ترس است .
• احسان ، دلهارا تسخیر می کند .
• آنچه پیش ازمرگ آدمی را می کشد نومیدی است .
• بهترین عبادت خدمت به خلق است •
• زیبایی مرد در وقار اوست •
• دانش بزرگترین گنج است .
• شکیبایی ، میوهٔ درخت ایمان است .

گرد آورنده عبدالغنی (توخی)

• • •

سعادت دو جها ن در رضای پدر ومادر است .

حکیم کسی ا ست که د لها ی مردمان را بحکمت صید کند

نیکی کرد ن ما نند ا صره کر دن پول نقد است .

مردم با فهم را ملا متی کافیست وابله‌را صد تاز یانه کم است

کسی که پیش نرود عقب میر ود

چراغ علم با مد د سعی و کو ـ شش تا ریکی ها ی جهل را ازمردم بر میدارد .

ار سا لی : شکر یه سعاد ت متعلم صنف دهم لیسه آمنه فد وی

مدیر مسوول: راحله راسخ خرمی
معاون : محمد ز مان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان‌زاده
آدرس : انصاری واتـ‌جوارریاست مطابع‌دولتی- کابل

تیلفون مدیرمسوول: ۲۶۸۴۹
تیلفون توزیع‌وشکایات ۲۶۸۵۹
سوچبورد مطابع‌دولتی ۲۶۸۵۱
تیلفون ارتباطی مدیریت ژوندون ۲۱
مطبعه‌دولتی

شنبه ۲۶۶ ثور ۱۳۶۰

شماره ۸۸
سال ۳۳۳

قیمت یک شماره
۱۲ افغانی